

افق

سال اول - شماره پنجم - قیمت ۲۰۰۰ تومان

پنجمین ماهنامه اقتصادی دوزبان
New Horizon - Bilingual Economic Monthly



امیر کحای امروز سرمایه‌ساز حسین علیش
بودی و امروز به مسئولین خبرگان

از مومن پرست و صدای
اجتهاد



فرمان سرمایه بر کشور را
چگونه نگاه کرد؟

موانع گران زیر زمین
به روی زمین بیابند!

برنده ویژه جایزه «افق» در کشور: محمد علی شمس‌الغنی

هدقمندی یا رانه‌ها!
مصرف‌گرایی تن‌پرورانه یا
گامی در جهت توسعه



برنده ویژه «افق» در تراز: درباره فروش جنین و نوزادان

تجارت کپیف





امیر دیانی

صاحب امتیاز، مدیر مسوول و سردبیر:

امیر دیانی

قائم مقام مدیر مسوول:

هادی قهرمانی

رئیس شورای سیاست گذاری:

محمد علی خسرو آبادی

مدیر اجرایی:

مجید بهره مند

تحریریه:

سمیه تقی خانی - فرشته نصیری دانا

گلناز پرتوی مهر - حدیثه حقیقی - زینب صفری

زهره دیانی - علی لعل ریاحی - جاوید رستمی

معصومه چاوشی - رضا عبدی - سمیه ستایش

صدرا حسینی - مریم فکری - سعید اکبری

مریم نجفی

فهرست

اما و اگر های احراز شرایط سید حسن خمینی برای راهیابی به مجلس خبرگان

آزمون پر سر و صدای اجتهاد ۶

فاطمه راکعی در گفت و گو با «افق تازه»:

رفتار افراطیون در قبال زنان محکوم به شکست است ۹

پرونده ویژه «افق تازه» درباره فروش نوزادان؛ تجارت کثیف ۱۲

دکتر سید یعقوب موسوی در گفت و گو با «افق تازه»

ساختارمند شدن نوعی از ناهنجاریهای اجتماعی در ایران ۱۴

عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس در گفت و گو با «افق تازه» مطرح کرد

زنان خیابانی اولین حلقه از خرید و فروش ۱۶

درد نان و غم فرزند ۱۸

رئیس انجمن علمی مددکاران اجتماعی ایران در گفت و گو با «افق تازه» مطرح کرد:

رابطه مستقیم بالا رفتن نرخ فقر با فروش نوزادان ۲۰

عصبانیت کودکان را کنترل کنیم ۲۲

فرمولی برای کوچکی شکم ۲۳

سم زدایی بدن با تغذیه ۲۴

۱۵ ترفند برای داشتن چشمانی سالم ۲۵

مراقبت های لازم بعد از سزارین ۲۶

یادداشت مدیر مسوول

اقتصاد ایران در پسا برجام

با برداشته شدن تحریم ها فاق های تازه ای پیش روی کشورمان گشوده شده است. اکنون که پس از سالها اقتصاد کشورمان رنجی ظالمانه را پشت سر نهاد فرصتی مناسب در اختیار دولتمردان قرار گرفته است که باید چاشنی تدبیر را برای شکوفایی اقتصادی کشور به عملکرد خود اضافه کنند. آنچه که بسیار مهم تر از برداشته شدن تحریم ها مهم جلوه می کند داشتن برنامه ریزی مناسب برای استفاده بهینه از فرصت هاست. اکنون وظیفه ای بسیار خطیر تر بر دوش دولتمردان قرار دارد مبنی بر اینکه با استفاده از ظرفیت های موجود نقشی ماندگار بر چهره اقتصاد بیافرینند و نباید سهم مردم پس از سالها رنج به فراموشی سپرده شود. طی سالهای گذشته تحریم ها مانعی جدی در برابر رشد و توسعه اقتصاد کشور به شمار می رفت هر چند که همانطور که بارها نیز بدان اشاره شده است گره زدن تمام مشکلات بر تحریم نیز چندان عقلانی به نظر نمی رسد. چرا که در بسیاری از موارد تحریم ها گامی در جهت نیل به خود کفایی و جلوگیری از رفتاری مصرف گرایانه به شمار می رفت. اجرای برخی تصمیمات نابخردانه و غفلت از اتخاذ تصمیمات بهینه در کنار برخی فسادهای کلان مهمترین عوامل در سوق دادن اقتصاد رو به زوال به شمار می رفت. اما در این مسیر بسته بودن دروازه های تجارت جهانی در برابر کشورمان و جلوگیری از واردات منابع مورد نیاز و صادرات برخی محصولات و عدم حضور سرمایه گذاران خارجی در کشور سبب شده بود تا حرکت در جهت توسعه متوقف شود. اظهار نظرهای برخی دولتمردان سابق مبنی بر قطعنامه های بی مصرف و کاغذ پاره های تحریم بیهای سنگینی را متوجه کشور ساخت و در کنار این گفتارها عملکرد بد نیز مزید بر علت شد تا امروز بسیاری از کارخانجات و صنایع ما متوقف شوند و توان حرکت نداشته باشند. امروز با تدبیر دولت یازدهم غلبه بر تحریم ها با دیپلماسی عزتمندانه به بار نشسته است اما آنچه که در این بین بیش از هر چیزی خودنمایی می کند لزوم درک عمیق نسبت به شرایط پیش روی اقتصاد کشور است که غفلت از آن و اتخاذ تصمیمات غیر کارشناسی می تواند آثاری زیانباری به همراه داشته باشد. دولت اکنون باید با یک پروگرام ویژه اصلاح ساختارهای اقتصادی کشور رادستور کار قرار دهد و در راستای بهبود فضای کسب و کار برای رسیدن به رونق و خروج از رکود حرکت کند. یاری خواستن از بخش خصوصی و فعالین تولید کشور و استفاده از ظرفیت های آنان از جمله اولویت های مهم دولت باید به شمار آید. ایجاد همگرایی و اعلام بسیج عمومی جهت بازسازی از جمله دیگر ملزومات پساتحریم است. در این بین دولت با توجه به اینکه طی سالهای اخیر قدرت خرید مردم بین ۳۵ تا ۴۰ درصد کاهش یافته است روندی در پیش گیرد که در شرایط فعلی رکود و تورم بتواند قدرت خرید را با اتخاذ سیاست هایی به مردم بازگرداند. در این بین ذکر یک نکته نیز بسیار ضروری به نظر می رسد و آن اینکه نباید انتظار داشته باشیم اقتصاد سالها در تحریم و به لاک خود فرو رفته بتواند یک شبه ره صدساله توسعه را طی کند. مطمئنا در پسابرجام باید با بازسازی دوباره اقتصاد کشور و رفع نقاط ضعف و جذب سرمایه گذاران خارجی و بها دادن به تولید و بخش خصوصی پیموند مسیر توسعه را با برنامه ریزی های اصولی در آینده ای که چندان نیز دور نخواهد بود به راحتی پیمود.



اما و اگر های احراز شرایط سید حسن خمینی برای راهیابی به مجلس خبرگان

آزمون پر سر و صدای اجتهاد

۶

پرونده ویژه «افق تازه» از بزرگترین جراحی اقتصادی ایران

هدفمندی یارانه ها؛ مصرف گرایی تن پرورانه یا گامی در جهت توسعه ۲۸

غلامرضا مصباحی مقدم در گفت و گو با «افق تازه»:

شیوه کنونی پرداخت یارانه ها، خیانت ملی است ۳۲

محمد قلی یوسفی در گفت و گو با «افق تازه» مطرح کرد

رفراندوم یارانه ها بزرگترین اشتباه ۳۴

دکتر محمد خوشچهره در گفت و گو با «افق تازه» مطرح کرد

یارانه دارویی موقت ۳۶

مسعود خوانساری، رییس اتاق بازرگانی مطرح کرد:

لطمه به اقتصاد با پرداخت یارانه به تمامی مردم ۳۸

ایران خودرو در راستای افزایش کیفیت محصولات، گارانتی رانا را افزایش داد

رانا در مسیر ارتقا ۴۰

آخرین سلفی ۵۰

جواد خیابانی:

از شوخی های مردم ناراحت نمی شوم! ۵۲

فریدون آسرایی در گفت و گو با «افق تازه»

خوانندگان زیر زمینی به روی زمین بیایند! ۵۴



۱۲ تجارت کثیف



پرونده ویژه «افق تازه» از بزرگترین طرح تاریخ اقتصادی ایران

۲۸



آخرین سلفی

۵۰



خوانندگان زیر زمینی به روی زمین بیایند!

۵۴

سیاسی و اجتماعی

اما و اگر های احراز شرایط سید حسن
خمینی برای راهیابی به مجلس خبرگان

آزمون پرسر و صدای اجتهاد



دخترت کدیف



فاطمه راکعی

در گفت و گو با «افق تازه»:

رفتار افراطیون در قبال زنان محکوم به شکست است



دریچه ای تازه به دنیای اخبار



www.ofoghetaze.com



افق تازه

سایت خبری-تحلیلی

آزمون پر سر و صدای

اجتهاد

زینب صفری

■ آزمون اجتهاد تنها راه احراز صلاحیت علمی کاندیداهای خبرگان؟! اینکه چه کسانی باید در آزمون خبرگان شرکت کنند و اینکه آیا آزمون اجتهاد تنها راه احراز اجتهاد کاندیداهای خبرگان می تواند باشد مهم ترین سوالاتی بود که همه منتظر شنیدن پاسخی روشن درباره آنها از اعضای شورای نگهبان بودند. هر چند با کنار هم گذاشتن پاسخ های اعضای شورای نگهبان ابهام ها در این باره افزوده شد. در همین راستا نجات الله ابراهیمیان، سخنگوی شورای نگهبان نهم دی ماه در گفت و گویی اعلام کرد: «اگر کسی قبلا اجتهادش ثابت شده باشد، از آزمون کتبی معاف است». ابراهیمیان اگر چه گفت «قاعده کلی این است که همه نامزدهای خبرگان باید در آزمون کتبی شرکت کنند» اما با استناد به سخنان آیت الله مومن از فقهای شورای نگهبان این را هم گفت که راه های دیگری برای احراز اجتهاد نامزدهای خبرگان وجود دارد. آنجا که گفت: «ممکن است به تشخیص فقهای شورای نگهبان فردی آنقدر اقتدار علمی داشته باشد که برای آنها (فقهای شورای نگهبان) اجتهادش مسلم باشد و دیگر نیازی به آزمون نداشته باشند. همان طور که آیت الله مومن هم در مصاحبه ای که چندی پیش داشته اند اعلام کردند که اگر فردی در جایگاه مرجع تقلید یا نزدیک به آن باشد دیگر ضرورتی به امتحان ندارد، منتهی ملاک تشخیص این موضوع خود فقهای شورای نگهبان هستند.» اشاره ابراهیمیان به این سخنان آیت الله مومن است که ۲۴ آذرماه گفته بود: آزمون اجتهاد در قانون تعیین شرایط اعضای خبرگان نیامده است. مرجع تشخیص دارا بودن شرایط فوق فقهای شورای نگهبان هستند یعنی فقهای شورای نگهبان باید تشخیص بدهند که فرد این شرایط را دارد یا خیر. گاهی کسی که ثبت نام می کند از ما هم فاضل تر بوده است و ما نیز او را می شناسیم، بنابراین این فرد نیازی به امتحان دادن ندارد. یا کسی است که ما آشنایی با او نداریم اما در حوزه تدریس می کند، نوارهای جلسات درس او نیز موجود است، خوب هم درس می دهد، ملا است و در مسائل سیاسی هم اظهار نظر کرده و مواضعش روشن است؛ این فرد هم نیازی به امتحان اجتهاد ندارد. وقتی فقهای شورای نگهبان تشخیص بدهند که یک فرد علمیت و همه شرایط را دارد یعنی یک ارتباط علمی با او داشته باشند و برایشان اجتهاد و صلاحیت فرد ثابت شود دیگر نیازی به آزمون اجتهاد نیست. تاکنون همینطور بوده است و در دوره اخیر مجلس خبرگان هم مواردی را داشتیم که لازم نبوده امتحان گرفته شود. اما در همین حال و بالا گرفتن گمانه زنی ها و اینکه آیا چهره های شناخته شده ای همچون سید حسن خمینی نیز برای احراز صلاحیت علمی شان باید در آزمون اجتهاد شرکت کنند یا خیر شورای نگهبان اطلاعیه ای درباره

پنجمین دور انتخابات مجلس خبرگان که پیش از این با نام نویسی ۸۰۰ نفر در این انتخابات و حضور بسیاری از چهره های جدید و برجسته در آن، ناظران این انتخابات را غافلگیر کرده بود در مرحله سنجش علمی داوطلبان هم با حرف و حدیث هایی همراه شد. اظهار نظرهای ابهام آلود برخی از اعضای شورای نگهبان که بعضا با اطلاعیه این شورا درباره شرایط کسانی که باید در آزمون اجتهاد شرکت کنند همخوانی نداشت و همینطور اظهار نظرها درباره نحوه اطلاع رسانی به کسانی که باید در آزمون شرکت می کردند اما و اگرهای فراوانی را پیش روی کاندیداها و برگزار کنندگان این آزمون گذاشت.

شرایط کسانی که باید در آزمون علمی این شورا شرکت کنند را دهم دی ماه منتشر کرد. در این اطلاعیه تاکید شده بود: همه ثبت نام کنندگان در انتخابات خبرگان به جز ۱. اعضای فعلی مجلس خبرگان، ۲. کسانی که قبلا در این آزمون شرکت کرده و قبول شده باشند و ۳. کسانی که در آزمون ۱۵ شهریور ماه امسال شرکت کرده اند (چه قبول شده باشند و چه نشده باشند) باید در آزمون خبرگان شرکت کنند. در این اطلاعیه برای عدم شرکت کسانی که در این سه دسته جای ندارند اما جز آن دسته از افرادی هستند که آیت الله مومن به آنها اشاره کرده بود، استثنایی وجود نداشت. استثنایی که به صورت کلامی در اظهارات اعضای شورای نگهبان بر آن تاکید می شد. از جمله دو روز بعد سیامک ره پیک معاون اجرایی شورای نگهبان و سخنگوی هیئت مرکزی نظارت بر انتخابات اگر چه تاکید کرد: در رابطه با این آزمون مصلحت سنجی از سوی شورای نگهبان وجود ندارد. اما این را هم گفت که «طبق قانون مجلس خبرگان تشخیص شرایط نمایندگان و داوطلبان بر عهده فقهای شورای نگهبان است. البته افرادی هستند که مسلما شرایط اجتهاد را دارند مانند اساتید بزرگ که در سطح عالی هستند و هیچ تردیدی در شرط علمی آنها وجود ندارد. اما کسانی که این شرط احراز در آنها محرز نیست ابزار تشخیص احراز بر عهده فقهای شورای نگهبان است. در واقع چندین دوره است که این احراز از طریق آزمون انجام می شود...» ره پیک در عین حال تاکید کرد که اگر فردی در آزمون شرکت نکند خودش را از احراز شرط محروم کرده است. ره پیک با وجود این سخنان اما باز هم بر اطلاعیه شورای نگهبان تاکید کرد و گفت: برای حضور در آزمون اطلاعیه صادر شد که چه گروهی می توانند در این آزمون شرکت کنند و این تقسیم فقهای شورای نگهبان انجام دادند بدین معنی که هر کس در این تقسیم قرار گرفته می تواند در این آزمون شرکت کند و هر کس در این تقسیم قرار نگرفته نمی تواند در این آزمون شرکت کند لذا شورای نگهبان برای هیچ کس استثنا قائل نیست. با وجود اینکه در اطلاعیه شورای نگهبان به جز سه بند عنوان شده هیچ استثنایی برای شرکت در آزمون وجود نداشت اما سبیز دهم دی ماه نجات الله ابراهیمیان سخنگوی شورای نگهبان به روزنامه فرهیختگان گفت: «اگر کسی از آقایان کاندیداها جزء شخصیت های شناخته شده حوزه باشد که اعضای شورای نگهبان به اجتهادش شهادت دهند ممکن است از امتحان معاف شود. قاعده آقای مومن هم اعلام کردند که اگر خود این آقایان (فقهای شورای نگهبان) به این نتیجه برسند که کسی مجتهد است به آن ترتیب اثر می دهند.» او در پاسخ به این سؤال که فقهای شورای نگهبان چگونه به این موضوع

می‌رسند که کسی مجتهد است هم گفته بود «ممکن است شاگردان آنان باشند، از همدردان آنان باشند یا حتی از هم‌مباحثه‌های علمی آنان باشند. به هر حال شیوه‌های مختلفی برای کار وجود دارد. در هر حال اگر آقایان فقها به این موضوع برسند که کسی به درجه اجتهاد رسیده است آن فرد استثنای خواهد بود و نیازی به شرکت در آزمون ندارد». یک روز مانده به برگزاری آزمون خبرگان هم نجات‌الله ابراهیمیان سخنگوی شورای نگهبان درباره اینکه به جز کسانی که در اطلاعیه شورای نگهبان آمده بود نیازی به شرکت در آزمون ندارند، آیا افرادی دیگری هستند که به آزمون دعوت نشده باشند، اظهار کرد: افرادی که اکنون عضو خبرگان هستند یا قبلاً عضو بوده‌اند، یا کسانی که قبلاً در آزمون پذیرفته شده‌اند، حتی اگر عضو خبرگان نشده باشند، نیازی به حضور در آزمون ندارند. علاوه بر اینها اگر کسی هیچکدام از این ویژگی‌ها را نداشته باشد، اما اقتدار علمی داشته باشد، به طوری که این اقتدار توسط فقهای شورای نگهبان بدون آزمون قابل احراز باشد، به گفته آقای مومن تأیید صلاحیت علمی ایشان منتفی نیست. در این اظهارات ابراهیمیان در مقایسه با اطلاعیه شورای نگهبان اعضای دوره‌های قبل مجلس خبرگان هم از آزمون خبرگان معاف شده بودند. ابراهیمیان همچنین در آن گفت و گو در پاسخ به این سوال که اگر داوطلبی شرایط ذکر شده در اطلاعیه شورای نگهبان را نداشته باشد و در آزمون فرد نیز شرکت نکند، به منزله انصراف او از کاندیداتوری است، تصریح کرد: اگر کسانی در آزمون شرکت نکنند، منصرف تلقی نمی‌شوند، اما چون ابزار کنترل صلاحیت از فقهای شورای نگهبان گرفته می‌شود، به منزله عدم احراز صلاحیت محسوب می‌شود. اما اظهارات سخنگوی شورای نگهبان بعد از برگزاری آزمون دوچندان بر ابهامات ایجاد شده اضافه کرد. ابراهیمیان در گفت و گوی ویژه خبری درباره عدم حضور سیدحسین خمینی و بیش از ۱۰۰ داوطلب مجلس خبرگان رهبری در آزمون خبرگان گفت عدم حضور این اشخاص راه احراز اجتهاد را مسدود کرد. این سخنان او علاوه بر آنکه ناقص سخنان پیشین خودش بود در تناقض با اظهارات آیت‌الله مومن عضو فقهای



شورای نگهبان هم قرار داشت.

اما جالب آنکه ابراهیمیان یک بار دیگر با نقض این اظهارات خود روز گذشته ۱۷ دی ماه در پاسخ به این پرسش که آیا شرکت نکردن در آزمون خبرگان به معنی رد صلاحیت است یا خیر؟ گفت: بنا بر اعلام نظر آیت‌الله مومن عضو فقهای مجلس خبرگان رهبری، ممکن است در ادامه بررسی صلاحیت‌ها، داوطلبی که در آزمون شرکت نکرده است، شرایط اجتهادش محرز شود و بتواند در ادامه مسیر انتخابات حضور داشته باشد.

■ نحوه اطلاع رسانی کاندیداها چگونه بوده است؟

اما گذشته از شرایط کسانی که باید در آزمون خبرگان شرکت می‌کردند، نحوه اطلاع رسانی به شرکت کنندگان در آزمون هم با ابهاماتی مواجه بود. سیزدهم دی ماه یعنی سه روز مانده به تاریخ آزمون اجتهاد کاندیده‌های خبرگان، سیامک ره‌پیک معاون اجرایی و امور انتخابات شورای نگهبان گفت: لیست اسامی شرکت کنندگان در آزمون علمی انتخابات خبرگان به مرجع برگزارکننده امتحان، اعلام شده است. او گفت که: «امروز همکاران ما مشغول اعلام اسامی به افراد بودند که قاعدتاً تا کنون اعلام صورت گرفته است».

همان روز نجات‌الله ابراهیمیان سخنگوی شورای نگهبان هم به روزنامه فرهیختگان گفت که «به همه داوطلبان خبر دادند که بیابند و در آزمون شرکت کنند. او بدون اینکه نامی از افراد ببرد گفته بود «داوطلبان خودشان مطلع هستند که برای شرکت در آزمون دعوت شده‌اند یا نه. دعوتنامه شرکت در آزمون خبرگان را آقایان فقهای شورای نگهبان برای تک‌تک داوطلبان می‌فرستند.» با این وجود اما چهاردهم دی ماه سام سواد کوهی از اعضای حقوقدان شورای نگهبان اعلام کرد که از ۸۰۱ نفر کاندید انتخابات خبرگان ۵۳۷ نفر به آزمون اجتهاد دعوت شده‌اند. سوادکوهی در اظهار نظر دیگری هم گفت که از ۲۶۴ داوطلبی که به آزمون دعوت نشده‌اند عده‌ای افرادی هستند که اجتهاد آنان برای شورای نگهبان احراز شده و باقی افرادی هستند که مدارکشان کافی نبوده است. پس از او هم سیامک ره‌پیک معاون اجرایی و امور انتخابات شورای نگهبان تصریح کرد: شورای نگهبان تاریخ برگزاری آزمون و اینکه چه افرادی می‌توانند در آزمون حضور داشته باشند را مکرراً از طریق رسانه‌ها اعلام کرده بود، اما برای اطمینان بیشتر از طریق سامانه پیام کوتاه داوطلبان برای حضور در آزمون علمی ۱۵ دی ماه دعوت شدند. در همین حال نجات‌الله ابراهیمیان سخنگوی شورای نگهبان درباره نحوه دعوت کاندیداها به آزمون اجتهاد که به گفته سیامک ره‌پیک از طریق سامانه پیام کوتاه بوده است، اظهار کرد: نحوه دعوت باید به نحوی باشد که قابل اثبات و بررسی باشد؛ اما من اطلاع دقیقی ندارم که دعوت‌ها چگونه صورت گرفته است. وی درباره کسانی که می‌گویند دعوتنامه به دستشان نرسیده است نیز بیان کرد: چنین ادعایی تاکنون به دست ما نرسیده است، اما اگر به دست ما برسد، در خور بررسی است. او سپس در روز برگزاری آزمون بار اظهارات قبلی خود و سیامک ره‌پیک درباره ارسال دعوتنامه برای تک‌تک افرادی که باید در آزمون شرکت کنند گفت: هیچ دعوتنامه شخصی برای داوطلبان نمایندگی خبرگان رهبری ارسال نشده است. ما هیچ دعوتنامه شخصی برای هیچ کدام از داوطلبان نمایندگی در مجلس خبرگان رهبری جهت شرکت در آزمون علمی خبرگان ارسال نکرده‌ایم. ابراهیمیان این را هم گفت که: شورای نگهبان فقط در اطلاعیه‌ای عمومی از همه کسانی که برای نمایندگی خبرگان رهبری ثبت‌نام کرده و نیاز به امتحان داشتند، دعوت کرد تا در این آزمون شرکت کنند. ابراهیمیان در عین حال گفت: البته دو روز پیش از سوی شورای نگهبان پیامکی به شماره تلفن‌های همراهی که در فرم ثبت‌نام قید کرده بودند درباره زمان و تاریخ آزمون علمی خبرگان رهبری اطلاع‌رسانی کردیم.

■ چه کسانی برای شرکت در آزمون دعوت شدند؟

دعوت از سیدحسین خمینی و ارسال پیامک برای شرکت در آزمون برای او از دیگر ابهامات آزمون خبرگان است. یک روز مانده به برگزاری آزمون خبرگان سام سواد کوهی عضو حقوقدان شورای نگهبان از دعوت آیت‌الله امجد و سید حسن خمینی به آزمون خبرگان خبر داده بود. پس از آن هم در روز برگزاری آزمون خبرگزاری نسیم به نقل از مسئولان شورای نگهبان مدعی شد برای سیدحسین خمینی نیز همچون سایر افراد فراخوان شده به امتحان، پیامک دعوت ارسال شده بود و شورای نگهبان برای هیچ کاندیدایی امتیاز خاصی برای اطلاع‌رسانی به شیوه خاصی مدنظر نداشته است.

اما همان روز سید علی خمینی گفت که برای برادرش سیدحسین دعوتنامه آزمون خبرگان ارسال نشده است. او همچنین از عدم دعوت آیات موسوی بجنوردی، امجد، غروی، اعرافی، شاه‌آبادی، بنایی و سعیدی برای شرکت در آزمون خبرگان خبر داد.

حالا با مرور آنچه اعضای شورای نگهبان طی این چندروز گذشته بیان کرده‌اند این سوالات وجود دارد که آیا ممکن است به جز سه گروهی که در اطلاعیه شورای نگهبان ذکر شده افراد دیگری هم وجود داشته باشند که اجتهاد آنها از راهی غیر از آزمون به اثبات برسد؟ آیا سیدحسین خمینی، امجد، غروی، اعرافی و ... و بزرگانی از این دست در این دسته جای می‌گیرند که اجتهاد آنها به شیوه‌ای غیر از آزمون احراز خواهد شد؟ آیا سیدحسین خمینی با پیامک به آزمون دعوت شده بود؟ آیا غیبت او و چهره‌هایی نظیر او به منزله عدم احراز صلاحیت آنها خواهد بود؟. اظهارات چندگانه اعضای شورای نگهبان پاسخ به این سوالات را با ابهام مواجه کرده است.



گفت و گو: جاوید رستمی

فاطمه راکعی

در گفت و گو با «افق تازه»:

رفتار افراتیون در قبال زنان محکوم به شکست است

گروه سیاسی: «بانوان ایرانی در این نهضت و انقلاب سهم بیشتری از مردان دارند و امروز هم که در پشت جبهه‌ها مشغول فعالیت هستند، سهم آنها بیشتر از دیگران است و در تربیتی که اشتغال دارند، چه تربیت کودکانشان و چه تربیت خردسالانشان باز هم سهم بزرگی در این انقلاب دارند».

این سخنان فرازهایی از بیانات امام خمینی (ره) در جمع گروهی از بانوان عضو جهاد دانشگاهی اصفهان در دوم خرداد ماه سال ۶۰ است. زنان به‌عنوان نیمی از جمعیت جامعه همواره پایه پای مردان برای آزادی و سربلندی ایران در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و علمی تلاش کرده‌اند. مقاومت گسترده زنان برای حفظ حجاب در دوره پهلوی اول، اعتراض آنان در ماجرای تحریم تنباکو و رشادت‌های فراوان در دوران پیش از پیروزی انقلاب همه حاکی از علاقه‌مندی آنان به سرنوشت خود و جامعه می‌باشد. حضور گسترده زنان در تظاهرات و جریان‌های مختلف سیاسی قبل از پیروزی انقلاب نشان دهنده خط فکری و اندیشه پویای این قشر جامعه برای محو استبداد و ظلم است. حضور زنان در بست‌های حساس و مدیریت کلان یکی از معیارهای میزان کارکرد بالای زنان در جوامع توسعه یافته به حساب می‌آید. اگر فرض را بر این بگذاریم که قرار است جامعه جهان سومی ما در سال‌های آتی به جامعه‌ای پیشرفته چه از لحاظ تولید، صنعت و تجارت و چه از لحاظ اخلاقی و فرهنگی به جامعه‌ای پیشرفته تبدیل شود، نیاز به تغییر فکر و دیدگاه نسبت به به کارگیری زنان در بست‌ها و مشاغل مدیریتی کلان را دارد.

اینکه زنان چقدر توانسته‌اند در مناسبت‌های سیاسی و اجتماعی ورود پیدا کنند، موضوعی است که «افق تازه» با فاطمه راکعی نماینده پیشین مجلس و دبیرکل جمعیت زنان مسلمان تواندیش و عضو شورای عالی سیاستگذاری انتخاباتی اصلاح طلبان در میان گذاشته است که مشروح آن در ادامه منتشر می‌گردد:

■ وضعیت زنان ایرانی را از آغاز انقلاب تاکنون چطور ارزیابی می کنید؟

در سالهای نزدیک به انقلاب اسلامی، زنان در کنار مردان تحت رهبری حضرت امام خمینی در راهپیمایها و دیگر عرصهها حضور داشتند و با تمام مصائب حتی با فرزندان شیر خواره خود در مناسبت‌های گوناگون شرکت می‌کردند. بعد از انقلاب نیز رویه به همین صورت بود و یکی از مظاهر ظهور آن نیز شرکت گسترده در انتخابات‌ها و در نتیجه کمک به برگزاری هر چه شکوه‌مندتر آن بود. دوره جنگ تحمیلی نیز زنان به تشویق و تحریص فرزندانشان برای حضور در جبهه‌ها و جنگ با دشمن پرداختند و خود نیز بعضاً در میادین جنگ حضور داشتند. اصولاً به همین دلیل بود که امام خمینی همواره زنان را به مشارکت اجتماعی تشویق می‌کردند، چون معتقد بودند که زنان نیمی از پیکره اجتماعی و نیروی انسانی مفید را تشکیل می‌دهند. زنان در دوره سازندگی که بعد از جنگ در جریان بود.

زنان تلاش خود را برای تثبیت موقعیت اجتماعی خود و فرهنگسازی برای دفاع از حقوق خود، بسیار عمیق و گسترده به کار بستند که این دست از اقدامات در سال‌هایی که همزمان شد با دولت اصلاحات به اوج خود رسید و بیشتر در سطح سازمانهای مردم‌نهاد ادامه یافت و با تاسیس این ارگانهای مردمی این نوع فعالیت‌ها شدت گرفت.

■ با توجه به نزدیکی به ایام انتخابات نهمین دوره مجلس شورای اسلامی، چقدر افزایش مشارکت سیاسی زنان را لازم می‌دانید؟

به هر تقدیر لزوم این افزایش مشارکت برای بهبود وضع کشور و خود زنان مشهود است. زنان مادر هر عرصه‌ای که توانستند وارد شدند و به بهترین وجه آن را به پایان رساندند. دختران ما در المپیادها، عرصه‌های بین‌المللی، در عرصه‌های دانشگاهی و علمی و... از لحاظ کیفی و کمی پیشرفت زیادی داشته‌اند که همه این عوامل از نشانه‌های پویایی و نشاط کشورمان است. حالا زمان آن فرارسیده است که حضور منسجم تری در عرصه تصمیم‌گیری‌ها و مدیریت‌های کلان داشته باشیم!

■ فکر می‌کنید این حضور چقدر با مبانی انقلاب اسلامی و دین مقدس اسلام هم خوانی دارد؟

در این رابطه امام خمینی (ره) هم ورود بانوان واجد شرایط را در عرصه‌های مختلف مدیریت کشوری از مقدرات اصلی دانسته و سعی در پیاده‌سازی آن‌ها داشت. تا با هم فکری و هم اندیشی با برادران همین تاثیر گذاری را افزونی بخشید. با گذشت ۳۰ سال از انقلاب اسلامی، زنان نشان دادند چیزی کمتر از مردان ندارند. البته این مسئله برای آنها و جامعه جا افتاده، اما متأسفانه در عرصه‌های قانونی و رسمی اجازه حضور واقعی به زنان داده نمی‌شود. مصرانه خواستار حضور زنان در جایگاه‌های تصمیم‌سازی هستیم، زیرا این ایده ناشی از عواطف سرشار زنان در سایه اندیشه اسلام و در سایه انقلاب اسلامی شکل گرفته است. خوشبختانه در حال حاضر هیچ خطری جایگاه زنان را از نظر علمی و فکری در جامعه تهدید نمی‌کند، گرچه برخی از افراطیون می‌خواهند از طریق تبعیض‌هایی که قبلاً نیز بوده، به این مسائل دامن بزنند که باید گفت این‌گونه رفتارها از همین حالا محکوم به شکست است.

در مقابل کسانی که همواره بر حضور پرتنگ بانوان در جامعه تأکید می‌کردند، عقیده‌ای به خصوص پس از وفات حضرت امام (ره) شکل گرفت که بر سر این مشارکت اجتماعی زنان مانع تراشی می‌کرد. متأسفانه این صاحبان این نوع دیدگاه که همواره مغایر با دیدگاه‌های امام‌را حل بود، از زبان امام به‌ناحق عقاید خود را به دیگران تحمیل می‌کردند؛ دیدگاهی سنتی که رنگ و لعاب دینی نیز به آن داده شده بود. در حالی که اسلام دین آزادی و آزاداندیشی در همه مسائل اعم از مسئله زنان است.

■ به تازگی این خبر منتشر شده است یک زن به عنوان ریاست مجلس کشور امارات انتخاب شده است. فکر می‌کنید چقدر با این جایگاه فاصله داریم؟

من فکر می‌کنم در این کشورها با اینکه سابقه تمدنی و فرهنگی کشور ما را ندارند، به خاطر اهمیت ویژه‌ای که برای جایگاه زنان قائلند این اتفاق سرریخت افتاده است و پذیرش اجتماعی مناسب تری در این رابطه وجود دارد. در کشور ما به خاطر پهناور بودن و حضور اقوام، اقشار، مذاهب و تفکرهای مختلف از سنتی تا مردن ممکن است اقدامات از این دست دیرتر بیافتند. در عین حال جامعه ایران تلاش دارند تا زنان در مناصب مختلف از شورای نگهبان و مجلس خبرگان تا مجلس شورای اسلامی و حتی جایگاه ریاست جمهوری حضور یابد.

■ چقدر برای رسیدن به این جایگاه تلاش کرده ایم؟

الان اولویت ما بالا بردن کمی حضور زنان در مجلس شورای اسلامی است. سهمیه بندی در صدی برای حضور زنان هم از همین رو مطرح می‌شود. زنان شایسته می‌خواهند در اداره امور کشور سهیم باشند. الان این بحث اولویت زنان را تشکیل می‌دهد نه ریاست پارلمان. ما در مجالس قبل هم شاهد حضور زنان در هیئت رئیسه بوده ایم. ریاست مجلس باید برای کسی که یک شخصیت برجسته با توان مدیریتی بسیار بالا که تمام هم و غم خود را برای مجلس بگذارد، کنار گذاشته شود.

■ به طور کلی در مورد این بحث وضعیت کشورمان در جهان چطور است؟

حالا در آستانه‌ی انتخابات مجلس بحث سهمیه‌ی زنان در انتخابات در حالی مطرح می‌شود که الگوی فعلی مشارکت سیاسی زنان در کارزار انتخابات به هیچ وجه قابل قبول نیست. در شرایطی که در کشور های توسعه یافته میانگین ورود زنان به مجلس ۲۵ درصد است، در خوش‌بینانه‌ترین حالت میزان مشارکت زنان ایرانی ۴ یا ۵ درصد تخمین زده می‌شود. در جامعه‌ای که شایسته‌سالاری وجود داشته باشد جنسیت کم‌رنگ می‌شود و افراد بر اساس شایستگی مشارکت سیاسی دارند. اما در جامعه‌ای که همچنان جنسیت یکی از معیارها باشد تا شایسته‌سالاری فاصله‌ی زیادی دارد، و این ادامه‌ی این شکاف می‌تواند دامنه‌ی بحران جنسیت زدگی را وسیع‌تر کند.

■ خوب فکر می‌کنید اگر شرایط مهیا باشد، دیگران به واگذاری این جایگاه به زنان تن خواهند داد؟

چرا که نه! ببینید اصلاً تلاشی در این مورد صورت نگرفته است؛ همانطور که تا کنون تلاشی به این صورت برای افزایش حضور زنان در مجلس و راهکاری چون سهمیه بندی در صدی صورت نگرفته است. دغدغه در حال حاضر بالا بردن سطح کمی و کیفی نمایندگان زن مجلس شورای اسلامی در انتخابات آتی آن است.

■ این سهمیه ۳۰ درصدی چقدر می‌تواند تاثیر گذار باشد؟

قطعاً حضور ۳۰ درصدی زنان حضور آن‌ها را در تصمیم‌گیری‌های کلان و همچنین حوزه زنان اثر گذارتر کرده و به تبع آن ثمرات میمونی هم برای جامعه ایرانی دارد.

■ بحثی که تحت عنوان «زنان به زنان رای نمی‌دهند» را چقدر واقعی و در جریان می‌دانید؟

من فکر نمی‌کنم اینطور باشد. همه ملت ایران از آگاهی لازم برخوردارند تا بر اساس شایستگی افراد و فارغ از جنسیت آنان رای خود را به صندوق‌ها بریسند. باید توجه داشت که تا الان اینطور برای افزایش حضور کمی و کیفی زنان در مجلس تلاش نکرده بودیم که به نتایج دلخواه برسیم. امری که انشالله با تلاش‌های جدید رخ داده در انتخابات آتی مجلس نتایج میمون و مبارک خود را نشان خواهد داد. البته به برخی اوقات

مشکل اعتماد به نفس نیز وجود دارد چون در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی کمتر کار کرده‌اند.

■ آیا مجموعه جریان اصلاح طلبی با این تصمیم همراهی دارد؟

اصلاح‌طلبان به این دلیل که در شعارهای خود نیز همیشه به مشارکت مردم برای ساختن سرنوشت خود تأکید داشته‌اند، از سال‌ها پیش حضور پرتنگ زنان در تصمیم‌گیری‌ها، برنامه‌ریزی‌ها و مدیریت‌های کلان را از وظایف خود می‌دانسته‌اند. خوشبختانه احزاب شناسنامه دار جریان اصلاح طلبی این پیشنهاد را قبول کرده و قول همراهی داده‌اند. گفتنی است این پیشنهاد در شورای سیاست گذاری انتخاباتی اصلاح طلبان نیز مطرح شده است که با موافقت اعضا روبرو شده است. مسئله‌ای که می‌ماند این است که هر زنی که توانمند و کارآمد است بیاید و ثبت نام کند تا به عنوان نامزد از وی استفاده شود. قطعاً زنان نواندیش و دارای توان اجرایی بالا باید در مجلس آتی حضور داشته باشند و این جز با جنبش همگانی اعلام نامزدی زنان توانمند همراه نخواهد بود.



■ آیا برای همین اعلام نامزدی زنان برنامه ریزی شده است؟

ماه‌های متمادی است که ما در این زمینه برای حضور موفق‌تر زنان در حال تلاش هستیم. با زنان توانمند، دانشگاهی و متخصص که در گذشته نیز در دولت اصلاحات حضور داشته‌اند، تجربه داشته و شناخته شده هستند گفت‌وگو می‌کنیم تا حتماً به عرصه آمده و کاندیدا شوند. همین‌طور در شهرستان‌ها با چهره‌های اصلاح‌طلب شاخص و با احزابی که در شهرستان‌ها نمایندگی دارند مذاکراتی داشته‌ایم که اگر از سوی معاونت زنان شورای هماهنگی اصلاحات، جمعیت‌ها و احزاب زنان فهرست‌هایی ارائه شد و مورد توافق تمامی آنها بود، مورد حمایت اصلاح‌طلب‌ها قرار بگیرند. برای اینکه این اتفاق رخ دهد هم به لحاظ مادی و هم به لحاظ معنوی باید به زنان کمک شود. زنان از لحاظ اقتصادی به ویژه در شهرستان‌ها آن‌قدر قوی نیستند که بتوانند با مردانی رقابت کنند که در گذشته در این عرصه حضور داشته‌اند. زنان ما به ویژه زنانی که تاکنون به این عرصه ورود نکرده‌اند برای اینکه بتوانند در مجلس حضور پیدا کنند نیاز به مساعدت اصلاح‌طلبان آگاه و پیشرو دارند.

■ برخی معتقدند این نوع سهمیه بندی به نوعی عملی علیه زنان و در راستای تحقیر آنان است؛ زیرا با نادیده گرفتن آنان اینطور القا می‌شود که زنان نه تنها به خاطر شایستگی وارد مجلس نشده‌اند بلکه از سوی دلسوزی که منت‌های فراوانی هم داشته این درها به رویشان باز شده است. نظر شما در این مورد چیست؟

در این زمینه نیز از ماه‌ها پیش با بزرگان اصلاحات وارد گفت‌وگو شدیم و با ۳۰ درصد حضور زنان آن هم نه به عنوان سهمیه‌بندی موافقت شد. در برخی از کشورها حالتی از سهمیه‌بندی وجود دارد که زنان هر چند چندان هم توانمند و متخصص نباشند به مجلس راه پیدا می‌کنند.

یعنی حتی اگر چندان با مردان از نظر تخصص و توانمندی هم قابل مقایسه نباشند به مجلس راه پیدا می‌کنند تا به این ترتیب آغازی برای حضور زنان در عرصه‌های سیاسی و مشارکت آنها باشد. مادر حال حاضر به دنبال این نوع سهمیه‌بندی نیستیم. ما در این سال‌ها بسیار انتظار چنین سهمیه‌بندی را کشیده‌ایم و رخ نداده است. اما در این دوره جمعیت زیادی از زنان توانمند، تحصیلکرده و متخصص وجود دارد که در مدیریت‌های مختلف قرار گرفته‌اند و توانمندی‌های آنان سنجیده شده و تجربه کافی دارند.

اما باید توجه داشت که منظور ما سهمیه‌خواهی نیست. اگر در سال‌های ابتدایی این سهمیه در نظر گرفته می‌شد، بسیار خوب بود اما با وجود تلاش بسیار عملی نشد چون زنان آن زمان نیز با وجود اینکه در توانمندی زنان تردید وجود نداشت، چندان شناخته شده نبودند.

حتی اگر ۳۰ سال پیش ۳۰ درصد از زنان به عنوان سهمیه وارد مجلس می‌شدند، نه تنها هیچ اتفاق بدی نمی‌افتاد که خیلی نیز بهتر از زمان حاضر بود. در حال حاضر نیز ما معتقد هستیم زنان باید ۵۰ درصد مجلس باشند و حق زنان شایسته است که بتوانند وارد مجلس شوند، حتی اگر بیشتر از ۵۰ درصد باشند. این اتفاق باید رخ دهد ولی تا آن زمان چون بسیاری از مردم به فهرست‌ها رای می‌دهند به این نتیجه رسیده‌ایم که زنان ۳۰ درصد باشند. ضمناً یکی از راهکارهای شناخته شده در دنیا برای همین افزایش مشارکت سیاسی زنان (تبعیض مثبت) است، به این معنا که برای عده‌ای که همواره حقوقشان مورد تعرض قرار گرفته است سهمیه‌ای مشخص در نظر گرفته شود، تا بتوانند تا حدی محرومیت‌های گذشته را کاهش دهند. در شرایطی که در یک جامعه نگاه فرا جنسیتی وجود داشته باشد، تبعیض مثبت می‌تواند پذیرش ضعف به حساب آید، اما در شرایط کشور ما بدون این ساز و کار نمی‌توان برابری را انتظار داشت. اگر بدون تبعیض مثبت می‌توانستیم به وضع ایده‌آل مشارکت زنان برسیم تا به حال در طی چند دوره انتخابات این مشکل بر طرف می‌شد، اما هنگامی که شاهد عمیق‌تر شدن شکاف جنسیتی هستیم بی‌شک بدون در نظر گرفتن شرایط خاص نمی‌توانیم امید به بهبود داشته باشیم.

غم نان، قاچاق انسان، تجارت کثیف، تصور آینده ای بهتر برای فرزند برای پدیده ای به نام فروش نوزادان به ثمن بخش بسیار دردآور است تاریخ و سوابقی را نمی توان برای پدیده شوم فروش نوزادان در ایران متصور شد اما در برهه فعلی این پدیده امروزه به عنوان یکی از آسیب های اجتماعی در جامعه تبدیل به یک تجارت کثیف شده است. انسان این اشرف مخلوقات با کار آفرینی به بهانه غم نان پس از روآوری به فروش هم غیر ممکن ها امروز غیر ممکن دیگری نیز به لیست سید فروش و یا خرید خود اضافه نموده است. آری تصور فروش نوزاد و یا تجارت آن با هر هدفی کار دشواری است حتی اینکه در اطراف بیمارستانها عده ای خریدار نوزاد، منتظر محصول خود باشند تا با بهای مشخص شده کالای خود را با هدفهای واسطه گری برای تامین محصول منتظران صفوف فرزند خواندگی، تجارت اعضا، تامین نیروی کاری مخصوصا حاملان آینده مواد مخدر و ... تحویل گیرند.

راستی جایگاه خرید و فروش نوزاد مطابق کدام بخش از رفتارهای اخلاق انسان تعریف می گردد؟ به نظر قانون ۹ ماده ای مصوبه مجلس شورای اسلامی در سال ۸۱ تحت عنوان حمایت از کودکان و نوجوانان و ممنوعیت هر گونه خرید و فروش افراد زیر ۱۸ سال، تا کجا توانسته این مهم را پوشش دهد؟ آیا علم روانشناسی در این خصوص بلا تکلیف است؟ آیا قانون و اجرای آن نقضی دارد و شاید پلیسی مخصوص می باید برای این پدیده شوم به کار گرفته شود؟

به نظر می رسد این روزها حساسیت مسئولان نسبت

به موضوع نوزادفروشی بیشتر شده است. سعید منتظرالمهدی سخنگوی نیروی انتظامی نیز در این باره می گوید: «کودک فروشی جرم تلقی می شود و در این زمینه حساسیت بیشتری ایجاد شده و چنانچه مواردی از این دست ببینیم، برخورد قانونی خواهد شد.»

فرمانده نیروی انتظامی تهران بزرگ نیز در این باره می گوید: «برای حل مسئله خرید و فروش کودکان باید فکری به حال زنان آسیب دیده کرد.» سردار حسین ساجدی نیامی افزود: «اطلاعاتی درباره میزان خرید و فروش کودکان به پلیس نرسیده اما این به معنای نداشتن این اطلاعات نیست.»

وی می گوید: «بیش از ۱۵۰۰ زن معتاد متهاجر (کسی که اعتیاد خود را آشکار می کند) در تهران وجود دارد در حالی که چهار سال پیش حدود یکصد زن معتاد متهاجر در تهران وجود داشت.»

براساس قانون مساله خرید و فروش نوزاد، جرم انگاری نشده و تنها قضات می توانند کودک را از والدین جدید بگیرند و به والدین اصلی اگر وجود داشته باشند بدهد. اگر خریداران نوزاد از دزدی بودن آن مطلع باشند شریک جرم ربایندگان تلقی می شوند و برای آنها مجازات در نظر گرفته می شود اما اگر در جریان نباشند کودک از آنها گرفته شده و در مراکز نگهداری بهزیستی نگهداری می شود تا دادگاه برای سرنوشت وی تصمیم بگیرد. بررسی قوانین کیفری ایران نشان می دهد که تا آذرماه ۱۳۸۱، قانونی که خرید و فروش کودکان را جرم تلقی کند وجود نداشته است و فقط در مواد پراکنده قانون مجازات اسلامی

نظیر ماده ۶۳۱ دزدیدن، مخفی کردن یا جابه جا کردن اطفال جرم تلقی و برای آن شش ماه تا سه سال حبس در نظر گرفته شده است.

با این حال هیچ کدام از ماجراهای فروش نوزاد به اندازه ماجرای باند اصفهان پرسر و صدا نبوده است. اعضای این شبکه بزرگ فروش نوزادان، بعد از دستگیری به فروش ۱۴۵ نوزاد اعتراف کردند. این باند از یک پزشک، سه ماما، سه پرستار و دو کارمند ثبت احوال تشکیل شده بود. گفته می شود که بسیاری از این بچه های اصفهانی را به کویتی ها فروخته اند. اعضای این باند، نوزادان را ۱۰ میلیون تومان به زوج های نابارور می فروختند. سردسته باند یک پزشک بود. او نوزادان را به محض تولد می فروخت و سه ماما هم خریداران و فروشندگان را شناسایی می کردند. ماجرای این باند هم شبیه بقیه داستان های فروش نوزاد است. یک طرفش زوج هایی که به خاطر فقر مالی نمی توانستند بچه شان را نگهداری کنند یا دخترانی که ناخواسته باردار شده بودند و سمت دیگر خانواده هایی که در حسرت فرزند می سوختند. ماماها بعد از شناسایی فرورونده ها، دنبال خریداری می گشتند و آنها را از بین زوج های نابارور شناسایی می کردند. پس از شناسایی خریدار و فروشنده، پزشک مربوطه وارد عمل می شد. او با کمک سه پرستار، زن باردار را در کلینیکش بستری می کرد. نشانی و مشخصات فروشنده را می گرفت و زایمان را انجام می داد. بعد از زایمان هم حلقه آخر زنجیر، فعالیتش را آغاز می کرد. سردسته باند گواهی تولد جعلی با مهر بیمارستان یا زایشگاه تهیه می کرد و آن را به اعضای باند



گلنار برتوی مهر

پرونده ویژه «افق تازه»
درباره فروش جنین و نوزادان

نجات

کندیس

در اداره ثبت احوال می داد. دو عضو این باند که کارمند ثبت احوال بودند با مدارک جعلی تولد نوزاد و مدارک زوج خریدار به نام آنها برای نوزادان شناسنامه صادر می کردند. آنها ۱۰ میلیون تومان از خریدارها می گرفتند، یک میلیون تومانش را به فروشندگان می دادند و بقیه اش را بین خودشان تقسیم می کردند.

اعضای این باند در هفت سال فعالیتشان بیش از پنج میلیارد تومان به دست آورده بودند. به گفته بسیاری از کسانی که در رابطه با خرید و فروش نوزادان دستگیر شده اند بیش تر متقاضیان خواهان نوزاد دختر هستند از این رو قیمت نوزادان دختر تا یک میلیون تومان بیشتر از پسران است. اما از طرف دیگر به گفته فاطمه دانشور رییس کمیته اجتماعی شورای شهر خانم های کارت تن خواب و زنان روسپی به هنگام زایمان در برخی از بیمارستان های جنوب و مرکز شهر مراجعه و پس از به دنیا آمدن نوزاد با دریافت ۱۰۰ تا ۲۰۰ هزار تومان بچه خود را می فروشد. اکثر نوزادان متولد شده مبتلا به ویروس HIV هستند.

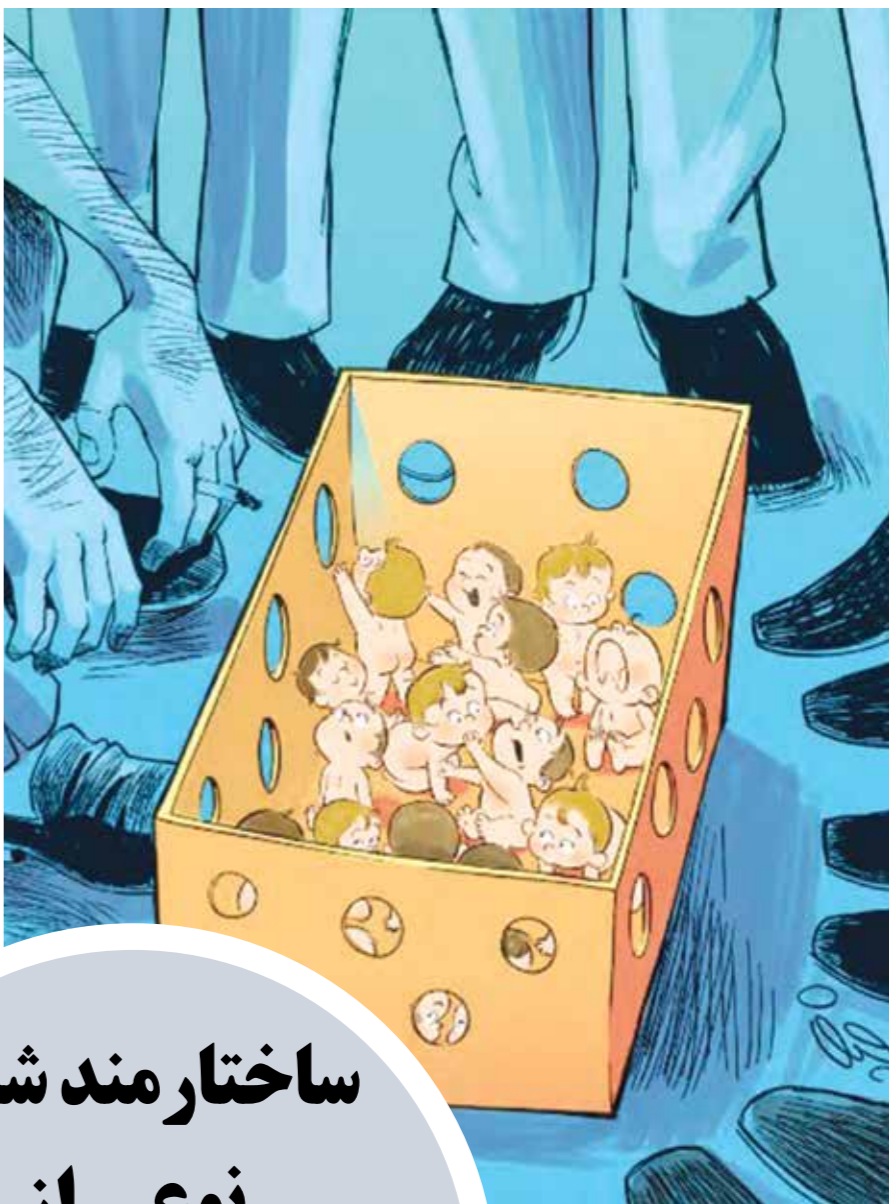
وی اظهار داشته خرید و فروش این

بچه ها هم اکنون در اطراف چند بیمارستان انجام می شود که البته این نکته حائز اهمیت است که مسئولان بیمارستان هیچ تقصیری در این زمینه ندارند. نوزادانی که توسط مادران معتاد و کارت تن خواب متولد می شوند توسط باندهای مختلف اعم از متکدیان خریداری می شود که به دلیل بیماری های بسیار این کودکان و عدم نگهداری صحیح این بچه ها هم عمر زیادی ندارند. بر اساس آمار عملکرد سازمان بهزیستی تقریباً سالانه بین ۱۰۰-۸۰۰ کودک به فرزندی سپرده می شوند. این در حالی است که تعداد متقاضیان فرزندخواندگی چند برابر کودکانی است که به فرزندی سپرده می شوند. این امر حاکی از آن است که تقاضای برای دریافت کودک به مراتب بیش از تعداد کودکان قابل واگذاری به خانواده هاست. از سوی دیگر فرآیند اجرایی فرزندخواندگی مستلزم هماهنگی های بین بخش سازمان بهزیستی، اداره سرپرستی قوه قضاییه، نیروی انتظامی، مراکز درمان ناباروری و سازمان پزشکی قانونی و ... است که همه اینها به اضافه فهرست طولانی انتظار برای دریافت کودک، فرآیند فرزندپذیری را برای متقاضیان

فرزندخواندگی به طور طبیعی طولانی و زمانبر می سازد. این مشخصه تقریباً در همه کشورهای دنیا یکسان است. برای مثال در ایالات متحده آمریکا به عنوان کشوری که یکی از بیشترین موارد فرزندخواندگی در آن اتفاق می افتد، زمان انتظار برای دریافت کودک به طور متوسط دو سال است. متأسفانه برخی متقاضیان به واسطه درمان های طولانی مدت ناباروری که نتیجه ای نداشته، به دنبال یافتن یک گزینه فوری و آئی و راه های غیرقانونی فرزندپذیری برای بچه دار شدن و جبران زمان از دست رفته هستند که اغلب نتیجه ای برای آنها به همراه ندارد. والدین متقاضی پس از سال ها درمان ناباروری ناموفق هنگام مراجعه به سازمان بهزیستی با یک نوع شبهه ذهنی مراجعه می کنند که نوزاد دلخواه خود را به خانه ببرند.» آری این روایت تکراری کودکانی است که هر روز آنها را سر چهارراه ها یا مترو می ببینیم، نه می توانند بخوانند نه می توانند بنویسند، تنها چیزی که از همان ابتدا آموزش دیده اند، کار کردن است. آنها از صبح کار می کنند تا شب پدر و مادرهای جعلی یا پدر و مادرهای خودشان با خیال راحت مواد بکشند. کارگرانی که اگر خوب کار کنند، خریداران فراوانی دارند. این روزها دوباره این روایت تکراری بر سر زبان ها افتاده است.

در همین راستا «افق تازه» با کارشناسان مربوطه به بحث و گفتگو پرداخته است که از منظران می گذرد.





دکتر سید یعقوب موسوی

در گفت و گو با «افق تازه»

ساختارمند شدن نوعی از ناهنجارهای اجتماعی در ایران

گفت و گو: حدیثه حقیقی

■ در چند مدت اخیر میزان والدینی که نوزادان خود را می فروشند رو به افزایش است، اگر بخواهیم این موضوع را از لحاظ اجتماعی بررسی کنیم، چه مسایلی را حائز اهمیت می دانید؟

آنچه که مسلم است، این اقدام عملکردی است که عاطفه عمومی و جمعی را تحت تأثیر قرار داده و جریحه دار می کند. به نظر من این یک سوال دشوار است که حیطه آن به مسایل اجتماعی، اخلاقی، اقتصادی و فرهنگی بازمی گردد. این مساله را هم می توان مانند دیگر اتفاقاتی که نه تنها در تهران بلکه در بیشتر کلان شهرهای کشور رخ می دهد، مساله ای دانست که به نظر حل کردن آن بعید است. اتفاقاتی مانند، مفاسد اجتماعی، جنایات و قتل هایی که روز به روز بر شمار آنها افزوده می شود. مسایلی که در کشوری مانند ایران با این پیشینه فرهنگی و اعتقادات مذهبی نباید رخ دهد اما اتفاق می افتد.

وقتی حوادث را در ایران دنبال می کنید، نوع خشونت هایی که در کشور رخ می دهد این سوال را در ذهن ما ایجاد می کند که چرا به این مرحله رسیدیم؟ به عقیده من مادر کشور به نوعی دچار سقوط عواطف و احساسات پاک انسانی شده ایم. در تاریخ هم افرادی بودند که دست به خشونت های وحشتناکی زده اند اما این موارد کمیاب و استثنایی بودند، ولی امروزه به لحاظ آماری این موردها آنومیک شده اند، یعنی بر تعداد این نوع جنایات اجتماعی افزوده شده است و از حد متعارفی که می تواند در جوامع انسانی رخ دهد، فراتر رفته است.

ببینید اگر به طور اتفاقی به گوش ما برسد که مادری بنا به دلایلی نوزاد خود را فروخته است، این یک معضل اجتماعی نمی شود اما زمانی که این کار در بین قشری از جامعه مرسوم می شود و کم کم به عنوان یک شغل در جامعه جامی افتد، مانند آنچه که اکنون رخ می دهد، این علامت در واقع نشان از ساختارمند شدن نوعی از ناهنجارهای اجتماعی در ایران است. زمانی، که پدیده منفی اخلاقی در کشوری که از یک سابقه غنی ملی-مذهبی برخوردار است اما به یکباره دست خوش تغییراتی می شود.

■ این اتفاق هم مانند دیگر مشکلات جامعه یک سری عوامل دارد که برخی از سازمان ها مسوول رسیدگی به آنها هستند. به نظر شما رفع این معضل بر عهده کدام نهادها است؟

ببینید بعضی ها بر این باورند که شهرداری می تواند جلوی این ناهنجاری را بگیرد، اما من می گویم این اتفاق خیلی هم به شهرداری مربوط نمی شود و شهرداری فقط می تواند فضا را از این افراد بگیرد اما آنچه که مشخص است لزوما این اتفاق در مکان های عمومی رخ نمی دهد، همان طور که می دانید شهرداری ماموریت سلامت در فضاهای عمومی را دارد، درحالی که خرید و فروش نوزادان در فضاهای خصوصی رخ می دهد، فضاهایی که هیچ گونه آمار و اطلاعات دقیقی از آنها در دست نیست.

به عقیده من یکی از مشکلات اساسی این افراد، مساله اقتصادی است و سازمان های مربوطه باید برای رفع مشکل اقتصادی این قشر از جامعه اقدامات لازم را انجام دهند، چرا که مادرانی که نوزادان خود را می فروشند از لحاظ عاطفی دچار یک نوع سقوط و سنگدلی شده اند، امکان دارد که مشکلات اقتصادی آنها را سنگدل کرده باشد، به نوعی این افراد از همه جا رانده شده اند و مصداق طرد شده شهری هستند، یعنی در شهر هیچ کس به داد آنها نمی رسد، شهر اینقدر خودش گرفتار است که دیگر امکان رسیدگی به دیگران را ندارد و همین عوامل باعث شده تا توان

زندگی درست و سالم از طبقات فرودست گرفته شود، این افراد بیشتر در مناطق حاشیه ای ساکن بوده و افراد محرومی هستند که شهر آنها را فراموش کرده است. این افراد بر اثر تراکم معضلات به یک نوع قضاوت می رسند. این موضوع هم در ادبیات دینی ما هم مطرح شده است که فقر و ناتوانی افراد را بی ایمان می سازد و سنگدل می کند. بی دینی لزوما این نیست که کسی نماز نمی خواند در واقع بی دین فردی است که تمام عواطف انسانی خود را فراموش کرده است و فقط زیستن برایش مهم است. به همین دلیل لازم است که دولت افرادی را که نمی توانند از پس حداقل های زندگی خود بر بیایند را تحت سرپرستی و پوشش خود قرار دهد، به این امور حتی در دین ما هم اشاره شده است.

بسیاری از این مادران به علت شرایط سخت و بدی که در زندگی خود دارند با این امید کودکان خود را می فروشند که این عمل راه نجاتی برای کودکانشان باشد، در واقع آنها نوزادان خود را می فروشند که زندگی مانند آنها نداشته باشند و در شرایط بهتری زندگی کنند. اما آنها از این نکته غافل می شوند که ممکن است فرزندشان دست افرادی بیافتد که شرایطی به مراتب بدتر را برای آنها فراهم می کنند و ممکن است این کودکان وسیله ای برای انجام ده ها جنایات شوند. افرادی که این نوزادان را خریداری می کنند، لزوما خانواده نبوده و صرفا این کودکان را برای سواستفاده می خواهند. در خیابان ها در آغوش بسیاری از متکدیان در سرما و گرما کودکانی را می بینیم که بیشتر مواقع این کودکان بیمار بوده و سوء تغذیه دارند و این عوامل به خوبی مشخص می کند که کودکان متعلق به این افراد نیستند، بلکه وسیله ای هستند برای کسب درآمد بیشتر و متأسفانه مردم جامعه با کمک های ناهنجاری خود به این اقدامات دامن می زنند.

باند های تبهکار شهری امروزه به صورت تیمی عمل می کنند، در واقع آنها نوزادانی را خریداری کرده و برای انجام ماموریت هایی در آینده نه چندان دور، پرورش می دهند. در واقع با اندکی تفکر در مورد شرایط زندگی این کودکان می توان به این نتیجه رسید که آینده این کودکان معمولا درخشان نیست، در واقع تجربه ثابت کرده است کودکانی که در دامن والدین اصلی خود بزرگ نشده اند و در بین سوداگران رشد کرده اند، آینده خوبی ندارند. وقتی کودکی از سه یا چهار سالگی در خیابان ها تکدی گری می کند ۱۰۰ درصد در آینده هم فرد مفیدی برای جامعه نخواهند شد. در واقع این کودکان به عنوان نیروی بالقوه خلاف برای این باندها و منبعی برای کسب درآمد بیشتر برای آنها تبدیل می شوند. به همین دلیل به نظر می رسد نیروی انتظامی و شهرداری در این زمینه می توانند مفید واقع شوند، در واقع این دو نهاد می توانند با جمع آوری و فروپاشی این باندها، جلوی فروش نوزادان را که هنوز امری آشکار و بدیهی نشده است را بگیرند و یا از میزان آن بکاهند.

به عقیده من این معضل یک مساله مهم و حیاتی است، چرا که اگر قبح قضیه در بین مردم ریخته شود می تواند در بلندمدت بنیاد خانواده و حرمت مادری را در جامعه از بین ببرد. این اقدام یک ضد ارزش را در کشور تولید می کند، آن نوزادی که به فروش می رسد، دارای حقوق و ارزش هایی بوده

و این عمل تجارت انسان است، نوزاد یکی از افراد جامعه است که در بدو تولد خود وسیله درآمد شده و به یک کالا تبدیل می شود، امری که در همه جای دنیا مذموم شمرده می شود. اما از همه این مسایل مهم تر تر کش های این اتفاق است که در آینده نه چندان دور باعث نابودی روابط مقدس مادر و فرزندی می شود و در نهایت این رابطه را بی ارزش می کند. به همین دلیل باید با چنین رفتارهایی برخورد های حقوقی، قانونی و مددکاری شود، چرا که معمولا برای چنین مشکلاتی یک راه حل وجود ندارد و نمی توان یک نهاد یا سازمان را مسوول این اتفاق دانست، در واقع این معضل نیاز به ممنوعیت و پیشگیری دارد سازمان ها و نهادهای مربوطه باید سیاست های مناسبی را در این زمینه اتخاذ کنند.

برای رفع این مشکل سازمان های مختلفی مانند، بهزیستی، وزارت کشور، حتی آموزش و پرورش، سازمان تامین اجتماعی و... باید دست به کار شوند تا این معضل بر طرف شود. نباید فراموش کرد که یکی از علل اصلی این اتفاق ریشه در اقتصاد دارد. در واقع می توان گفت درصد بالایی از ظهور چنین مسایلی در کشور مربوط به بخش اقتصادی است. درصدی هم مربوط به امور فرهنگی، روانی و... بوده که خیلی هم تأثیر گذار نیستند، یعنی اگر ما علل اقتصادی را بر طرف کنیم عوامل دیگر هم کم کم رفع خواهد شد و شاهد خواهیم بود که با رفع عوامل اقتصادی شمار افرادی که نوزادان خود را می فروشند کاهش چشم گیری خواهد داشت.

یکی از اقدامات پیشگیرانه ای که دولت می تواند در این زمینه انجام دهد، تهیه شناسنامه فرودستان برای تحت حمایت قرار دادن این افراد، است. اقدامی که وزارت کار آن را مطرح کرد اما تا کنون به نتیجه ای نرسیده است. به عقیده من تعداد افرادی که در حداقل معیشت خود در مانده شده اند خیلی نیست اما اگر همین افراد رها شوند، عفونت آنها در جامعه خیلی می شود، به عبارت دیگر تبعات روان شناسی اجتماعی این پدیده ها وسیع تر از تعداد آنهاست. وزارت کار باید این لیست را تهیه کند و هر وزارتخانه ای هم با توجه به کار کردشان، این افراد را تحت خود پوشش قرار دهند.

■ همان طور که خودتان اشاره کردید، بیشتر این کودکان در آینده به خلافکاران حرفه ای تبدیل می شوند، خلافکارانی که برای جامعه هزینه های زیادی دارند و کشور ناچار است که این هزینه ها بپردازد، به نظر شما آیا بهتر نیست به جای اینکه در آینده برای درمان آنها هزینه کنیم، اکنون برای پیشگیری هزینه کنیم؟

بیشتر دولت ها و نهادها به طور معمول هزینه برای پیشگیری را به تأخیر می اندازند تا هزینه برای درمان، این امر نه تنها در بخش اجتماعی بلکه در تمامی بخش ها نیز مشاهده می شود. در یک تحلیل انتزاعی کلی تر مساله ای که بیان کرده اید کاملا درست است اما دولت ها ماموریت دارند تا معضل های عاجل و بحرانی را حل و فصل کنند، به نوعی مواردی که به آنها اورژانسی می گویند. هزینه هایی که امروزه دولت برای کنترل مجرمین، بازداشت و نگهداری آنها و... پرداخت می کند، رقمی به مراتب بالاتر از رقمی است که برای

حل معضل خرید و فروش نوزادان نیاز است. اما این مورد باید در سیاست های کلان کشوری بررسی شود.

در برخی از کشورهای دنیا این اقدام صورت گرفته است، به عنوان مثال در کشور سوئد، هزینه های پیشگیری، تأمین، ترمیم و جلوگیری از فساد و معضلات بر خواسته از فقر را پرداخت می کنند به بیان ساده تر در این کشورها فرودستان تحت حمایت قرار می گیرند، در ایران هم این سیاست بهترین سیاست است اما دستگاه ها نمی توانند تا زمانی که این سیاست ها اجرایی نشده است بی تفاوت باشند. در واقع این معضل چنان عمیق است که نیاز به کار گیری سیاست های متعدد برای رفع آن است.

■ در بسیاری از کشورهای دولت و مراکز مربوطه به راحتی کودکانی را که والدین بدسرپرست دارند را از خانواده هایشان جدا می کنند، به عقیده شما در کشور فقدان این مورد احساس می شود؟

ببینید ایجاد و احداث برخی قوانین نیاز به زمان و وقت کافی دارد، علاوه بر وقت نیاز به برخی تغییرات در رویکردهای اجتماعی و فرهنگی دارد، ممکن است یک روزی مجلس ما چنین قانونی را تصویب کند و موانع را بردارد و افرادی را که صلاحیت نگه داری از فرزندانشان را ندارند، لغو تکلف کند. اما به نظر من یکی از دلایل نبود چنین قانونی در کشور ما، الگوها و ارزش های رایج در کشور است، مادر کشوری زندگی می کنیم که به پیوند عاطفی بین کودک و والدین به خصوص مادر بسیار اعتقاد داریم، در واقع ما در جامعه اعتقاد داریم که والدین بد سرپرست در بسیاری از موارد بهتر از نبود آنهاست، چرا که همین والدین می توانند کودک را اشباع عاطفی کنند. البته در شرایط حاد و بحرانی در کشور بر خورد های قانونی با والدین بد سرپرست می شود، اما تصویب نهایی آن نیاز به تعامل زیادی در این زمینه دارد.





فروش و قاچاق نوزادان غیرممکن شود و امکان این سوءاستفاده‌ها به‌طور کامل از بین برود. برخی عقیده دارند که تمام این مشکلات بر عهده بهزیستی است، اما من اعتقاد دارم، نوزادی که به هر طریقی به صورت غیرقانونی خرید و فروش می‌شود، در آخر نیاز به شناسنامه دارد و این مسوولیت بر دوش سازمان ثبت احوال است که رسیدگی‌های لازم را در این زمینه انجام دهد.

نیروی انتظامی هم می‌تواند در این زمینه همکاری لازم را داشته باشد، از جمله اقداماتی که این نهاد می‌تواند انجام دهد، جمع‌آوری زنان کارتن خواب و خیابانی است که حلقه اول این زنجیره هستند. البته تنها جمع‌آوری این افراد مهم نیست چون باید مکان‌هایی را هم مدنظر داشت تا بعد از جمع‌آوری این افراد، بتوان آنها را در آنجا اسکان داد. نکته دیگر اینکه، سازمان‌های مربوطه باید اقداماتی را مدنظر قرار دهند تا تمام کودکان کار و نوزادانی که متدکیان از آنها سواستفاده می‌کنند تا احساسات مردم را جریحه‌دار کنند، از سطح شهر جمع‌آوری شده و با چنین اقداماتی برخورد قانونی شود.

یکی دیگر از راه‌حل‌های موجود این است که جلوی قوانین دست‌وپاگیر موجود برای خانواده‌هایی که خواهان فرزند هستند را بگیریم، به‌عنوان مثال برخی کاغذبازی‌ها و مراحل غیر ضروری را از روند اداری این درخواست‌ها حذف کنیم تا خانواده‌های متقاضی به سمت بازارهای غیرقانونی نروند. البته لازم به ذکر است که به عقیده من خرید و فروش نوزادان کاملاً اشتباه است، چرا که این اقدام جنبه سواستفاده دارد، خانواده‌هایی که خواهان فرزند هستند نیز باید از مجاری قانونی این راه اقدام کنند.

مراجعه ذی‌صلاح هم باید در این زمینه اقدامات لازم را انجام دهند.

■ همان‌طور که خودتان هم اشاره کردید، برخی اعتقاد دارند که کم‌کاری‌های بهزیستی باعث بروز چنین مشکلاتی می‌شود، پاسخ شما به این افراد چیست؟ مسایل و مشکلات اجتماعی را نمی‌توان به این راحتی و در کوتاه‌مدت مورد بررسی قرار داد، در واقع بهزیستی در بخش نگهداری از زنان و کودکان بی‌سرپرست و بی‌خانواده نقش بسیار مهمی دارد اما به عقیده من هیچ مشکل اجتماعی در هیچ جای دنیا یک مقصر ندارد و نمی‌توان تمام مسوولیت‌ها را از کم‌کاری یک سازمان دانست، افراد باید توجه کنند که همه تقصیرها را بر گردن بهزیستی نیندازیم. در کشور ما بهزیستی نقش دروازه‌بان یک تیم فوتبال را بازی می‌کند، پس وقتی تیم گل بخورد نمی‌توانیم بگوییم مقصر ۱۰۰ درصد دروازه‌بان است، بلکه تمام افراد تیم کم‌کاری کرده‌اند. اینکه ما بیاییم یک نفر یا یک سازمان را مقصر جلوه‌دهیم و بقیه را امیر اعلام کنیم، یک عمل منطقی و علمی نیست.

این معضل یک زنجیره به‌هم پیچیده است، به این صورت نیست که یک نهاد یا ارگان خاصی بتواند به تنهایی از پس تمام مشکلات آن بر بیاید و این معضل را رفع کند. نمی‌توان گفت که این مشکل یک علت دارد و یک سازمانی بیاید آن علت را برطرف کند. در هر جامعه‌ای مشکلات اجتماعی چندین وجه دارد که باید سازمان‌های مربوطه با یاری و کمک یکدیگر این وجه را برطرف کنند. متأسفانه گاهی ما شاهد هستیم که تمام سازمان‌ها و ارگان‌های مربوطه از زیر بار مسوولیت شانه‌خالی می‌کنند و گناه را بر دوش همدیگر می‌گذارند، در حالی که در یک مشکل اجتماعی همه مقصرند اما هیچ کدام به تنهایی مقصر نیستند.

عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس در گفت و گو با «افق تازه» مطرح کرد



زنان خیابانی اولین حلقه از خرید و فروش

■ این معضل هم مانند دیگر مشکلات اجتماعی اقدامات اساسی و بنیادی نیاز دارد، به عقیده شما کدام سازمان‌ها در این امر دخیل هستند و راهکار شما برای این سازمان‌ها چیست؟

یکی از سازمان‌هایی که در این زمینه نقش مهمی دارد، مسوولین بیمارستان‌ها هستند، نکته اصلی در این زمینه وظیفه‌ای است که بیمارستان‌ها در این خصوص دارند. مسوولین بیمارستان‌ها باید توجه داشته باشند تا در هنگام بستری کردن افرادی که برای زایمان مراجعه کرده‌اند، مشخصات آنها را به‌طور دقیق ثبت کنند تا هنگام صدور گواهی ولادت دچار مشکل نشوند، اطلاعات گواهی ولادت دقیق باشد و نام کسی که زایمان کرده است یعنی مادر نوزاد به‌درستی ثبت شود.

در مورد بدعی اداره ثبت باید کار خود را به‌درستی انجام دهد و دقت کافی را در زمینه صدور شناسنامه داشته باشد. به‌عنوان مثال، کارکنان اداره ثبت باید توجه داشته باشند تا در مواردی که کوچک‌ترین شکمی وجود دارد حتماً از بیمارستان صادر کننده گواهی، استعلام بگیرند و صحت و درستی گواهی را بررسی کنند.

مورد دیگر عدم پذیرش زایمان‌های خانگی است، به‌خصوص در مواردی که مورد مشکوک به‌نظر می‌رسد. به عقیده من در شرایط امروزه کشور و با توجه به امکانات بهداشتی و بیمارستان‌هایی که وجود دارد، شاید خیلی قابل قبول نباشد که کسی فرزندش را در خانه به‌دنیا بیاورد. چرا که در بسیاری از موارد افراد با سوءاستفاده از گواهی‌های ماماها، تجربی و محلی شناسنامه‌های غیرقانونی برای نوزادان می‌گیرند. لذا اداره ثبت احوال باید دقت لازم را در این زمینه داشته باشد تا در حیطه صدور شناسنامه، خرید و

معضلات و مشکلات بی‌شماری در سطح کشور است. به عقیده من نمی‌توان این اتفاق را به‌صورت یک‌بعدی و تکی مورد بررسی قرار داد، در واقع باید ریشه‌های اصلی این پدیده را در سطح اجتماع جست‌وجو کرد. متأسفانه منبع اصلی فروش این نوزادان را زنان خیابانی و کارتن خواب تشکیل می‌دهند، به همین دلیل می‌توان گفت تا مشکل زنان خیابانی و کارتن خواب حل نشود، مشکل خرید و فروش نوزادان هم رفع نخواهد شد. برای رفع این مشکل اول باید به فکر جمع‌آوری زنان کارتن خواب و خیابانی باشیم. ■ شما دلیل این معضل را زنان کارتن خواب و خیابانی عنوان کردید، در گذشته هم چنین افرادی در سطح کشور وجود داشتند، اما چرا در حال حاضر معضل خرید و فروش کودکان اینقدر پررنگ شده است؟

در گذشته هم این مشکل وجود داشت اما اکنون ابعاد رانه‌ای پیدا کرده است. این موضوع برای امروز و دیروز نیست و پیشینه طولانی دارد، من حداقل در جریان گزارشات موردی این اتفاق از ده سال پیش تا کنون بوده‌ام، اما این اتفاق هم مانند بسیاری از اخبار دیگر به یک‌باره رسانه‌ای شده و این اتفاق خوبی است، چرا که امید می‌رود با رسانه‌ای شدن این موضوع اقدامات مناسبی در جهت ریشه‌کن شدن این معضل صورت گیرد.

گفت و گو: فرشته نصیری

خرید و فروش نوزادان هم مانند دیگر مشکلات اجتماعی، معضلی است که نمی‌توان آن را نتیجه عملکرد منفی یک سازمان یا ارگان دانست. همیشه عواملی دست‌به‌دست هم می‌دهند تا یک موضوع به‌ظاهر ساده تبدیل به یک معضل اجتماعی بزرگ شود. اکنون وقت آن رسیده تا پیش از آنکه این خرید و فروش غیرقانونی و غیرانسانی به یک عرف در جامعه تبدیل شود، سازمان‌های ذی‌صلاح و مربوطه با یاری یکدیگر این مشکل را به‌طور کامل در جامعه ریشه‌کن کنند. سیامک مره‌صدق، نماینده کلیمیان در مجلس و عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس، برخی از اقداماتی را که سازمان‌های مربوطه باید در این مورد انجام دهند را در گفت و گو با «افق تازه» تشریح کرد.

■ خرید و فروش نوزادان یک معضل اجتماعی جدی است. به نظر شما دلایل بروز چنین مشکلی در جامعه چیست؟

ببیند این مشکل تبعات متفاوت و پیش‌زمینه‌های مختلفی دارد، این معضل، خودش نتیجه

در جریان خرید و فروش نوزادان در تهران، من از برخی جرایم و رسانه‌ها شنیده‌ام که تمام تقصیرها را بر گردن بهزیستی انداخته و یک سازمان را مقصر چنین معضل بزرگی می‌دانند، اما آنچه که مسلم است این معضل یک علت و عامل نداشته و نیاز به ریشه‌یابی‌های عمیق دارد. به همین دلیل من عقیده دارم که نباید تمام تقصیرها را بر گردن بهزیستی انداخت. در هشت ماهه اول سال نزدیک به ۱۰۰ کودک در شهر تهران به سازمان بهزیستی ارجاع داده شده‌اند، البته والدین تمام این کودکان قصد فروش نداشتند، اما چون جز والدین بدسرپرست محسوب می‌شدند بنا به تشخیص قوه قضاییه سرپرستی آنها به بهزیستی واگذار شده است. بد نیست بدانید که در سراسر کشور، بهزیستی نزدیک به ۶۰۰ مرکز دارد و سالانه نزدیک به هزار کودک به این مراکز سپرده می‌شوند که از بین این کودکان، ۸۵ درصد آنها بدسرپرست هستند و یا سرپرست غیر موثر دارند. آنچه که مسلم است، خرید و فروش نوزادان به لحاظ قضایی جرم محسوب می‌شود و متأسفانه به‌علت پنهانی بودن این امر نه تنها بهزیستی بلکه قوه قضاییه هم بر تمام موارد اشراف ندارد، به همین دلیل، آماری در این زمینه نداریم، در واقع ما موردهایی را متوجه می‌شویم که یا قوه قضاییه به ما ارجاع می‌دهد و یا بیمارستان‌ها به موردی مشکوک شده و گزارش می‌دهند. در این زمینه برخی قوانین دست‌وپاگیر بهزیستی در مورد فرزندخواندگی را موثر می‌دانند، اما آنها از اصل ماجرا بی‌خبر هستند، ما در سازمان بهزیستی دو تیپ بچه داریم، یکی کودکانی که پدر و مادرشان مشخص نیستند، که به بچه‌های رها شده معروف هستند. اگر این کودکان معلولیت و مشکلی نداشته باشند، ما در اسرع وقت برای آنها خانواده‌ای را در نظر می‌گیریم به‌خصوص اینکه بیشتر این دسته را نوزادان شامل می‌شوند. بد نیست بدانید به‌ازای هر یک کودک در سازمان بهزیستی هفت نفر در نوبت برای پذیرش فرزندخوانده هستند. گروه دوم شامل کودکان بدسرپرست است که ۸۵ درصد بچه‌های بهزیستی را شامل می‌شود. ما در این گروه‌ها با مشکل روبه‌رو هستیم، چرا که قاضی اجازه نمی‌دهد هر کودک بدون سرپرست موثر را به خانواده دیگری بپساریم، به‌عنوان مثال کودکی که مادر خود را از دست داده و پدرش هم بنابر دلایل مختلفی مجبور است چند سالی را در زندان بگذراند، به همین دلیل این کودک تا پایان دوران محکومیت پدرش نزد ما ماند است. سلب حضانت برای خانواده‌های بدسرپرست شرایط خاصی دارد که در این زمینه قاضی باید تصمیم بگیرد. نکته قابل ذکر در اینجا این است که به مرور زمان از تعداد بچه‌هایی که سرراه گذاشته می‌شوند کم شده، اما بر تعداد کودکان بدسرپرست اضافه شده است. پس تصمیم‌گیری



خرید و فروش نوزادان نیازمند ریشه‌یابی عمیق

حبیب‌الله مسعودی فرید، معاون امور اجتماعی سازمان بهزیستی

مسیر غیر قانونی

سادات حسینی خواه

خرید و فروش نوزادان، هر چند موضوع جدیدی نیست اما به تازگی مورد توجه رسانه ها، ناظران اجتماعی و برخی مسئولان قرار گرفته است. نخستین علتی که برای خرید و فروش نوزادان به ذهن می رسد، ناباروری زوج هایی است که از راه های قانونی نتوانسته اند سرپرستی فرزندی را به دست آورند و بنابراین از مسیر غیرقانونی کودکی را از خانواده ای پرجمعیت و وضع اقتصادی بد در ازای پول به سرپرستی پذیرفته اند. اما فقط این خانواده هائیسند که نوزاد خود را به امید زندگی بهتر برای او می فروشند، بلکه زنان معتاد و خیابانی نیز دست به فروش کودکان می زنند. اینکه فرد یا خانواده ای مجبور شود کودک خود را به خاطر پول یا وضعیت بد اقتصادی و حتی اعتیاد و کارتن خوابی و ترس از آبرو به دست دیگری بسپارد به خودی خود غم انگیز است اما قصه آنجادرناک تر می شود که خرید و فروش این کودکان برای سوء استفاده از آنان انجام شود. پدر و مادرهای جعلی با سوء استفاده از این کودکان، آنان را اودار به کار در خیابان، تکدی گری و حتی خرید و فروش مواد مخدر می کنند. رئیس انجمن مددکاران اجتماعی ایران می گوید: یکی از پدیده هایی که در کشور با آن مواجه هستیم خرید و فروش نوزادان و کودکان است، گرچه این پدیده به بحران تبدیل نشده اما نمی توان چشم ها را به روی آن بست و بگویم چنین پدیده ای نداریم. سیدحسین موسوی چلک می افزاید: اصلی ترین عامل خرید و فروش نوزادان، فقر و نیاز مالی خانواده است. نظام حمایت اجتماعی و تامین اجتماعی کشور بگونه ای نیست که پوشش فراگیر و اثربخشی برای حمایت از افراد نیازمند داشته باشد و یکی از راه های تامین هزینه برای اینگونه خانواده ها، خرید و فروش کودکان است. نمی توان نقش واسطه ها و دلال ها را در خرید و فروش کودکان کتمان کرد. موسوی چلک می افزاید: از آنجا که خرید و فروش نوزادان می تواند درآمدهایی برای واسطه ها داشته باشد، دلال ها به این پدیده دامن می زنند. موضوع خرید و فروش نوزادان، موضوع زمان حاضر نیست بلکه همیشه بوده اما گاهی آن را پر رنگ و رسانه ای می کنیم. این مساله از آنجا که این کودکان برای کارهایی مانند تکدی گری اجاره داده شده و فروخته می شوند، بغرنج و نگران کننده است. رئیس انجمن مددکاران اجتماعی ایران می گوید: خرید و فروش نوزادان از سوی خانواده های ناباروری که نتوانسته اند از راه قانونی حضانت بچه ای را برعهده بگیرند نیز انجام می شود. خانواده هایی که برای حضانت فرزند، راه های غیرقانونی را انتخاب می کنند بعدا گریبانگیر مشکلات حقوقی می شوند. وی به اینگونه خانواده ها توصیه کرد که یا از راه های قانونی برای حضانت فرزند استفاده کنند یا اینکه می توانند از طرح های دیگر سازمان های اجتماعی برای سرپرستی موقت فرزندان دیگر استفاده کنند. رئیس گروه مراقبت از کودکان ونوجوانان تحت سرپرستی سازمان بهزیستی نیز می گوید: خانواده های فرزندپذیری در جامعه داریم که فرزند خوانده می گیرند و در سال های گذشته شاهد رشد قابل توجهی در تعداد این خانواده ها بوده ایم. ضارزاقی می افزاید: این خانواده ها به دلیل ناباروری، کودکی را از طریق قانونی از سازمان بهزیستی یا از مجاری غیرقانونی می پذیرند. تعداد خانواده هایی که از مجاری غیرقانونی، کودکانی را می پذیرند یامی خرند، زیاد است. معاون امور اجتماعی سازمان بهزیستی می گوید: این سازمان آمادگی پذیرش کودکان خیابانی را به هر تعداد دارد. حبیب الله مسعودی فرید در گفت و گو با خبرنگار اجتماعی ایرنا می افزاید: سازمان بهزیستی برای برخورد با خرید و فروش کودکان خیابانی از ضوابط قضایی و انتظامی برخوردار نیست اما می تواند این کودکان را پذیرش کند. وی خاطر نشان می کند: اگر مددکار یا پرستاری در بیمارستان ها با موارد مشکوک خرید و فروش کودک روبرو می شوند، حتما باید آن را به مامور مستقر در بیمارستان اطلاع دهند و اگر این مورد مسجل شود یا حتی مشکوک به آن باشد، طی صورت جلسه ای کودک به مرکز بهزیستی منتقل خواهد شد. بسیاری از افراد راه های دشوار پذیرفتن حضانت فرزند از بهزیستی را علتی برای رفتن خانواده های نابارور به سراغ راه های غیرقانونی و خرید و فروش کودکان می دانند اما مساله اینجاست که به گفته مسوولان بهزیستی برای هر کودک واجد شرایط فرزند خواندگی، هفت زوج متقاضی وجود دارد. همچنین بیش از ۸۰ درصد کودکان تحت پوشش سازمان بهزیستی بدسرپرست بوده و بدون سرپرست و کودک خیابانی نیستند که به راحتی به دیگران واگذار شوند.

این یک قصه نیست. یک روز صبح، چند نوزاد چشمانشان را به دنیا باز کردند و نفهمیدند اتفاق عجیبی رخ داده. آنها هیچ وقت نفهمیدند هوایی که نفس می کشند طعم دیگری دارد. هیچ وقت هم فکر نکردند که هر کس به آنها می خندد پدر یا مادرشان نیست. آخر آنها نوزاد بودند، نمی دانستند توی این دنیا چه خبر است. نوزاد که خرید و فروش نمی فهمد. نشانه ها را در مقدمه پیدا کنی. «هوایی دیگر»، «جایگزینی برای پدر و مادر» و «خرید و فروش». از ماجرای حرف می زیم که حالا دیگر تکراری شده است: خرید و فروش نوزاد.

والدین کویتی برای نوزادان اصفهانی

کودکان اصفهانی طرفداران فراوانی دارند. حالا یا همین جمله که خوانده اید یا این: «اصفهان میعادگاه قاچاقچی های کودک است.» چند سطر که تحمل کنید به اثبات این ادعا می رسیم. فعلا آخرین خبر که بهانه این گزارش است: «محمود رضام» مقیم کویت بود. او چند عامل در اصفهان داشت که کمک می کردند نوزادان برای فروش به کویت بروند. چند وقت پیش شکایتی از محمود رضام به دادسرای عمومی اصفهان رسید. پس از تحقیقات و همان اصطلاحاتی که همیشه در صفحه های حوادث می خوانید - اقدامات قضایی - پلیسی و اعمال ترندهای خاص - متهم دستگیر شد. محمود رضام که ۴۶ ساله است، در همان بازجویی های اولیه به همه چیز اعتراف کرد. همه چیز هم این بود: «با همدستی خانم امریکر، ۶۰ ساله، ساکن اصفهان و خانم هایده ۴۹ ساله، ساکن اصفهان و د کنترل ۵۰، نوزاد پسر را به قیمت هر کدام ۹ میلیون تومان خریدم و با تنظیم گواهی معمول از طریق اداره ثبت احوال اقدام به اخذ شناسنامه و تنظیم سند برای نوزادان کردم.» باقی اعتراف های متهم هم قابل پیش بینی است. کودکان فروخته شده حالا در کویت زندگی می کنند و ظاهراً زندگی خوشی هم دارند. آنها روحشان هم خبر ندارد که اهل اصفهانند. به هر حال این پرونده در دست بررسی است. فقط خدا می داند تکلیف این بچه های به فروش رفته چه می شود. نکته اما این است که قاچاق نوزاد حالا یکی از تجارت های رایج در ایران شده است. طی چند سال اخیر پرونده های تکان دهنده ای در این زمینه باز شده که این آخری کم حجم ترین آنها بوده است. پرونده ها را دوباره باز می کنیم، به بهانه این آخرین خبر.

۱۴۵ کودک، ۵ میلیارد تومان

گفته بودیم از اصفهان می نویسیم، حالا وقت نوشتن است. این که چرا قاچاقچیان نوزاد به فعالیت در اصفهان علاقه دارند، سهوآلی است که پاسخش را دیگران باید به دست بیآورند. حالا ما تنها از شهری می نویسیم که کودکش بیش از هر جای دیگری به فروش رفته اند. اصفهان سال گذشته هم در صفحه های حوادث تیتیر یک بود؛ با باز شدن پرونده فروش ۱۴۵ نوزاد. پنج میلیارد تومان برای ۹ نفر. این رقم خالصی بود که باند خرید و فروش نوزاد طی هفت سال فعالیت از تجارت نوزادان اصفهانی به دست آوردند. سر دسته این باند یک پزشک بود. سه ماما، ۳ پرستار و دو کارمند ثبت احوال هم او را در این تجارت همراهی می کردند. حالا بخوانید از نحوه تهیه جنس تا به فروش رساندن جنس. فقط جای «جنس»، «نوزاد» بگذارید. اصولاً هر تجارتی بر اساس عرضه و تقاضا شکل می گیرد. پس ابتدا باید فروشنده ای باشد

که خریداری پیدا شود و باقی قضایا. آغاز مأموریت با ۳ ماما بود. آنها اول سراغ زوج هایی می رفتند که به خاطر فقر مالی قادر به نگهداری نوزاد خود نبودند. غیر از این دخترانی که ناخواسته باردار شده بودند هم طعمه های مناسبی به نظر می رسیدند. بعد از پیدا کردن فروشنده، نوبت جست و جو برای خریدار بود. این مرحله هم از میان آرزوهای زوج های نابارور و ناامید از دوا و درمان به راحتی تأمین می شد. از این مرحله به بعد، تازه سردسته باند وارد عمل می شد. او با کمک ۳ پرستار، زن باردار را در کلینیک خود بستری می کرد. زایمان که انجام می شد، نوبت فعالیت حلقه آخر باند بود. پزشک برای نوزاد گواهی ولادت جعلی با مهر بیمارستان یا زایشگاه تهیه می کرد. دو عضو باند در ثبت احوال هم با این مدارک برای نوزاد شناسنامه ای با مشخصات زوج خریدار صادر می کردند. آنها با دریافت ۱۰ میلیون تومان نوزادان را به زوج های نابارور می فروختند و از این مبلغ یک میلیون تومان به فروشنده نوزاد می رسید. به همین راحتی که خواندید، ۱۴۵ نوزاد طی ۷ سال به فروش رفت. تراژدی اما زمانی آغاز می شود که به شناسنامه های باطل شده این کودکان حالا ۶ یا ۷ ساله فکر کنیم. حالا چه کسی می تواند برای آنها تصمیم بگیرد؟ آنها ۷ سال کنار پدر و مادری بزرگ شده اند که فکر می کردند پدر و مادرشان هستند. آنها اما فقط فکر می کردند، حالا در ۷ سالگی باید برای این کودکان چه تصمیمی گرفت؟ باز گشت پیش پدر و مادری که آنها را فروختند یا پدر و مادری که آنها را خریدند؟! کاش گزینه سومی هم وجود داشت!

اصفهان، «کویت» است

اصطلاح «کویت» به گوش بچه های دهه ۶۰ آشناست. آن وقت ها به هر فضای باز و هر جای راحتی می گفتند «کویت». با این حساب حالا اصفهان، «کویت» است. حداقل برای قاچاقچیان نوزاد که غیر از این نیست. با این همه تجارت نوزاد حالا دیگر در ایران فراگیر شده. مگر می شود تهران در رویدادی از سایر شهرها عقب باشد؟ در پایتخت هم خبرهایی هست. مهمترین پرونده خرید و فروش نوزاد به حدود ۲ سال قبل برمی گردد. متهمان آن پرونده، طی ۴ سال حداقل ۶۳ نوزاد را از بیمارستان های تهران، کرج و شهرری دزدیده و فروخته بودند. ظاهراً تورم در نرخ خرید و فروش کودک هم تأثیر دارد. اعضای این باند کودکان را بین یک تا ۳ میلیون تومان می فروختند. در پرونده فروش کودکان اصفهانی، قیمت فروش ۱۰ میلیون تومان بود و آخرین متهم که فقط ۶ میلیون تومان هزینه تحویل گرفتن نوزادان می کرد. حالا این نوزادان در کویت چند به فروش رفته اند، فقط خدا می داند! کجای قصه بودیم؟ بله، ماجرای ربودن کودکان در بیمارستان های تهران. سردسته این باند زنی بود که در قسمت خدمات بیمارستان کار می کرد. میان متهمان این پرونده نام دو پزشک و دو ماما هم دیده می شد. این باند زمانی لو رفت که فردی ناشناس با اداره ثبت احوال تماس گرفت و گفت: «چند کارمند شما با دریافت پول شناسنامه جعلی صادر می کنند.» به این ترتیب پیگیری شناسنامه های جعلی به چند بیمارستان کشیده شد. آنجا تازه مشخص شد که باند بزرگ فروش نوزادان پشت ماجرا قرار دارد. ظاهراً فعالیت باند های فروش نوزاد همیشه از چند حلقه تشکیل می شود. فعالیت این باند البته کمی متفاوت بود، چون آنها نیازی به پیدا کردن فروشنده نداشتند. حلقه اول این باند را زنانی چادری تشکیل می دادند. آنها در فرصتی مناسب نوزاد را زین چادر پنهان می کردند و از بیمارستان خارج می شدند. مراحل بعدی فعالیت این باند شبیه همان نکاتی است که پیش از این خواندید. خلاصه آن می شود فعالیت گروهی برای صدور گواهی تولد جعلی، فعالیت حلقه بعدی برای یافتن خریدار از میان زوج های نابارور و بالاخره

درد نان و غم فرزند

مأموریت حلقه آخر در اداره ثبت احوال برای صدور شناسنامه با مشخصات زوج خریدار، البته این باند روش دیگری هم برای تهیه نوزاد داشت. آنها به والدین می گفتند کودکان فوت کرده و بعد کودک یک روزه را به شکل پنهانی از بیمارستان خارج می کردند. پیگیری جسد نوزاد؟ پاسخ ساده بود: «نوزادان زیادی فوت می کنند و ما آنها را به شکل فله ای خاک می کنیم.» فارغ از تمام مراحل ربودن نوزادان و مراحل فروش، حالا باید به نکته دیگری فکر کنید. این پرونده با پرونده های دیگر تفاوتی بزرگ دارد. اگر در پرونده فروش کودکان اصفهان می شد به گزینه باقی ماندن کودکان کنار والدین قلابی فکر کرد، اینجا دیگر تردیدی برای بازگرداندن کودکان نبود. آخر نوزادان را کسی فروخته بود که حالا هم شکایتی نداشته باشد. این میان به کودکی ۴ ساله فکر کنید که ناگهان پدر و مادرش عوض می شوند!

فروش نوزادان سرقت شده

کاش می شد ماجرای فروش نوزادان را با همین چند پرونده بسست امانی شود. حرمت همه چیز زیر سؤال رفت وقتی سال گذشته یک پزشک و یک پرستار در دادسرای امور جنایی تهران حاضر شدند. اتهام؟ فروش نوزاد. در این پرونده نام پزشکی به چشم می خورد که به فروش هشت نوزاد اعتراف کرده بود. پرستار اما وقتی شروع به اعتراف کرد، پرونده سنگین تر شد. او به معامله ۳۵ نوزاد اعتراف کرد. نه، انگار قرار نیست این پرونده ها بسته شوند. یک طرف فقر، سمتی دیگر آرزو، وقتی که پدر و مادری خرج سیر کردن شکم نوزاد را نداشته باشند و آن طرف ماجرا زوجی در حسرت داشتن فرزند بسوزند، دیگر نیازی به وجود باندهای خرید و فروش نوزاد نیست. همین است که پرونده های هم خارج از حوزه فعالیت باندها برای ماجرای خرید و فروش نوزاد باز می شود. خیلی ها نیاز داشته اند و فروخته اند و خیلی ها هم می خواستند و خریدند. این خرید و فروش های بی واسطه هم خالی از در دسر نبوده اند. سال گذشته بود که کودکی ۶ ماهه در بیمارستان شهید فهمیده فوت کرد. این کودک را زنی ۳۶ ساله به بیمارستان آورده بود که هیچ نسبتی با نوزاد نداشت. تنها در بازجویی های بعدی بود که ماجرای واقعی مشخص شد. زن ۳۶ ساله اعتراف کرد: «من و همسرم بچه دار نمی شدیم. مادر قم با زوجی آشنا شدیم که صاحب بچه شده بودند و به خاطر مشکلات مالی قادر به بزرگ کردنش نبودند. ما نوزاد را از آنها خریدیم و پیش خودمان آوردیم. این نوزاد پیش ما بود که حالش خراب شد. من او را به بیمارستان رساندم و اینجا فوت کرد.» غیر از این البته ماجراهای دیگری هم هست که فرصتی برای نوشتنشان نیست. یک نمونه پر سر و صدای دیگر اما به شکایت زوج فروشنده برمی گردد. این زوج جوان ۳ سال قبل نوزادشان را به زوجی نابارور فروخته بودند. آنها اما پس از این مدت پشیمان شدند و می خواستند بچه را پس بگیرند. مادر این کودک می گفت: «من در بیمارستان امام خمینی زایمان کردم. به خاطر مشکلات مالی نمی توانستم هزینه بیمارستان را بدهم. با همسرم تصمیم گرفتیم نوزاد را بفروشیم. ما فرزندمان را با دریافت ۵ میلیون تومان به زوجی جوان فروختیم. آنها علاوه بر این هزینه بیمارستان را هم حساب کردند. حالا از کارمان پشیمان شده ایم و می خواهیم فرزندمان را پس بگیریم و خودمان بزرگش کنیم.»

از طرف دیگر ماجرا بخوانید که زوج خریدار در دادسرا چه گفتند: «ادعای مادر کودک درست است اما این پسر پس از چند سال به ما وابسته شده و ما را به عنوان پدر و مادر اصلی خود می شناسد. حالا دیگر این جدایی به کودک لطمه می زند.»

■ خرید و فروش نوزادان مورد توجه بسیاری از مردم است، چرا که این امر از نظر هر فرد سالم و آگاهی مذموم شمرده می شود، آیا در این زمینه آمار و وجود دارد؟

به صورت رسمی آمار در این زمینه وجود ندارد، اما ما داریم در سطح جامعه مشاهده می کنیم که برخی خانواده‌ها از نظر مالی بسیار ضعیف هستند، به همین دلیل کودکان خود را می دهند تا دیگران بزرگ کنند. البته این اتفاق در ۱۰ سال پیش هم رخ می داد اما اکنون نسبت آن افزایش یافته است، شاید یکی از دلایل افزایش آن بالا رفتن نرخ فقر و کاهش سطح درآمد خانوارها باشد. در برخی موارد هم پدر کودک فوت کرده و یا خانواده‌اش را به حال خود رها کرده است و مادر نمی تواند از پس مخارج خود و کودک بر آید به همین دلیل ترجیح می دهد فرزند خود را به دیگران بفروشد. اما چون تمام این موارد گفته نمی شود، پس در جایی هم ثبت نمی شود و مافقط در سطح جامعه شاهد آن هستیم و می دانیم که وجود دارد.

■ به عقیده شما دلایل عمده این مشکل چیست؟

این معضل یک دلیل خاص و مشخص ندارد، به عقیده من از جمله دلایل افزایش این اقدام، می توان به فقر و بیکاری اشاره کرد، همچنین، بی سرپرست بودن خانواده‌ها و زنان سرپرست خانواری که نمی توانند از پس مخارج کودک بر آید، یکی دیگر از مواردی که می توان به آن اشاره کرد این است که شخص از فردی حامله شده و شرایط سقط جنین را نداشته، اما حالا که کودک به دنیا آمده است، شرایط نگهداری آن را ندارد و باید هر چه زودتر تکلیف آن کودک را مشخص کند، مواردی را هم داریم، خانمی که فرزندش به دنیا آمده اما همسرش فوت کرده است و این خانم می خواهد دوباره ازدواج کند اما این بچه مانع از انجام این کار می شود، به همین دلیل اقدام به فروش کودک خود می کند. در گذشته هم این مشکلات بود و برخی فرزندان شان را گوشه خیابان رها می کردند اما اکنون که آنها خریدار دارند، والدین این کودکان ترجیح می دهند مبلغی را هم از این طریق دریافت کنند. یکی دیگر از عواملی که به تشدید این خرید و فروش غیر انسانی دامن می زند، قوانین بهزیستی است؛ ما در بهزیستی قانون فرزندخواندگی داریم، اما این قوانین دست و پاگیر و طولانی است و گاهی ۳ الی ۴ سال روند فرزندخواندگی طول می کشد به همین دلیل برخی افراد ترجیح می دهند به این طریق اقدام نکنند در عوض پولی بدهند و کودکی را بخرند. ■ همان طور که اشاره کردید، برخی به علت قوانین پیچیده بهزیستی، با نگاه خود راه ساده تر را انتخاب می کنند، آیا واقعا خرید نوزاد از خانواده دیگر، راه آسان تر است؟

ببینید من جواب این سوال را با طرح برخی موارد می دهم؛ فروش به خانواده‌هایی که خواهان کودک هستند، مشکلات بزرگی را در پی دارد، خانواده‌ای که فرزند خود را می فروشد در بیشتر موارد می داند کودک خود را به چه خانواده‌ای می دهد، حال تصور کنید اگر مادری بخواهد فرزندش را پس بگیرد، این فقط روی مثبت سکه است، چرا که در این بین باج گیری‌های زیادی نیز اتفاق افتاده است و والدین اصلی کودک، خانواده خریدار را تهدید می کنند که اگر پول کافی به آنها ندهند تمام حقیقت را به فرزندشان خواهند گفت، از این اتفاق‌ها در بین این خانواده‌ها بسیار زیاد است، حتی گاهی مجبور می شوند کودک خریداری شده را بدون پس

گفت و گو: سمیه تقی خانی

بی سرپرست باشد

بدون شک نمی توان از مساله خرید و فروش نوزادان به راحتی گذشت، معظلی که در چند سال اخیر توجه بیشتر رسانه‌ها را به خود جلب کرده و عواطف عمومی را جریحه دار کرده است، به همین منظور به سراغ مصطفی اقلیما، رئیس انجمن علمی مددکاران اجتماعی ایران و استاد دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی کشور، رفته ایم و بساوی در این مورد به گفت و گو نشستیم.

گرفتن پول شان به خانواده اصلی آن واگذار کنند. در این صورت هم خانواده خواهان فرزند دچار مشکل می شود و هم اگر کودک بزرگ شده باشد دچار آسیب‌های فراوانی می شود. ما هنوز در فرهنگ ایران این آمادگی را نداریم که اگر کودکی را به دیگری واگذار کردیم دیگر کاری به آن نداشته باشیم. در طرف مقابل هم فرزندخواندگی هنوز فرهنگ مناسب خود را پیدا نکرده است، به عنوان مثال اگر کودک یک شیطنت کودکانه انجام دهد، برخی می گویند معلوم نیست پدر و مادرش کیست به همین دلیل اینگونه عمل می کند و... ■ اینکه کودکان به خانواده دیگری فروخته شود، یک بعد ماجراست، به عقیده شما کودکانی که به متکدیان فروخته می شوند چه آینده‌ای دارند؟

به عقیده من کودکان به متکدیان فروخته نمی شوند، بلکه اجاره داده می شوند. کودکانی که در سطح شهر می بینید در مواردی فرزندان خود این افراد هستند، اما در بیشتر موارد این کودکان از خانواده‌هایشان اجاره می شوند، برخی از این گروه‌های سازمان یافته این کودکان را ماهیانه از خانواده‌هایشان با مبالغ ناچیز اجاره می کنند. مساله اینجاست، خانواده‌ای که ندارد برای تامین مخارج زندگی‌اش باید چه کند؟

آنچه که مسلم است این مشکل بر اساس برخی عوامل به وجود آمده است، عواملی که اگر رفع می شد می توانست از شکل گیری این اتفاق جلوگیری کند، شما چه عامل یا نهادی را در این امر مقصر می دانید؟

در تمام کشورهای دنیا کودکانی که در خانواده‌های بی سرپرست، بد سرپرست و یا سرپرست غیر موثر به دنیا می آیند، مسوول این کودکان دولت است، پس می توان گفت، دولت جایگزین پدر این کودکان خواهد شد، ما در ایران حمایت داریم، اما دولت برای خانواده‌ای که پدر آنها فوت شده، در زندان است و یا به هر دلیلی قادر با تامین خانواده خود نیست، ماهیانه حداکثر ۶۰ هزار تومان کمک می کند و به تعداد افراد هم توجه نمی کند، اما آیا واقعا می شود با این رقم زندگی کرد؟ در صورتی که در بیشتر کشورهای ما به چشم آینده‌سازان کشور نگاه می شود و اعتقاد دارند که اگر یکی از این‌ها دزد و یا معتاد شود، هزینه برای دولت است و این نگاه درستی است، به عنوان مثال در کشور ما نزدیک به ماهی سه میلیون تومان برای هر زندانی هزینه می شود، علاوه بر این هر کودکی که خلافاکرافت شود در عمر خودش دو تا سه نفر را هم خلافاکرافت می کند، این کودکان خیابانی راهی جز خلافاکرافت شدن ندارند، معمولا ۶۰ درصد این کودکان به سمت فروش مواد می روند، چون کمتر مورد اتهام قرار می گیرند. مساله اینجاست که چرا مردم به این حد می رسند که فرزند خود را می فروشند؟ به عقیده من اگر ما این افراد را حمایت می کردیم هیچ وقت این اتفاق اینقدر بزرگ و فراگیر نمی شد. به جای اینکه بخواهیم جلوی فروش را بگیریم باید عوامل ایجاد این معضل را رفع کنیم، در واقع ما به جای برطرف کردن علت می خواهیم معلول را درست کنیم. ما به جای اینکه بگوییم این مادر نباید کودک خود را بفروشد، باید بگوییم برای اینکه این مادر نوزادش را نفروشد چقدر به آن کمک کرده‌ایم؟ اگر حداقل مخارج را به این مادران بدهیم من اطمینان می دهم که آنها حاضر نمی شوند کودک خود را بفروشند. ما در کشور سازمانی با عنوان سازمان بهزیستی داریم، تنها سازمانی که از نظر قانونی مسوول رسیدگی به تمام آسیب‌های اجتماعی در کشور است، از زنان خیابانی و بی سرپرست گرفته تا افراد معتاد و امر طلاق و... طبق قانون رسیدگی به این امور در فهرست وظایف بهزیستی جای می گیرد، که به عقیده من متأسفانه روز به روز امکانات سازمان بهزیستی کم شد، روز به روز از تخصص افرادی که در این زمینه مشغول فعالیت هستند، کاسته شد، این اتفاق برای سازمانی رخ می دهد که آسیب‌های اجتماعی را باید رفع کند، ما تا آسیب را شناسیم نمی توانیم مشکل را حل کنیم، ببینید من نمی خواهم تمام تقصیرها را به گردن سازمان بهزیستی بیاندازم، چرا که می دانم این سازمان نه قدرت و اختیارات کافی دارد و نه امکانات مناسب تا بتواند این مشکل را ریشه کن کند. بهزیستی حتی جای کافی برای این کودکان ندارد، اگر خیرین نباشد حتی نمی توان به تنهایی از پس مخارج این کودکان بر بیاید. متأسفانه ما در قانون به موردی بر نمی خوریم که بتوانیم قانونی با این افراد برخورد کنیم. به همین دلیل روز به روز بر تعداد افرادی که نوزادان خود را می فروشند اضافه می شود، ببینید درک این موضوع ساده است، تا وقتی یک امری خریدار داشته باشد، پس فروشنده هم داریم.

■ شما برای رفع این معضل اجتماعی چه راه‌حلهایی پیشنهاد می کنید؟

عقیده ما این است که بچه کنار والدین معتاد و در خیابان بزرگ شود، باز هم بهتر از کودکی که در پرورشگاه بزرگ می شود. چون کودکی که در پرورشگاه بزرگ می شود در آینده با مشکلات بسیاری دست به گریبان است. راهکار چنین مشکلی این است که دولت حمایت کند، همان طور که گفتیم، متأسفانه سازمان بهزیستی از نظر امکانات شرایط صفر دارد، این سازمان نزدیک به هشت سال است که استخدام ندارد، شرایط آلا ن بهزیستی مانند، بیمارستانی است که پزشک ندارد، حرف اول را در بیمارستان‌ها پزشکان می زنند، در سازمان بهزیستی هم حرف اول را متخصصین مددکاری می زنند، کسانی باید امور اجتماعی را پیگیری کنند، اما ما از کل نیروهای شاغل در این سازمان چیزی در حدود ۷ یا ۸ درصد مددکار متخصص داریم. علاوه بر این بودجه کافی در اختیار سازمان قرار نمی دهند، به عقیده من هر چه مشکلات بیشتر می شود میزان بودجه سازمان کاسته می شود، به همین دلیل نمی توان رسیدگی کافی را انجام دهد و وقتی نتواند رسیدگی کند مشکلاتی از این دست در کشور بیشتر می شود. در واقع ما یک برنامه مشخص و مدون در این زمینه نداریم و این می تواند در آینده مشکلات بیشتری را به بار بیاورد. ببینید اگر دولت بیاورد خانواده‌هایی که مشکل مالی دارند را شناسایی کند و از آنها حمایت کند، مطمئن باشید فروش نوزادان شاید به یک درصد هم نرسد، چرا که خانواده اگر بتواند از پس مخارج فرزند خود بر آید و بداند می تواند او را بزرگ کند، آنگاه کودکش را نزد خود نگاه خواهد داشت، اما وقتی دولت خود را دخالت نمی دهد، پس خانواده‌ها هم بدترین راه را انتخاب می کنند. به نظر من دولت به جای اینکه مشکل را حل کند، دارد صورت مساله را پاک می کند. ما باید عواملی مانند، اعتیاد، طلاق، زنان خیابانی، دزدی و به طور کلی فقر و بیکاری را شناسایی و ریشه کن کنیم و آن وقت انتظار داشته باشیم که این قبیل مشکلات نیز برطرف شود.



عصبانیت کودکان را کنترل کنیم



چرایی رفتارهای عصبی در فرزندان

در بیشتر خانواده‌ها علت و ریشه رفتارهای عصبی فرزندان را می‌توان در رفتار والدین پیدا کرد. در واقع بسیاری از مواقع، رفتار بچه‌ها انعکاسی از مسائل و مشکلات حل نشده پدر و مادر است. وقتی مادر ناراضی و خشمگین است، کودک عصبانی و تندخو می‌شود. پدری که مدام مضطرب است، این اضطراب را به فرزند خود منتقل می‌کند و کودک برای مقابله با این اضطراب، دست به رفتارهای عصبی می‌زند، پرخاشگری می‌کند، مدام بهانه می‌گیرد یا ناسازگاری و نافرمانی را در پیش می‌گیرد. در این میان، صرف‌نظر از داشتن الگوهای نادرست گاهی نداشتن عزت نفس یا احساس رفتار غیرمنصفانه نیز کودک را به خشونت متمایل می‌کند. علاوه بر نقش مهم رفتار والدین در ایجاد عصبیت‌ها، در دوره‌های خاصی از زندگی بخصوص در نوجوانی، برخی رفتارهای عصبی تکرار و شدت بیشتری پیدا می‌کنند. در این دوران نوجوان در شرایطی شبیه بحران به سر می‌برد. از طرفی، دوران کودکی را پشت سر گذاشته است و دیگر کودک نیست و از طرف دیگر می‌خواهد بزرگ باشد و بزرگ نیست و این مساله در او ایجاد تضاد می‌کند. به علاوه نوجوان با تغییرات فیزیکی و روحی زیادی روبه‌روست، سوالات زیادی در ذهنش ایجاد می‌شود و به دنبال هویت خود است. در نتیجه بسیاری از مواقع خلقی ناپایدار پیدا می‌کند، خیلی زود عصبانی و خشمگین و در عین حال سرعت ششمان می‌شود. در کنار همه اینها، پیشرفت تکنولوژی و اختراعات گوناگون و اثرات آنها بر افکار و رفتار فرزندان سبب می‌شود همه چیز دچار تحول شود، امروزه حرف‌شنوی و اطاعت کردن بیشتر به نافرمانی تبدیل شده و چشم گفتن و شنیدن نصیحت جای خود را به «نمی‌توانم» و «نمی‌شود» داده است، فرزندان امروز با فرزندان دیروز فرق دارند. امروز بکن، نکن‌ها و نصیحت‌ها به تنهایی تاثیری ندارند و کارساز نیستند، اما این به معنای

بسیاری از اوقات با کودکانی رو به روی می‌شویم که پرخاشگری‌های زیادی از خود بروز می‌دهند. پرخاشگری و عصبانیت‌های کودکان دلایل مختلفی دارد و برای یافتن این دلایل باید به صورت ریشه ای به موضوع نگاه کنیم. راهکارهای بسیاری برای درمان این ناهنجاری وجود دارد و مهم ترین افراد در از بین بردن رفتار والدین کودک هستند.

وقتی صحبت از عصبیت می‌شود پرخاشگری، خشونت، عصبانیت، اضطراب، نافرمانی و رفتارهایی از این قبیل در ذهن تداعی می‌شود. مسائلی که هر پدر و مادری در مراحل مختلف رشد فرزندش کم و بیش و با درجاتی از شدت و ضعف با آنها روبه‌رو می‌شود و این سوالات برایشان مطرح می‌شود که چگونه با فرزند خود برخورد کنیم؟ علت این واکنش‌ها چیست؟ و اصولا آیا این رفتار در کودکان طبیعی هستند؟

راهکارهایی برای والدین

ابتدا بر رفتارها و برخوردهای خودتان دقت کنید. بهتر است قبل از فرزنددار شدن با شخصیت و ویژگی‌های رفتاری خود آشنا شوید و اگر نیاز به بهبودی دارند، آنها را بهبود بخشید. در کنار فرزند خود باشید، نه در مقابل او. این را بدانید که هر رفتاری دلیلی دارد پس هنگام بروز رفتارهای عصبی با حفظ آرامش خود سعی کنید علت را بیابید. تلاش کنید مساله را از دریچه ذهن فرزند خود ببینید. این یک رفتار همدلانه است. با او همدلی کنید. زمان بروز خشم و عصبانیت اصلا زمان مناسبی برای نصیحت نیست. وقتی رابطه مطلوب است با فرزند خود صحبت کنید و ارتباطی صمیمانه را بین خودتان شکل دهید حالا در خلال این رابطه صمیمی بیشتر می‌توانید بر او تاثیر بگذارید. وقتی عصبانیت و پرخاشگری بروز می‌کند سعی کنید با لحنی آرام و در عین حال قاطع با او صحبت کنید. این گونه خشم او نیز کنترل می‌شود. همچنین در برخورد با فرزندان خود چه در تشویق و چه در تنبیه، صفاقتن و عادلانه برخورد کنید. اطلاعات و آگاهی‌های خود را در مورد مراحل رشد فرزندان و ویژگی‌های هر دوره افزایش دهید تا بهتر بتوانید با فرزند خود ارتباط برقرار کنید.

فرمولی برای کوچکی شکم

وجود چربی اضافی در اطراف کمر که باعث اضافه وزن هم می‌شود ضمن اینکه ظاهر ناخوشایندی دارد شما را مجبور به خرید شلوار بزرگتر نیز می‌کند. ورزش به همراه کاهش کالری اضافی ناشی از چربی، برای کوچک شدن شکم شما ضروری هستند. اما تحقیقات جدید نشان می‌دهد که بعضی از غذاها ممکن است بدون ورزش زیاد، دور کمر شما را کوچک کرده و معجزه آسا باشند. در اینجا پنج فرمول غذایی برای کوچک شدن شکم توصیه می‌شود:

روغن کانولا



کانولا بهترین روغن برای پخت و پز جهت داشتن قلبی سالم است. زمانی که محققان برزیلی بر روی موش‌های صحرایی یک رژیم غذایی حاوی روغن کانولا یا روغن سویا به مدت دو ماه استفاده کردند دریافتند که موش‌هایی که روغن سویا استفاده می‌کردند در مقایسه با موش‌هایی که در رژیم غذایی خود روغن کانولا تغذیه کرده بودند حدود ۲۰ درصد چربی بیشتر در اطراف اندام‌های شکم داشتند. در حالی که محققان دقیقا نمی‌توانند بگویند که افراد چه میزان روغن کانولا را باید در رژیم غذایی خود برای رسیدن به این اثر استفاده کنند، بر این باورند که کانولا حاوی مقادیر زیادی امگا ۳ است که باعث کاهش سطح انسولین می‌شود، که در نهایت موجب جلوگیری از ذخیره چربی بیش از حد در بدن می‌شود.

لوبیا



جایگزین کردن پروتئین‌های گیاهی مانند لوبیا با پروتئین‌های حیوانی در رژیم غذایی، می‌تواند به سلامتی قلب شما بسیار کمک کند. در سال ۲۰۱۱ مطالعه پزشکان نشان داد چنانچه مدت شش ماه از یک رژیم گیاهی مناسب استفاده شود، کالری آن باعث می‌شود چاقی رو به افزایش افراد به خوبی کنترل شود و منجر به کم شدن وزن افراد مبتلا به دیابت شود. رژیم غذایی گیاهی باعث سوزاندن چربی بیش از حد شکم می‌شود.

شیر کم چرب



شیر (و دیگر محصولات لبنی کم چرب) به شما در ساخت استخوان‌های قوی کمک خواهد کرد، اما اگر شما می‌خواهید کمر خوش تراشی داشته باشید نیاز به افزایش سوزاندن کالری عضلات خود برای رسیدن به آن خواهید داشت: در مجله ۲۰۱۱ مطالعه گروه تغذیه نشان می‌دهد، افرادی که شکمی مخروطی شکل و پر از چربی داشتند با استفاده از رژیمی که ۳۰ درصد کالری ناشی از پروتئین دارا بود، که شامل شش تا هفت وعده روزانه، لبنیات بود، در لاغر شدن از موفقیت بیشتری برخوردار بودند.

همچنین محققان گفته‌اند که پروتئین لبنیات، که دارای اسید آمینه لیوسین هستند، در تحریک تشکیل پروتئین‌های عضلانی (پر از چربی) جدید بسیار تاثیر گذار هستند. مثل بستنی

غلات سبوس دار



هنگامی که محققان از دانشگاه ایالتی پنسیلوانیا داوطلب شدند در برنامه‌های کاهش وزن به مدت سه ماه شرکت نمایند دستور غذایی آنها بدین صورت بود که یک گروه فقط غلات سبوس دار استفاده نمایند و گروه دیگر نیز تنها غلات تصفیه شده (تماما بدون سبوس) مصرف کنند، در حالی که دریافتند فیبر موجود در غلات سبوس دار، برخی فوائد انحصاری دارد متوجه شدند که با خوردن آنها چربی در ناحیه شکم به میزان قابل توجهی ذوب شده است، همچنین پژوهشگران متوجه شدند که غلات سبوس دار سرشار از منیزیم هستند، که یک ماده معدنی در تنظیم متابولیسم چربی است.

فلفل قرمز



محققان تصور می‌کنند از آنجا که بتاکاروتن و لیکوپن‌ها، جزو آنتی‌اکسیدان‌های قوی هستند، نسبت به ترکیبات مضر که باعث ذخیره سازی چربی در بدن می‌شوند مفیدتر هستند. فلفل نیز که حاوی ویتامین C می‌باشد، مواد مغذی مورد نیاز برای سوزاندن چربی را دارا است.

بهترین راه برای آب کردن چربی شکم و پهلو

به طور کلی برای کنترل و کاهش وزن، ورزش در کنار رژیم غذایی توصیه می‌شود. نکته مهم در برنامه کاهش وزن تداوم و یکنواخت بودن روند کاهش وزن است. عوارض و خطرهای کاهش وزن‌های پی در پی بیشتر از عوارض چاقی و اضافه وزن است. اگر شما تصمیم به کاهش وزن دارید باید برنامه کوتاه‌مدت و بلندمدت برای این کار داشته باشید، با کمک کارشناس تغذیه رژیم غذایی مناسب دریافت کنید و در کنار آن ورزش‌های چربی‌سوز انجام دهید. ورزش‌هایی با ماهیت هوازی مانند دویدن آرام، پیاده‌روی تند، طناب زدن، دوچرخه‌سواری و شنا به سوختن چربی از سطوح مختلف بدن کمک می‌کند. منظور ما از انجام ورزش‌های هوازی برای کمک به کاهش حجم چربی‌های بدن، با توجه به شرایط فرد کمی متفاوت است؛ یعنی اگر خانمی خانه‌دار است و بیشتر وقتش را در منزل می‌گذراند، می‌تواند از تردمیل و دوچرخه ثابت استفاده کند اما اگر امکان رفتن به فضاهای باز و پارک‌ها را دارد، راه رفتن و پیاده‌روی تند را پیشنهاد می‌کنیم. اگر کسی اهل استخر و شاسات هم می‌تواند در کنار شنا، کمی هم در آب راه برود تا کمک بیشتری به کم شدن حجم چربی‌های بدنش شود. طناب زدن و دوچرخه‌سواری هم از دیگر ورزش‌های هوازی هستند که نقش پررنگی در چربی‌سوزی دارند. ورزش خاصی وجود ندارد که باعث کاهش وزن موضعی شود. از بین رفتن چربی‌ها با ورزش به تجمع چربی در بدن بستگی دارد. با ورزش، چربی‌ها ابتدا از نواحی و مناطقی که بیشتر تجمع دارند (در خانم‌ها ران‌ها و در آقایان شکم) برداشته و به صورت انرژی مصرف می‌شوند. می‌توانید با رژیم غذایی و ورزش هفته‌ای نیم تا یک کیلوگرم وزن کم کنید. برای کاهش وزن باید حوصله به خرج دهید و عجله نداشته باشید. اگر در حال حاضر ورزش نمی‌کنید، بهتر است ورزش‌های هوازی را از نیم ساعت در روز شروع کنید و به تدریج به یک ساعت و حداقل ۳ روز در هفته برسانید و در کنار آن برای افزایش قوام عضلاتتان ورزش‌های قدرتی انجام دهید. مطمئن باشید چربی‌های موضعی با همین روش به تدریج از بین می‌روند. ورزش‌هایی مانند درازونشست که با هدف کاهش حجم چربی‌های شکم و پهلوها توصیه و انجام می‌شوند، فقط می‌تواند باعث افزایش قوام و کوتاه شدن عضلات این قسمت‌های بدن شوند که به کم شدن میزان شلی و افتادگی عضلاتی مانند عضلات شکم و پهلوها منجر خواهد شد و در عمل، کاهش حجم چربی‌های موضعی را در پی نخواهد داشت. تداوم ورزش و رعایت نکته‌های تغذیه‌ای مانند پرهیز از زیاده‌روی در مصرف غذاهای چرب و سرخ‌کردنی نیز می‌تواند به مرور زمان باعث ایجاد تناسب اندام و از دست رفتن بافت چربی‌های اضافی بدن شود. باید توجه داشته باشید وضعیت فیزیکی و جسمی افراد زمینه‌ارثی دارد و ممکن است تغییر خیلی شدیدی که انتظار دارند در اندامشان رخ دهد، به راحتی امکان‌پذیر نباشد. باید خودتان را با خودتان مقایسه کنید

محمد باقری مقدم
متخصص طب ورزشی





سم زدایی بدن با تغذیه

پاکسازی به معنی سم زدایی از بدن با خارج کردن مواد سمی از بدن است. علوم باستانی مثل ایرو ویدیک هند و علم باستانی چینی با به کارگیری مکمل‌های غذایی، روش زندگی خاص، ورزش و گیاهان دارویی بیش از ۳۰۰۰ سال است که پاکسازی را در بدن انجام می‌دهند. پس دفعه دیگر که احساس خستگی شدید و ضعف بدنی می‌کنید، دچار ورم و یا بی‌خوابی شدید این توصیه‌ها را به طور طبیعی برای پاکسازی بدن‌تان انجام دهید و از نو زنده شوید.

۱. سیستم غذایی پر از فیبر بخورید: اکثر افراد فیبر غذایی کافی را در برنامه غذایی‌شان نمی‌گنجانند و به همین دلیل با کمبود انرژی، کاهش سوخت و ساز بدن و کم شدن سرعت زودن سموم و مواد اضافی بدن مواجه می‌شوند.

مطالعات انجام شده در این زمینه نشان می‌دهند که رژیم‌های غذایی مملو از کربوهیدرات‌ها و سایر قندها، سرعت سوخت و ساز بدن را کم می‌کنند. فیبر حرکات روده را تنظیم می‌کند. منابع غنی از فیبر حلال عبارتند از: برنج قهوه ای، گندم سبوس دار و ذرت بوداده. فیبر حل شدنی میزان کلسترول خون را کاهش می‌دهد و اسیدهای چرب را کم می‌کند. بهترین منابع فیبر غیر حلال عبارتند از: دانه‌های سبز، پوست میوه‌ها، دانه‌ها و خشکبار. فیبر غیر حلال، PH دستگاه گوارش را تنظیم می‌کند؛ و این یکی از عوامل مهم و موثر در کاهش وزن و دستیابی به سلامتی کلی بدن است.

۲. از کبدتان محافظت و آن را تمیز کنید: چای سبز و آب گرم با چند قطره آب میوه به تمیز کردن کبد کمک می‌کند. گیاهانی مثل ریشه گل قاصدک هم می‌توانند از کبد حفاظت کنند.

۳. آب بنوشید: آب به طور طبیعی تمام مواد اضافی بدن و سموم ناخالصی‌ها را از راه ادرار، عرق و بازدم را به بیرون می‌راند. ۷۰ درصد بدن از آب است و نیاز دارد که روزانه تجدید شود. بدن در روز به ۲ لیتر آب فقط برای تامین فعالیت‌های روزانه‌اش نیاز دارد بالا تر بردن این میزان به تدریج می‌تواند به شستن مواد از بدنتان کمک کند.

۴. ویتامین C را اضافه کنید: این ویتامین در بسیاری از میوه‌های تازه و سبزیجات موجود است و به بالا بردن سیستم ایمنی بدن و کمک به سوخت و ساز و دفع مواد به بدن (جلوگیری از بی‌خوابی) و کمک به سولولسازای جدید در بدن می‌کند. همچنین با ایجاد گلوکوتائین ماده‌ای ضروری برای زودن سموم در کبد به پاکسازی کمک می‌کند. پس روزانه می‌توانید تا ۳۰۰۰-۴۰۰۰ میلی گرم از این ویتامین را در

سم زدایی شما را سالم تر می‌کند و می‌توانید از سلامتی خاصی برخوردار باشید ما شش ماده را به شما معرفی می‌کنیم تا بدن خود را به طور طبیعی سم زدایی کنید.

لیمبو: لیمو به دو علت پای ثابت بسیاری از رژیم‌های غذایی برای سم‌زدایی بدن است؛ اول آنکه لیمو سرشار از آنتی‌اکسیدان و ویتامین C است و برای پوست اثر فوق‌العاده‌ای دارد و با بیماری‌های ناشی از رادیکال‌های آزاد مبارزه می‌کند و دوم آنکه اثر قلبیایی بر روی بدن دارد به این معنا که به تعادل PH بدن کمک کرده و موجب تقویت سیستم ایمنی بدن نیز می‌شود.

زنجبیل: اگر غذای خیلی پرچرب خورده‌اید و با گوارش آن مشکل پیدا کرده‌اید خوردن زنجبیل را به شما پیشنهاد می‌کنیم. مصرف زنجبیل نه تنها حالت تهوع را برطرف می‌کند بلکه به عمل گوارش کمک کرده و گاز و نفخ را نیز کاهش می‌دهد. علاوه بر مواردی که ذکر شد زنجبیل حاوی آنتی‌اکسیدان فراوانی است و موجب تقویت سیستم ایمنی بدن نیز می‌شود.

سیر: مصرف سیر نه تنها برای قلب بلکه برای سم‌زدایی بدن نیز بسیار مفید است. این سبزی پرخاصیت حاوی خواص آنتی ویروس، آنتی باکتریال و آنتی بیوتیکی است و همچنین دارای ترکیبی شیمیایی موسوم به آلیسین است که موجب تقویت و افزایش سلول‌های سفید خون می‌شود و در نتیجه به رفع سموم از بدن کمک موثری می‌کند. بهتر است سیر را به صورت خام مصرف کنید.

لیبو: لیبو، سرشار از منیزیم، آهن و ویتامین C است و محققان در تحقیقات اخیر خود این ماده غذایی را به عنوان یک غذای فوق‌العاده عالی اعلام کرده‌اند. لیبو نه تنها برای پوست، مو و تنظیم سطح کلسترول مفید است بلکه برای سم‌زدایی کبد نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. لیبو را به تهیه‌ی و یا درون سالاد ریخته و از خواص مفید آن بهره‌مند شوید.

چای سبز: کمتر برنامه غذایی وجود دارد که در آن چایی برای چای سبز وجود نداشته باشد. مصرف مایعات برای حفظ سلامتی و رفع سموم از بدن بسیار مفید است و چای سبز نیز یکی از فوق‌العاده‌ترین مایعات به شمار می‌رود. این نوشیدنی نه تنها برای کاهش وزن مفید است بلکه سرشار از آنتی‌اکسیدان است. تحقیقات جدید نشان داده نوشیدن چای سبز می‌تواند کبد را از ابتلا به بیماری‌های مختلف از جمله کبد چرب محافظت کند.

ترفند برای داشتن چشمانی سالم

چشمان خود نیز مراقب و هوشیار باشید. صرف زمان زیاد در پشت کامپیوتر و یا دست‌گانهایی همچون تبلت و گوشی‌های هوشمند، می‌تواند به چشم آسیب برساند.

❖ **۸. کلم پیچ بخورید:** سبزیجاتی که دارای برگ‌های سبز هستند، روشی عالی برای مراقبت از سلامت چشم به شمار می‌روند. کلم پیچ، غنی از لوتئین و زیگزانتین است. این دو ماده آنتی‌اکسیدانی قوی بوده و می‌تواند از بروز دژنراسیون ماکولای وابسته به سن جلوگیری کند و روند رشد آب مروارید را آهسته تر کند.

❖ **۹. هویج:** یکی از مواد مغذی که می‌تواند برای سلامت چشم مفید باشد، هویج است. این گیاه سرشار از بتا کاروتن است. اگر این سبزی خوشمزه و ترد را به رژیم غذایی خود اضافه کنید، سطح آنتی‌اکسیدان را در بدن خود افزایش داده‌اید.

❖ **۱۰. از محلول آب نمک استفاده کنید:** یکی از واکنش‌های طبیعی ما به هنگام ورود یک ماده‌ی خارجی به چشم این است که چشم خود را با دست می‌مالیم تا اشک از چشم خارج شود و با خود ماده‌ی خارجی را به بیرون هدایت نماید.

❖ **۱۱. ماهی را از رژیم غذایی خود حذف نکنید:** این یک تصور غلط است که تمامی اسیدهای چرب برای بدن مضراند، در حقیقت برخی از اسیدهای چرب به عنوان کلسترول خوب در نظر گرفته می‌شوند و می‌توانند برای عملکرد بدن مفید باشند.

❖ **۱۲. در معرض اشعه‌ی ماوراء بنفش قرار نگیرید:** وجود اشعه‌ی ماوراء بنفش می‌تواند به چشم آسیب وارد کند. با پوشیدن عینک‌هایی که دارای محافظت از تابش ماوراء بنفش هستند می‌توانید تا حدودی از مضرات آن جلوگیری کنید.

❖ **۱۳. آجیل‌ها:** ویتامین E یک سلاح بسیار مهم برای مبارزه با دژنراسیون ماکولا و سایر بیماری‌های چشمی است. بنابراین اضافه کردن غذاهایی که دارای این ویتامین هستند، می‌تواند به چشم شما کمک کند. آجیل‌ها و دانه‌های گیاهی منبعی عالی برای ویتامین E است. کره بادام زمینی، جوانه گندم و فندق بهترین انتخاب خواهد بود.

❖ **۱۴. تخم مرغ:** بتا کاروتن ماده‌ای است که برای سلامتی چشم بسیار مفید است. اما موارد دیگری نیز وجود دارد که برای سلامتی چشم بسیار مفید خواهد بود.

❖ **۱۵. به هنگام مسافرت هوشیار باشید:** هرگونه تغییر در محیط عمومی می‌تواند به سلامت شما آسیب بزند. به هنگام مسافرت، آب و هوای مختلف، مواد آلوده‌ی زای، سطح تابش خورشید، فعالیت‌های مختلف می‌تواند به چشم آسیب برساند. همیشه مطمئن شوید که از چشم خود در برابر تغییرات محیطی محافظت می‌کنید. مواردی همچون عینک آفتابی، قطره‌ی چشم و غیره را به همراه داشته باشید.

برخی از ترفندهایی که می‌تواند برای داشتن چشمانی سالم به شما کمک کند شامل ویزیت منظم توسط پزشک، انجام ورزش‌های منظم روزانه، محافظت از چشمان در برابر اشعه‌ی ماوراءبنفش، استفاده از محلول نمک در موارد ضروری، کاهش زمان استفاده از کامپیوتر، ترک سیگار، تغییر رژیم غذایی و افزودن موادی همچون کلم پیچ، پرتقال، اسفناج، ماهی و آجیل به رژیم غذایی است. در ادامه با مجله سلامت همراه شوید تا ۱۵ راهکار برای حفظ سلامت چشم‌ها را برای شما عزیزان شرح دهیم.

❖ **۱. ترک سیگار:** سیگار می‌تواند از طریق روش‌های بسیار برای سلامتی شما مضر باشد و یکی از اثرات مهمی که این ماده دارد بر روی چشم انسان است. افزایش سطح مواد سرطان‌زا در بدن افراد سیگاری منجر به شکست سلول‌های بیشتری گشته و رادیکال‌های آزاد را در بدن افزایش می‌دهد و باعث ایجاد سلول‌های سرطانی می‌گردد.

❖ **۲. سطح تماس خود را تغییر دهید:** اگر عینکی هستید و یا از لنز استفاده می‌کنید، مطمئن شوید که آنها را به صورت تمیز نگهداری می‌کنید. به طور منظم، محلول لنز خود را تغییر دهید، شیشه‌های عینک و قاب عینک خود را باید تمیز کنید. این‌ها مکان‌هایی هستند که برای رشد باکتری و سایر مواد خارجی بسیار مناسب و ایده‌آل‌اند. زمانی که می‌خواهید لنزها را به چشم بگذارید حتما دست خود را بشویید.

❖ **۳. بیشتر ورزش کنید:** اگرچه ارتباط مستقیمی بین این دو مورد وجود ندارد اما مطالعات نشان می‌دهد که ورزش منظم و روزانه می‌تواند از گسترش دژنراسیون ماکولا جلوگیری کند.

❖ **۴. پرتقال بخورید:** پرتقال و آب آن به عنوان منبعی عالی از ویتامین C است. اگرچه شما می‌توانید این ویتامین را از منابع دیگری نیز دریافت کنید اما پرتقال ممکن است راحت‌ترین منبع باشد.

❖ **۵. مرتب به چشم پزشک مراجعه کنید:** بهترین راه از اطمینان سلامت چشم، مراجعه‌ی مرتب به چشم پزشک است. در این صورت می‌توانید از سلامت چشمان خود مطمئن شوید. روش‌ها و درمان‌های بسیاری برای بهبود سلامت چشم وجود دارد اما اینکار باید از طریق یک متخصص انجام گیرد.

❖ **۶. صدف:** بیشتر افراد فکر می‌کنند که صدف به عنوان افزایش دهنده‌ی گرایش جنسی مورد استفاده قرار می‌گیرد. صدف سرشار از روی است که می‌تواند برای افزایش دید مفید باشد. این ماده‌ی معدنی همچنین می‌تواند از رشد آب مروارید در چشم جلوگیری کند و یا روند رشد آن را آهسته‌تر نماید. گوشت قرمز، بوقلمون و شیر منابع دیگری هستند که این ماده‌ی معدنی را دارند اما صدف بسیار غنی است.

❖ **۷. زیاد از کامپیوتر استفاده نکنید:** در دنیای مدرن امروزی، ما زمان بسیار زیادی را پای کامپیوتر و لپ‌تاپ می‌گذرانیم. شما باید در مورد

انحراف چشم در کودکان



احمد عاجری چشم پزشک

اگر روزی متوجه تغییر غیرطبیعی چشم فرزند عزیزتان شوید، چه کار می‌کنید؟ آیا شما هم از آن دسته افرادی هستید که به کودک توصیه می‌کنند چند ساعت بخوابد و استراحت کند یا این‌که از او می‌خواهید دستمالی گرم روی چشم‌هایش بگذارند و کمی آرام باشد؟ شاید هم خیلی نگران شوید و سریع به چشم‌پزشک مراجعه کنید. بهتر است بدانید در مورد انحرافات چشمی هم مانند بسیاری از بیماری‌ها مراجعه به موقع به پزشک و شروع درمان موثر می‌تواند از بروز مشکلات جدی‌تر پیشگیری کند. پس اگر متوجه تغییری غیرطبیعی در چشم کودک شدید، حتماً به چشم‌پزشک مراجعه کنید. یکی از شایع‌ترین مشکلات چشمی که کودکان با آن روبه‌رو هستند، تنبلی چشم است که البته بارها درباره آن صحبت شده است. اما علاوه بر آن، انحراف چشم کودکان را هم نباید نادیده گرفت. طبق نظر متخصصان، با پیگیری‌های به‌موقع و مناسب می‌توان از بروز مشکلات جدی چشم پیشگیری کرد. انحراف چشم بیماری‌ای است که در نتیجه وجود اختلال در سیستم اعصاب یا عضلات چشم ایجاد می‌شود، و می‌تواند سبب بروز مشکلاتی جدی برای فرد شود. انحراف چشم می‌تواند باعث بروز اختلال در بینایی کودک به شکل تنبلی چشم شود. زمانی که نوزاد در شرایط عادی و طبیعی متولد می‌شود، همه اعضای بدن یک فرد بزرگسال را دارد؛ دست، پا، زبان، چشم و... اما در دوران نوزادی او قادر نیست از هیچ کدام این اعضا بدرستی استفاده کند. در حقیقت تا تکامل ایجاد نشود، کودک هم نمی‌تواند از اعضای بدنش استفاده کند. چشم انسان هم از این قاعده مستثنا نیست. به این معنی که اگر تصویرها واضح و دقیق روی شبکیه ایجاد نشود، سیستم بینایی هم برای دیدن تحریک نمی‌شود؛ در این شرایط تنبلی چشم بروز می‌کند. برای این‌که مغز نتواند درک درستی از تصویرهای دریافتی داشته باشد، باید تصویری واضح و روشن همزمان روی دو چشم ظاهر شود. اما زمانی که مشکلی مانند انحراف وجود داشته باشد، این سیستم مختل می‌شود. بنابراین تنبلی چشم – که یک اختلال تکاملی است – ناشی از وجود اختلال در ایجاد تصویر روی هر دو چشم است. زمانی که متوجه ایجاد این اختلال شوید، باید آن را درمان کنید تا تنبلی چشم هم درمان شود. این نکته ریزم موفقیت درمان است و به همین دلیل درمان در سنین پایین‌تر نتیجه بهتری خواهد داشت. انحراف چشم می‌تواند به شکل مادرزادی یا اکتسابی بروز کند؛ انحراف چشم مادرزادی در ۵ تا ۶ ماه اول تولد اتفاق می‌افتد و اگر بعد از این سنین نمایان شود، اکتسابی است. اگر انحراف چشم مادرزادی باشد، معمولاً در ۵، ۶ ماه اول زندگی نوزاد تشخیص داده و درمان می‌شود، اما گاهی زمان زیادی از ایجاد این مشکل می‌گذرد و والدین با تشخیص انحراف در چشم کودک به پزشک مراجعه می‌کنند. این عضو حیات علمی دانشگاه علوم پزشکی تهران در این باره توضیح می‌دهد: در چنین شرایطی اگر مشکل اصلی تشخیص داده و کودک درمان شود، براحتی می‌توان از بروز تنبلی و انحراف چشم جلوگیری کرد. در صورت مراجعه و تشخیص به موقع می‌توان به درمان تنبلی و انحراف چشم امیدوار بود. تنها نشانه‌ای که والدین می‌توانند متوجه وجود انحراف چشم کودک شوند، تغییر ظاهری چشم‌هاست. وی توضیح می‌دهد: گاهی نیز ظاهر چشم کودک نشان‌دهنده انحراف است، ولی در اصل هیچ مشکلی وجود ندارد که به این شرایط، انحراف کاذب می‌گوییم.

مراقبت‌های لازم بعد از سزارین

عمل جراحی سزارین درد زیادی را برای مادر به همراه دارد و مادرانی که از مراقبت پس از زایمان اطلاع کافی ندارند در نحوه کنترل این درد و تغذیه کودک با مشکلاتی رو به رو می‌شوند. با رعایت نکاتی که در ادامه گفته می‌شود از اولین روزهای تولد کودک خود لذت ببرید.

تمام نکاتی که باید در مورد مراقبت‌های بعد از سزارین بدانید را در ادامه ببینید. مادر شدن از زیباترین دوران زندگی هر زنی به شمار می‌رود اما ترس از دردهای زایمان و گاهی مشکلات پس از آن در سالهای اخیر بسیاری از مادران را بر آن واداشته که به انجام عمل جراحی سزارین تن در دهند. سزارین نوعی عمل جراحی است که در آن با برش دادن بخشی از پوست شکم، رحم باز شده و بعد از اینکه مادر تحت بیهوشی عمومی قرار می‌گیرد یا از ناحیه کمر بی‌حس می‌شود، جنینش به دنیا می‌آید.

پس از عمل جراحی سزارین و ترخیص مادر و فرزند از بیمارستان مراقبت از آنان در منزل باید ادامه پیدا کرده تا به راحتی این دوران را طی کنند.

در مراقبت پس از سزارین نکات زیر ضروری بوده و انجام آنها به بهبود وضعیت مادر و نوزاد کمک‌های شایانی می‌کند:

تغذیه مادر پس از سزارین

توصیه می‌شود تا سه روز پس از سزارین از خوردن غذاهای نفاخ مثل میوه خام، آب میوه خام، آب میوه‌های کارخانه‌ای چون ساندیس و ...، حبوبات، پلو و خورشت بپرهیزید. غذاهایی چون کباب، جوجه کباب، گوشت یا مرغ آب‌پز و سبزیجات پخته مثل هویج، کدو، سیب زمینی و آب رقیق کمپوت مناسب‌ترند. در صورت بیوست از روغن زیتون، آلوخشک و انجیرخشک خیس کرده استفاده شود. سعی کنید آب به میزان کافی مصرف نمایید، چرا که به رفع بیوست کمک می‌کند. از طرفی، به علت شیردهی و خونریزی نیز به جایگزینی مایعات بدن نیاز دارید. هنگام دفع ادرار و اجابت مزاج، برای جلوگیری از فشار به محل بخیه، از توالت فرنگی استفاده شود.

میزان فعالیت بدنی پس از سزارین

سعی کنید مرتباً راه بروید، چرا که راه رفتن هم از نفخ شما جلوگیری می‌کند و هم از بیوست. به خاطر داشته باشید استراحت کافی، در فواصل فعالیت، به تسریع بهبودی دوران پس از زایمان کمک می‌کند. سعی کنید در ساعتی که نوزاد خواب است شما نیز استراحت نمایید و از دیدن نوزاد خود

طولانی بستگان حتی الامکان بپرهیزید. کار سنگین در منزل انجام ندهید. برخی پزشکان به استفاده از شکم‌بند اعتقاد ندارند. چنانچه شکم بزرگ باشد، می‌توان آن را با پارچه (مثل شال پارچه‌ای) بست.

زمان شروع ورزش پس از سزارین

معمولاً اجازه انجام ورزش از روز دهم به بعد، در اولین ویزیت پزشک معالج توسط پزشک معالج، به فرد داده می‌شود.

شیردان به نوزاد پس از سزارین

مرتب از هر دو سینه به نوزاد شیر بدهید. در صورت حالات غیر عادی در سینه مثل سفتی سینه، درد، قرمزی و تب به پزشک معالج خود اطلاع دهید و به بیمارستان مراجعه نمایید. همچنین شستشوی نوک سینه با آب ولرم، قبل و پس از هر بار شیردهی به منظور پیشگیری از آلودگی لازم است.

مصرف داروها

داروهای تجویز شده را کاملاً استفاده نمایید.

ضد عفونی کردن پانسمان

در صورتیکه پانسمان شما ضد آب است حمام کردن به مدت کوتاه و استفاده اشکالی ندارد و اگر پانسمان شما ضد آب نیست تا سه روز نباید با آب تماس پیدا کند.

روز سوم پانسمان روی زخم را بردارید و پس از یک دوش کوتاه و ایستاده بخیه‌های محل عمل را با شامپو (ترجیحاً شامپو بچه) بشویید و با ششو خشک کنید. از این به بعد باید روزانه این محل شسته و خشک گردد.

انجام معاینه مادر و نوزاد توسط پزشک

در صورت مشاهده تب، التهاب ناحیه جراحی (یعنی قرمزی، درد، ترشح، تب و خونریزی شدید و غیرعادی به بیمارستان مراجعه نمایید. بین ۷ تا ۱۰ روز پس از عمل به پزشک معالج خود مراجعه کنید و بین ۳ تا ۴ روز پس از زایمان نوزاد خود را برای آزمایش غربالگری به مرکزی که قبلاً به شما معرفی شده ببرید. گاهی ممکن است خونریزی بعد از سزارین در حد بیشتر از خونریزی قاعدگی باشد که طبیعی است ولی خونریزی بعد از ۴۰ روز غیر طبیعی است و باید به پزشک مراجعه شود. در صورت بروز هرگونه تب تورم ترشح و کبودی محل عمل و یا خونریزی شدید از رحم یا تورم و قرمزی در پستان یا تورم و درد غیر قرینه در پاها پزشک خود را مطلع سازید.



سزارین خوب است؟



دکتر یوسف مهدی زاده
متخصص بیماری‌های زنان

سزارین عملی است که در ایران متأسفانه بسیار روند صعودی را در پیش گرفته است و بنا به دلایل مختلف این عمل برای بدنیا آمدن بچه انجام می‌شود. اما در بعضی از موارد دکتر فرد باردار ناچار به عمل

سزارین می‌شود تا فرزند را سالم و زنده بدنیا آورد که این یک نکته بسیار خوب است اما بسیاری از خانمها برای رهایی از درد زایمان به سمت این عمل می‌روند. از تمام این موارد گذشته عمل سزارین شاید با خود عوارضی را بدنبال داشته باشد که در ادامه و در بخش کودک آکایران به آن می‌پردازیم و موضوع سزارین و مراقبت‌های پس از آن را از زبان متخصص بیماری‌های زنان جویا می‌شویم. با ما همراه باشید. امروزه آمار سزارین در میان زنان باردار افزایش یافته و بسیاری از مادران تصور می‌کنند که با انجام این نوع

زایمان دیگر درد شدیدی زایمان طبیعی را تجربه نمی‌کنند، در حالی که این طور نیست و بعد از سزارین هم عوارضی وجود دارد که برای حل آنها باید نکاتی را بدانید. به طور معمول بیماری‌هایی که تحت جراحی سزارین قرار می‌گیرند تا ۲ روز بعد از جراحی در بیمارستان می‌مانند و این بستگی به وضعیت آنها و نظر پزشک دارد. پرستار در ابتدا هر ساعت یک بار طبق دستور پزشک به بیمار سر می‌زند و وضعیت مادر را کنترل می‌کند. علائم حیاتی چک می‌شود. شکم لمس می‌شود تا میزان سفتی رحم مشخص شود. همچنین میزان خون ریزی کنترل شده و به اطلاع پزشک می‌رسد.

ممکن است مادر دارای ترشحات خونی از واژن باشد که اولین بار که از جا برمی‌خیزد مقدار زیادی از این ترشحات خونی دفع شوند که ۳ تا ۴ روز اول به رنگ قرمز روشن است. نحوه سرفه کردن و تمرینات تنفسی به مادر آموزش داده می‌شود تا مایعات جمع شده در ریه‌ها تخلیه شود. این امر در صورتی که بی‌هوشی شما از نوع عمومی بوده باشد بسیار حایز اهمیت است. دقت کنید که هنگام سرفه (و نیز عطسه و خنده) دست‌ها یا یک بالش کوچک را روی شکم بگذارید. اگر همه چیز نرمال باشد، سرم و سوند ادراری در عرض ۱۲ ساعت پس از جراحی برداشته خواهد شد. پس از سزارین شما نیز مثل زایمان طبیعی با درآغوش گرفتن فرزندتان احساس سرخوشی و در عین حال خستگی خواهید داشت ولی هم‌زمان زخمی هم روی شکم دارید و در دوره نقاهت پس از یک جراحی شکمی بزرگ هستید.

اگر برای سزارین تحت بی‌هوشی عمومی قرار گرفته‌اید نیاز به مسکن دارید. ممکن است بلافاصله پس از جراحی به شما داروهای مسکن تزریقی تجویز شود. ممکن است هر چند ساعت داروی ضد درد به صورت تزریق یا شیاف دریافت کنید. در هیچ شرایطی از اینکه درخواست مسکن کنید، خجالت نکشید. هر چه بیشتر صبر کنید، کنترل درد مشکل‌تر می‌شود. به علاوه، هر چه راحت‌تر و آرام‌تر باشید، شیر دادن و به راه افتادن برای خودتان آسان‌تر خواهد بود ولی اگر به روش موضعی اپیدورال سزارین شده‌اید معمولاً کاتتر اپیدورال به پمپ مسکن متصل است و تا ۲۴ ساعت بعد از سزارین کاملاً بدون درد خواهید بود و سپس کاتتر خارج خواهد شد. معمولاً نیازی به آنتی‌بیوتیک ندارید، مگر اینکه پزشک معالج تجویز کرده باشد. ممکن است بلافاصله پس از جراحی احساس گیجی و تهوع داشته باشید که این تهوع حتی ممکن است ۴۸ ساعت هم طول بکشد ولی اگر همراه با بی‌حالی و سرگیجه مداوم بود باید به پزشک ارجاع دهید. برخی مادران ممکن است احساس خارش بدن را داشته باشند، مخصوصاً آنهایی که از طریق اپی‌دورال یا اسپینال بی‌حسی دریافت کرده‌اند. در این صورت باید به پزشک اطلاع دهید تا داروی ضدخارش برای تان تجویز کند.

اقتصادی

غلامرضا مصباحی مقدم

در گفت و گو با «افق تازه»:

شیوه کنونی
پرداخت یارانه‌ها،
خیانت ملی است



محمد قلی یوسفی در گفت و گو

با «افق تازه» مطرح کرد

رفراندوم
یارانه‌ها
بزرگ‌ترین اشتباه



دکتر محمد خوشچهره

در گفت و گو با «افق تازه» مطرح کرد

یارانه
دارویی
موقت



پرونده ویژه «افق تازه» از بزرگ‌ترین جراحی اقتصادی ایران هدفمندی یارانه‌ها؛ مصرف‌گرایی تن‌پرورانه یا گامی در جهت توسعه

بدون شک طرح هدفمند کردن یارانه‌ها را باید مهم‌ترین طرح دهه اخیر در ایران دانست. به همین دلیل ما در این پرونده به بررسی این طرح از آغاز تا به امروز پرداخته‌ایم. شاید برخی گمان کنند که پرداخت یارانه‌ها از دولت دهم شروع شده است، اما بد نیست بدانید که موضوع هدفمند کردن یارانه‌ها اولین بار در برنامه دوم توسعه کشور مطرح شد؛ البته بعد از مدتی و در دهه ۷۰، با مطرح شدن گرایش به سیاست‌های تعدیل اقتصادی زمزمه‌هایی درباره حذف یارانه‌ها در کشور آغاز شد. در برنامه سوم و چهارم توسعه، یعنی از سال ۷۹ تا ۸۸ بحث هدفمند کردن یارانه‌ها دوباره و به صورت جدی‌تری شروع شد؛ اما در این دوران به دلیل مشکلاتی از قبیل عدم شناسایی اقشار آسیب‌پذیر و عدم وجود آمار درآمدی دهک‌های مختلف این طرح اجرا نشد.



گفت و گو:
حدیثه حقیقی

یارانه

بر اساس آمارهای موجود، در برنامه‌های اول، دوم و سوم توسعه، بیشتر یارانه‌ها به بخش کشاورزی، به خصوص گندم اختصاص داشت. در برنامه چهارم توسعه، با توجه به یارانه‌های انرژی، میزان یارانه‌های پرداختی رشد پیدا کرد، به طوری که سهم قابل توجهی از هزینه‌های عمومی دولت را دربر گرفت. از دلایل این رشد می‌توان به افزایش قیمت نفت، الگوی مصرف غلط و بازدهی پایین در بخش انرژی اشاره کرد. آنچه که بیشتر مردم به عنوان هدفمندی یارانه‌ها می‌شناسند، به طرح کلان اقتصادی که از سوی محمود احمدی‌نژاد در بهمن سال ۸۶ مطرح شد، مربوط می‌شود. طرحی که با وجود اختلافات موجود، سرانجام مجلس وقت در زمستان سال ۸۸ آن را تصویب کرد. شاید به همین دلیل است که هدفمندی یارانه‌ها را چالش برانگیزترین طرح در حوزه سیاست و اقتصاد ایران در دهه اخیر می‌دانند. هدفمندی یارانه‌ها یکی از زیرمجموعه‌های طرح تحول اقتصادی بود که از سوی دولت نهم در بهمن سال ۸۶ و در هفت حوزه اقتصادی مطرح شد. اما این طرح به صورت جدی در سال ۸۹ به مرحله اجرا درآمد. برخی هدفمندسازی یارانه‌ها را بزرگ‌ترین طرح تاریخ اقتصادی ایران می‌دانند.

این طرح سال‌ها مورد بررسی کارشناسان این حوزه قرار گرفت، چرا که برخی اعتقاد داشتند شرایط زندگی مردم به گونه‌ای شده است که باید آنها را از یکدیگر تفکیک کرده و برخی را مورد حمایت قرار داد. علاوه بر این عده‌ای عقیده داشتند، عدم پرداخت یارانه نقدی برخی خانوارها را بر مصرف کرده است و شرایط نامساعدی را در جامعه به وجود آورده است، که از جمله این شرایط می‌توان به، افزایش چشم‌گیر فاصله بین قیمت‌های یارانه‌ای و قیمت‌های واقعی و در نتیجه فشار بیشتر بر منابع عمومی بودجه دولت، شکل‌گیری فعالیت‌های فاقد مزیت اقتصادی، تورم دو رقمی، رشد پایین اقتصادی، بهره‌وری پایین عوامل تولید، ناکارایی نظام بانکی، ضعف در بخش خصوصی، قدرت خرید پایین، اختلاف طبقاتی، فساد اقتصادی، عدم شفافیت

اقتصادی و... اشاره کرد. از این رو عده‌ای بحث هدفمند کردن یارانه‌ها را برای کشور امری ضروری قلمداد می‌کردند، چرا که این افراد اعتقاد داشتند، با اجرایی کردن طرح هدفمندی یارانه‌ها می‌توان، از گسترش فقر و بحران‌های اجتماعی جلوگیری کرد، همچنین اقشار آسیب‌پذیر را مورد حمایت قرار داد و به تولید برخی کالاها و خدمات و ایجاد ثبات اقتصادی و کنترل قیمت‌ها و نیز به بهبود توزیع درآمد، کمک شایانی کرد، علاوه بر این، طرح فوق می‌تواند به توسعه زیرساخت‌های اقتصادی، صنایع روبه انقراض یا ایجاد صنایع جدید، حفاظت از محیط زیست و... کمک کند. یکی از مسایلی که در این دوره مطرح شد، بحث پرداخت هزینه انرژی‌ها از سوی خانوارها بود، که برخی عقیده داشتند پرداخت یارانه در این زمینه باعث شده است که برخی خانوارها مصرف‌گرا شوند، در این زمینه وزیر نیرو، اعتقاد داشت تا قبل از هدفمندی یارانه‌ها قیمت تمام شده تولید برای هر کیلووات ساعت برق حدود ۶۸ تومان است که وزارت نیرو تنها ۴۳ تومان به‌طور متوسط از مشترکان دریافت می‌کند و حدود ۱۷ تومان از آن را به‌عنوان سهم هدفمندی یارانه‌ها به ستاد مربوطه پرداخت می‌کند، یعنی وزارت نیرو ۲۶ تومان از مشترک برای فروش برق دریافت می‌کند که یک‌سوم هزینه می‌شود. بد نیست بدانید که، تفاوت بهای تمام شده حقیقی کالا یا خدمات، که توسط دولت تعدیل می‌گردد سهم دولت نامیده می‌شود؛ لذا برای دست‌یابی به عدالت اجتماعی دولت برای رفاه حال عمومی مردم، به خصوص قشرهای کم‌درآمد یا بدون درآمد، یارانه پرداخت می‌کند و یا حقوق و درآمد قشرهای کم‌درآمد و یا فاقد درآمد را به‌حدی می‌رساند که توان تهیه مایحتاج خود را نسبت به قیمت تمام شده کالا و خدمات مورد نیاز داشته باشند. اما داستان هدفمندی یارانه‌ها به همین جا ختم نمی‌شود چرا که، این طرح نیز مانند بسیاری از طرح‌های دیگر مخالفان و موافقانی دارد که هر کدام از آنها نیز برای خود استدلالی منطقی بیان می‌کنند. به عنوان مثال، عباس‌علی ابونوری، از کارشناسان موافق این طرح در یکی از مصاحبه‌های خود در خصوص مزیت‌های هدفمندی عنوان کرده است: در این طرح کالاها قیمت واقعی خود را نشان می‌دهند و با اجرای لایحه هدفمند کردن یارانه‌ها، اقتصاد کشور در مسیر واقعی خود قرار می‌گیرد و می‌توان شاهد تحول در اقتصاد کشور از جمله اصلاح سازوکار مالیاتی، قوانین پولی و بانکی و اصلاح شبکه توزیع و رشد بلندمدت اقتصادی بود. این طرح در کوتاه‌مدت آثار مثبتی را به‌همراه

ندارد اما در بلندمدت این معایب جبران می‌شود و اثرات تورم‌زایی آن از بین می‌رود. اما همان‌طور که اشاره شد، این طرح مخالفان زیادی داشت که بیشتر آنها تورم‌زا بودن این طرح را بسیار بالا می‌دانستند. تورمی همراه با رکود که رشد آرام اقتصاد فعلی را کندتر خواهد کرد. این تورم ناشی از افزایش قیمت کالاهای یارانه‌ای به‌ویژه حامل‌های انرژی است که موجب افزایش هزینه تولید و در نتیجه کاهش تولید می‌شود. رقم پیش‌بینی شده تورم از نظر کارشناسان منتقد ۶۰ درصد و حتی گاهی اوقات در حالت بدبینانه‌تری تا ۷۰ درصد تخمین زده شده بود، این در حالی است که از نظر دولت این رقم تنها ۲۰ یا ۳۰ درصد خواهد بود. انتقادهایی از این دست هنوز هم ادامه دارد؛ به عنوان مثال، برخی دیگر از کارشناسان عقیده دارند، عدم پرداخت یارانه‌های نقدی تحت هر شرایطی بهتر از پرداخت یارانه نقدی است، چرا که هزینه پرداخت نقدی یارانه‌ها به مراتب سنگین‌تر از پرداخت این نوع یارانه به‌صورت مستقیم است. از جمله استدلال‌هایی که این گروه عنوان می‌کنند این است که، حذف ۹۰ هزار میلیارد تومان یارانه‌ها در بودجه رقمی نیست که به راحتی بتوان آن را در اقتصاد کشور نادیده گرفت، چرا که حذف ارقام ناگهانی و بزرگ قابل مدیریت نیست. حذف یک‌باره یارانه‌ها به خصوص در برخی از کالاها که نقش اساسی دارد، بسیار خطرناک است. با گران شدن کالایی مانند بنزین کالاهای دیگر نیز گران خواهند شد. در مجموع حذف یارانه‌ها، بدون پرداخت نقدی بهترین روش است اما اگر در مدت سه یا چهار سال پیاده شود. به عبارت دیگر پیشنهاد این افراد به دولت تدبیر و امید این است که، حذف تدریجی بهترین روش و بهتر از پرداخت نقدی یارانه‌ها و حذف یک‌باره یارانه‌هاست. بعد از گذشت چند سال از پرداخت یارانه‌ها توسط دولت، باز هم عده‌ای اعتقاد دارند که بهتر است یارانه‌ها قطع شود و می‌گویند جلوی ضرر از هر کجا گرفته شود، منفعت است. اما برخی دیگر عقیده‌ای مخالف این گروه دارند و عنوان می‌کنند؛ مردم دخل و خرج خود را با یارانه نقدی تنظیم کرده‌اند. عدم ادامه پرداخت یارانه نقدی تبعات سیاسی- اجتماعی نامطلوبی دارد. طراحی سیستمی به‌منظور پرداخت یارانه به بخشی از مردم بسیار مشکل است، بنابراین چاره‌ای جز پرداخت یارانه نقدی به همه مردم نیست. اینکه در پیام کدام گروه (موافقان یا مخالفان) نظر درستی را ارایه می‌دهند؛ مساله‌ای است که نیاز به تفکر فراوان دارد، چرا که هدفمندی یارانه‌ها مانند هر طرح دیگری معایب و مزایای بی‌شماری

دارد؛ بدون شک قانون هدفمندسازی یارانه‌ها به‌شرط تدوین و اجرای صحیح، مزایای فراوانی برای رشد و توسعه اقتصادی کشور به‌همراه دارد؛ از جمله این مزایا می‌توان مواردی نظیر؛ افزایش کارایی و بهره‌وری، اصلاح الگوی مصرف، کاهش دخالت دولت در نظام قیمت‌ها، افزایش رفاه ناشی از انتخاب مصرف‌کننده، سوق دادن اقتصاد کشور به سمت رقابتی‌تر شدن، کاهش اتلاف منابع، کاهش اقتصاد زیرزمینی، کاهش فاصله طبقاتی، بهبود وضع بازنشستگان و اصلاح قیمت‌ها، استفاده از انرژی‌های جدید مانند برق هسته‌ای، افزایش توان صادراتی کشور به‌خاطر کنترل رشد مصرف داخلی، کاهش هزینه‌های دولت، تشویق و توسعه سرمایه‌گذاری، کاهش ضایعات کالاهای مختلف، کاهش وابستگی دولت به درآمدهای نفتی، سازماندهی نظام حمایت از حقوق مصرف‌کننده و... را برشمرد. علاوه بر این نباید فراموش کرد که این طرح می‌تواند موجب افزایش شفافیت در اقتصاد کشور شود، همچنین با نقدی کردن یارانه‌ها، آزادسازی قیمت‌ها در اقتصاد کشور برای برخی کالاها برقرار می‌شود. با آزادسازی قیمت کالاهای یارانه‌ای و واقعی شدن قیمت آنها، زمینه‌ای برای رقابت در تولید کالاهای یارانه‌ای فراهم می‌شود. البته همان‌طور که گفته شد این طرح معایبی دارد که بیشتر مورد توجه منتقدان است، به‌عنوان مثال، اجرای این طرح نوعی مصرف‌گرایی تن‌پرورانه را در پی خواهد داشت، طوری که مضمولین طرح در نهایت به‌جای فعالیت‌های سازنده اقتصادی عادت به مفت‌خوری خواهند کرد. این طرح به‌جای اینکه ماهیگیری را یاد دهد، ماهی آماده را به مردم می‌دهد. همچنین، اجرای هدفمندی یارانه‌ها افزایش حجم نقدینگی و به تبع آن افزایش نرخ تورم را در پی دارد و باعث به‌هم زدن سبب مصرفی خانوارها، تضعیف قدرت رقابتی واحدهای تولیدی داخل در برابر رقبای خارجی، آشکار نمودن تورم نهفته در اقتصاد، ایجاد خدشه در اعتماد ملی به نظام، افزایش سطح عمومی قیمت‌ها و... نیز می‌شود.

برخی عقیده دارند که برای پیشرفت اقتصادی کشور و برقراری عدالت در کشور، می‌توانستند طرح‌های بهتری تهیه و اجرا کنند؛ به‌عنوان مثال اگر هدف جلوگیری از هدر رفت منابع بود می‌توانستند در جهت بهینه‌سازی مصرف سوخت خودروهای فرسوده را رایگان با خودروهای استاندارد عوض کنند، با یک حساب سرانگشتی می‌توان دریافت که اجرای این طرح هم از هدر رفت منابع انرژی جلوگیری می‌کرد و هم با نوعی تکریم و عزت اجتماعی نیز همراه می‌شد. در حال

حاضر ما در فاز دوم اجرای این قانون قرار داریم. مردم در انتظار هستند، تا ببینند دولتی که عنوان تدبیر و امید را برای خود برگزیده است، آیا می‌تواند میراث دولتی را که به لحاظ فکری با آن فاصله دارد، به مسیری که خود صلاح می‌داند هدایت کند؟ پیش‌بینی می‌شود، دولت در فاز دوم هدفمندی یارانه‌ها حدود ۲۰ هزار میلیارد تومان درآمد اضافه از محل افزایش قیمت حامل‌های انرژی نسبت به فاز اول به‌دست بیاورد. درآمدهای ناشی از افزایش قیمت برق از این درآمدها مستثنا شده‌اند. بر اساس محاسبات انجام شده درباره چهار حامل گاز طبیعی، نفت سفید، نفت کوره و گاز مایع LNG، قیمت‌های اعلام شده برای این حامل‌ها بیش از چهار هزار میلیارد تومان درآمد اضافه برای دولت ایجاد نخواهد کرد. در صورتی که دولت قصد داشته باشد یارانه نقدی و سایر یارانه‌های مندرج در قانون، مانند یارانه تولید و سلامت را از محل افزایش قیمت حامل‌های انرژی بردارد؛ دولت با اجرای فاز دوم و با احتساب منابع حاصل از انصراف مردم و با فرض ثابت ماندن میزان یارانه نقدی، می‌تواند یارانه نقدی را به‌طور کامل از محل افزایش قیمت حامل‌های انرژی در فاز اول و دوم بردارد و پنج هزار میلیارد تومان نیز از محل این درآمدها برای دیگر مصارف اعم از یارانه تولید، سلامت و بیمه بیکاری در اختیار خواهد داشت که این رقم کمتر از مجموع مصارف پیش‌بینی شده برای این بخش‌ها است.

غلامرضا مصباحی مقدم رئیس کمیسیون برنامه و بودجه مجلس، معتقد است، در صورت صحت قیمت‌های غیر رسمی اعلام شده برای بنزین و گازوئیل، تاثیر این میزان افزایش قیمت بر کاهش مصرف نزدیک به صفر خواهد بود و در خوش‌بینانه‌ترین حالت میزان مصرف حامل‌های انرژی در همین میزان حفظ خواهد شد. در این صورت، با فرض افزایش ۳۰۰ تومانی قیمت هر لیتر بنزین سهمیه‌بندی و آزاد و رسیدن قیمت آنها به ترتیب به ۷۰۰ و ۱۰۰۰ تومان و همین‌طور با فرض

ثابت ماندن مصرف این حامل انرژی حدود ۷۰ میلیون لیتر در روز، دولت از محل افزایش قیمت بنزین درآمدی نزدیک به هفت هزار و ۶۶۵ میلیارد تومان خواهد داشت. در عین حال اگر قیمت گازوئیل نیز به‌طور متوسط برای همه مصارف ۱۰۰ تومان در هر لیتر افزایش یافته و از ۱۵۰ به ۲۵۰ تومان در هر لیتر برسد، مصرف ۱۰۵ میلیون لیتر در روز گازوئیل با قیمت‌های جدید ۳ هزار و ۸۳۲ میلیارد تومان درآمد جدید برای دولت ایجاد خواهد کرد. بر این اساس دولت در مجموع از اجرای فاز دوم هدفمندی یارانه‌ها حدود ۱۵ هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان درآمد جدید خواهد داشت که با رقم ۴۸ هزار میلیارد تومان پیش‌بینی شده در قانون بودجه، چهار هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان فاصله دارد. در عین حال از محل اجرای فاز اول هدفمندی یارانه‌ها ۲۸ هزار میلیارد تومان درآمد نصیب دولت می‌شود اما مصارف آن ۴۲ هزار میلیارد تومان در نظر گرفته شده است که کسری ۱۴ هزار میلیارد تومانی آن از طریق دیگر بندهای قانون بودجه تامین می‌شود. علاوه بر این، منابع دولتی می‌گویند حدود ۲ میلیون خانوار، معادل شش میلیون نفر از دریافت یارانه نقدی انصراف داده‌اند که این انصراف نیز حدود سه هزار و ۲۰۰ میلیارد تومان منابع برای دولت ایجاد می‌کند. وزیر امور اقتصادی و دارایی اعتقاد دارد، دولت سالانه ۴۲ هزار میلیارد تومان یارانه نقدی می‌پردازد؛ در حالی که تنها ۲۸ هزار میلیارد تومان از طریق افزایش نرخ سوخت، افزایش درآمد داشته است. بر اساس قانون بودجه سال ۱۳۹۲ دولت تنها مجاز است نیمی از آن (یعنی ۱۴ هزار میلیارد تومان) را صرف پرداخت یارانه نقدی کند. در قانون بودجه سال ۹۰ در مجموع ۵۴۰ هزار میلیارد ریال درآمد حاصل از اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها در نظر گرفته شده است اما با توجه به پرداخت نقدی حدود ۴۵ هزار تومان به حدود ۷۳ میلیون نفر در هر ماه در مجموع مبلغی در حدود ۴۰۰ هزار میلیارد از کل این منابع صرف پرداخت‌های نقدی می‌شود. مرکز پژوهش‌های مجلس با انتشار گزارشی ریز، کسری بودجه اجرای هدفمندی

یارانه‌ها را این‌چنین برشمرده است، دولت برای پرداخت یارانه نقدی در سال ۱۳۹۲ از محل افزایش قیمت حامل‌های انرژی حدود ۱۱۵ هزار میلیارد ریال کسری داشته است ولی با توجه به مجوزهای موجود در قانون بودجه ۱۳۹۲ برای استفاده از منابع مربوط به یارانه نان، برق و سایر کالاها و خدمات مندرج در قانون بودجه (حدود ۱۱۲ هزار میلیارد ریال) به‌عنوان منابع سازمان هدفمندی، این کسری در نهایت به حدود سه هزار میلیارد ریال کاهش یافته است. بنا به ادعای مدیران دولتی از جمله مدیران نفتی این کسری در سال ۹۳ کاهش یافته است، کما اینکه در سال ۹۳ علاوه بر افزایش ۲۰ درصدی قیمت گاز، با دو ابلاغ معاون اول رئیس‌جمهور سهمی کمتر از قبل از درآمدهای گاز به حساب هدفمندی یارانه‌ها واریز شده و سهم بیشتری نصیب شرکت ملی گاز شد. با تمام معایب و انتقادهایی که از این طرح شد، هدفمندی یارانه‌ها سال‌هاست که در کشور اجرا می‌شود، اما آیا این طرح به نتایج و اهداف مورد نظر خود دست پیدا کرده است؟ بدنیست بدانید که در کشور ما با توجه به اقتصاد تک‌محصولی‌اش، با هدفمندسازی یارانه‌ها و اصلاح قیمت حامل‌ها، منابع قابل توجهی آزاد خواهد شد که دولت می‌توانست این منابع را صرف برنامه‌های توسعه‌ای و اجتماعی خود کند. همچنین قانون هدفمندکردن یارانه‌ها می‌تواند اتکالی دولت به درآمد نفت را کاهش دهد و دامنه قاچاق کالا و مواد را محدودتر سازد. اما در مقابل، لایحه هدفمندسازی یارانه‌ها و در نتیجه پرداخت نقدی آن بر اساس دیدگاه اکثر کارشناسان باعث افزایش تورم در کشور و در نتیجه انتقال اثرات تورمی آن بر اقشار کم‌درآمد شد. افزایش رشد ۴۸ درصدی قیمت اقلام خوراکی خود شاهدهی بر این ادعاست. بر این اساس، طرح نقدی کردن یارانه‌ها از یک طرف سبب کاهش رفاه مصرف‌کننده در کوتاه‌مدت شد و از طرف دیگر تأثیری بر کاهش کسری بودجه دولت که یکی از بزرگترین مشکلات اقتصاد کشور است، نداشت. علاوه بر اثر تورمزایی که در بالا به آن اشاره شد؛ می‌توان به آثار مثبت و منفی دیگری نیز اشاره کرد. زینب گل‌محمدیان دکترای اقتصاد و پژوهش‌گر دانشگاه «سانتا کروز» ایالت کالیفرنیا آمریکا به ارزیابی رفتار مصرفی خانواده‌های ایرانی پس از هدفمندی یارانه‌ها پرداخت. براساس مطالعه این پژوهش‌گر اجرای طرح هدفمندی یارانه‌ها توانسته است گرایش خانواده‌های ایرانی به استفاده از سیستم حمل‌ونقل عمومی را افزایش دهد. افزایش قیمت سوخت و حامل‌های انرژی موجب شده است تمایل

خانواده‌های ایرانی برای استفاده از خودرو شخصی حدود ۱۷ درصد کاهش پیدا کند. در رابطه با اثر منفی این طرح می‌توان به گزارش وزیر صنعت، معدن و تجارت، اشاره کرد؛ طبق این گزارش بعد از اجرای طرح هدفمندی یارانه‌ها ۱۴ هزار واحد تولیدی به‌صورت کامل تعطیل شده است که این اتفاق تعداد زیادی از افراد را بیکار کرده است. پیش‌بینی عده‌ای از کارشناسان در مورد تورم‌زا بودن این طرح درست از آب درآمد، به‌همین دلیل برخی به دولت پیشنهاد کرده‌اند که راه‌کارهایی که کمتر باعث افزایش تورم می‌شود را در اولویت کارهای خود قرار دهد. درست است که دولت بابت یارانه‌های آب، برق و گاز مصرفی خانوارها هزینه‌های زیادی را متحمل می‌شد که این موضوع در نهایت باعث اسراف‌کاری‌هایی نیز در بین مصرف‌کنندگان شده بود. اما به‌جای پرداخت نقدی این یارانه‌ها می‌توان الگو یا الگوهای مصرفی برای خانوارها تعریف کرد، به این صورت که خانوارها در صورت رعایت الگوهای مزبور از پرداخت بهای کالاها و خدمات مصرفی معاف شوند و برای مصارف بیشتر از الگوهای معرفی شده، حد حایلی تعیین شده و در این محدوده، بهای مناسب آن از مصرف‌کنندگان دریافت شود اما مصرف‌کنندگانی که بیشتر از حد مشخص شده استفاده می‌کنند، همچنین تمامی مصرف‌کنندگان بخش خدماتی کشور، باید قیمت تمام شده تمامی کالای مصرفی خود را پرداخت نمایند و از هیچ معافیت یا تخفیفی برخوردار نباشند. در این شیوه بی‌آنکه پایه پولی کشور افزایش یابد، یارانه مصارف خانگی این کالاها تا حد زیادی عادلانه توزیع خواهد شد.



غلامرضا مصباحی مقدم در گفت و گو با «افق تازه»:

شیوه کنونی پرداخت یارانه‌ها، خیانت ملی است

وابستگی اقتصاد کشور به درآمدهای نفتی و نوسانات شدید قیمت آن در سال‌های اخیر، برنامه‌ریزی و پیش‌فرض‌های نحوه اصلاح ساختار اقتصادی کشور را با تغییرات اساسی مواجه کرده و بی‌شک با توجه به روند کاهش درآمدهای ارزی حاصل از فروش نفت نمی‌توان ساختار کنونی پرداخت یارانه‌ها را اصلاح کرد.

این مهم جز با مشارکت همه جانبه ملی و پیاده‌سازی اقتصاد مقاومتی که از دستورات مقام رهبری است، نخواهد بود و بی‌درنگ دولت با همکاری سایر قوا و با در نظر گرفتن همه جوانب سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در جامعه نسبت به پیاده‌سازی و اصلاح ساختار اقتصادی و عبور از اقتصاد سنتی اقدام نماید.

در همین راستا، ماهنامه «افق تازه» در گفت‌وگویی اختصاصی با غلامرضا مصباحی مقدم، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام و نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی به بررسی قانون هدفمندی یارانه‌ها و تبعات ادامه روند آن می‌پردازد. مشروح این مصاحبه را در ذیل می‌خوانیم.

گفت و گو: گلناز برتوی مهر

■ طی سال‌های اخیر در بحث هدفمندی یارانه انتقادات بسیاری در پرداخت نقدی به مردم صورت گرفته است، از نظر شما این پرداخت‌های نقدی به مردم صحیح است؟

پرداخت یارانه معمولا در هر نظام اقتصادی وجود دارد و اصل آن چیزی نیست که مورد مناقشه باشد، چرا که خانواده‌هایی هستند که قدرت تأمین حداقل‌های زندگی خودشان را ندارند و طبعا باید به آنها یارانه پرداخت کرد.

■ از نظر شما دولت چه برنامه‌ای را در ادامه هدفمندی یارانه‌ها و پرداخت نقدی به مردم مدنظر قرار دهد، بهتر است؟

اگر دولت پرداخت یارانه‌ها را به همه خانوارهای ایرانی مدنظر قرار داد باید متناسب با درآمد، پرداخت صورت می‌گرفت. بدین شکل که هر کسی که درآمد بیشتری دارد یارانه کمتری دریافت کند و بالعکس و در نتیجه خانواده‌های متوسط به بالا دیگر خودشان رغبتی به دریافت یارانه نمی‌کردند. طی پنج سال اخیر که این اتفاق رخ داده است حجم کل یارانه پرداختی به خانواده‌ها که الان ۷۶ میلیون جمعیت کشور را تحت پوشش قرار می‌دهد در طی یک سال ۴۲ هزار میلیارد تومان است و این مبلغ در حال حاضر تقریباً دو برابر بوده و عمرانی دولت است. به عبارت دیگر برای خانواده‌های متوسط به بالا ارزش مالی چندانی ندارد ولی حجم کل برای دولت هزینه بسیار سنگینی است و اگر این مبلغ به جای پرداخت به آنها در بخش تولید سرمایه‌گذاری می‌شد رونق و اشتغال را به همراه داشت.

■ در زمینه پرداخت یارانه نقدی به مردم، تجربه و موارد مشابهی را در کشورهای دیگر سراغ دارید؟

پرداخت یارانه در کشورهایی که از نظر مالی و

■ چندی پیش از سوی مسوولان عنوان شد شب پرداخت یارانه نقدی شب مصیبت عظام است، نظر شما در این رابطه چیست؟

بله اخیرا در محافل خبری شنیده شده، آقای دکتر جهانگیری، معاون اول ریاست‌جمهوری، از ادامه روند پرداخت یارانه خبر داده است که این سخن بسیار اشتباه بزرگی است، این در حالی است که چندی پیش گفته شده بود، که پرداخت یارانه برای دولت یک مصیبت بزرگ است. چطور مجددا مطرح می‌شود که پرداخت یارانه ادامه پیدا می‌کند؛ مگر اینکه مقصودش از پرداخت یارانه، پرداخت به دهک‌هایی که از طریق کمیته امداد و یا بهزیستی مورد حمایت قرار می‌گیرند و با پرداخت یارانه به آنها تحت پوشش حمایتی دولت باشند. اگر این خانوارها مدنظر باشند ادامه روند بلامانع است.

■ یارانه در شهرهای کوچک و روستاها با توجه به کثرت تعداد اعضا، طرفدار بیشتری دارد؛ آیا این امر باعث می‌شود که در اینگونه شهر و روستاها مردم برای ایجاد یک شغل تلاش نکنند و به همین یارانه ماهانه قانع باشند؟

بهترین راه برای کمک به نیازمندان، کمک نقدی نیست، بلکه راه‌های دیگری نیز وجود دارد که ارجح‌تر هستند، چرا که پرداخت یارانه نقدی در یک شرایطی خوب است و در شرایطی دیگر آثار منفی دارد. به‌عنوان مثال موقعی که پرداخت نقدی یارانه‌ها به روستائیان صورت گرفت؛ کارگران کشاورزی روستا احساس کردند نیاز به کار ندارند و از حضور در مزرعه‌ها خودداری کردند.

به عبارت دیگر پرداخت یارانه‌ها باید کمبودهای آنها را جبران می‌کرد اما آنها را به سمت بیکاری سوق داد. همین‌طور این وضعیت در مورد قالیباف‌ها نیز صادق بود؛ آنها هم با دریافت یارانه

از درآمد ناشی از قالیبافی بی‌نیاز شدند و همان‌طور در همان روستاها این پرداخت باعث هزینه‌های غیرمعقولی شد و کسانی که فاقد صلاحیت بودند، این یارانه را دریافت کردند در راه‌هایی مانند، مصرف مواد مخدر استفاده کردند. پس لزوما پرداخت نقدی یارانه‌ها بهترین روش نیست.

شاید به جای پرداخت نقدی، وسایل کار داده می‌شود یا معادل این امکانات مواد غذایی مانند، برنج و حبوبات و روغن و... و تأمین نیازهای ضروری بهتر بود، تا اینکه این پول به صورت نقدی داده شود و به گونه‌ای هزینه شود که به مصلحت خود خانواده‌ها هم نباشد.

■ قطع یارانه‌ها به دهک‌های بالای جامعه چگونه باید صورت گیرد؟

به اعتقاد من قطع پرداخت یارانه‌ها نباید بدون توضیح و توجیه صورت بگیرد. اولاً حتما خانواده‌های نیازمند جامعه تحت پوشش قرار بگیرند و این تعداد از آنها را نباید از پرداخت یارانه محروم کرد و چه بسا که مبلغ این یارانه‌ها نیز باید افزون‌تر هم شود؛ چرا که نیازهای آنها با این میزان یارانه که اکنون قدرت خرید نسبت به سال‌های اول پرداخت کاهش پیدا کرده است. ثانياً برای خانواده‌های متوسط به بالای جامعه باید توضیح داده شود که این یارانه‌ها برای کمک به رفع فقر است. ثالثاً، باید دولت بیان کند که پرداخت یارانه‌ها چه میزان برای دولت هزینه به‌بار می‌آورد و این هزینه‌ها از کجا قابل تأمین است.

به نظر من منبعی نداریم که بخواهد یارانه به تمام جامعه تعلق بگیرد؛ زیرا که در حال حاضر دولت با فشار بر شرکت‌هایی مانند نفت، گاز، آب و برق..... آنها را تحت فشار قرار می‌دهد که قدرت سرمایه‌گذاری را ندارند. از طرف دیگر با استقراض از بانک مرکزی که با این کار تورم را بالا می‌برد و این زیان‌هایی است که متوجه عموم است.

به اعتقاد من، اگر دولت بیان کند و توضیح دهد که بودجه برای پرداخت ندارد اثر سیاسی منفی ندارد. دولت نباید به فکر این باشد که با حفظ یارانه‌ها دوره بعدی انتخابات ریاست‌جمهوری را کسب موفقیت بداند؛ زیرا به اعتقاد من این حفظ یارانه‌ها نوعی خیانت به ملت است که آثار منفی اقتصادی زیادی را در بر دارد و قابل توجیه نیست و حتی اگر به قیمت رای نیاوردن دولت باشد، یارانه دهک‌های بالای جامعه باید قطع شود. دولت باید به مردم نشان دهد که حذف این یارانه‌ها بخش دیگری از مشکلات مانند، طرح‌های عمرانی یا نیازمندی‌های عمومی کشور را رفع می‌کند.

■ در حذف یارانه دهک‌های پر درآمد، چه شاخص‌هایی باید مورد توجه قرار گیرد؟

برای قطع یارانه روشی که دولت پیش گرفته

است، روش اشتباهی است؛ دولت در پی شناسایی دهک‌های بالا (ثروتمندان) است تا با شناسایی آنها یارانه‌ها این افراد را قطع کند که تاکنون ۲ تا ۳ میلیون نفر از دریافت نقدی یارانه حذف شدند. در ابتدای امر ۷۸ میلیون نفر تحت پوشش یارانه‌ها بودند که در حال حاضر به ۷۵ میلیون نفر رسیده است. اگر با این روش بخواهیم پیش برویم سال‌های متمادی همچنان باید حجم عظیمی از منابع را به یارانه‌ها اختصاص دهیم.

به اعتقاد من این حرکت باید برعکس انجام گیرد؛ به این معنی که شناسایی نیازمندان در جامعه آسان‌تر است، چرا که بخشی از آنها تحت پوشش کمیته امداد و بهزیستی هستند و این افراد حدود پنج میلیون نفر می‌شوند. به نظر من، در برنامه ششم و در بودجه سال آینده باید روال را عوض کنیم و کسانی که معتقدند باید یارانه بگیرند در کمیته امداد ثبت‌نام کنند و کمیته امداد آنها را شناسایی و بدون محدودیت هر خانواده که واقعا نیازمند است، تحت پوشش پرداخت نقدی یارانه قرار بگیرد.

■ چرا دولت عزم جدی برای قطع یارانه نقدی پر درآمد‌ها به‌خرج نمی‌دهد؟

در زمانی که سخن از پرداخت نقدی و آوردن پول نفت در سفره‌ها بر سر زبان‌ها افتاد، درآمد نفتی کشورمان بالغ بر ۸۰

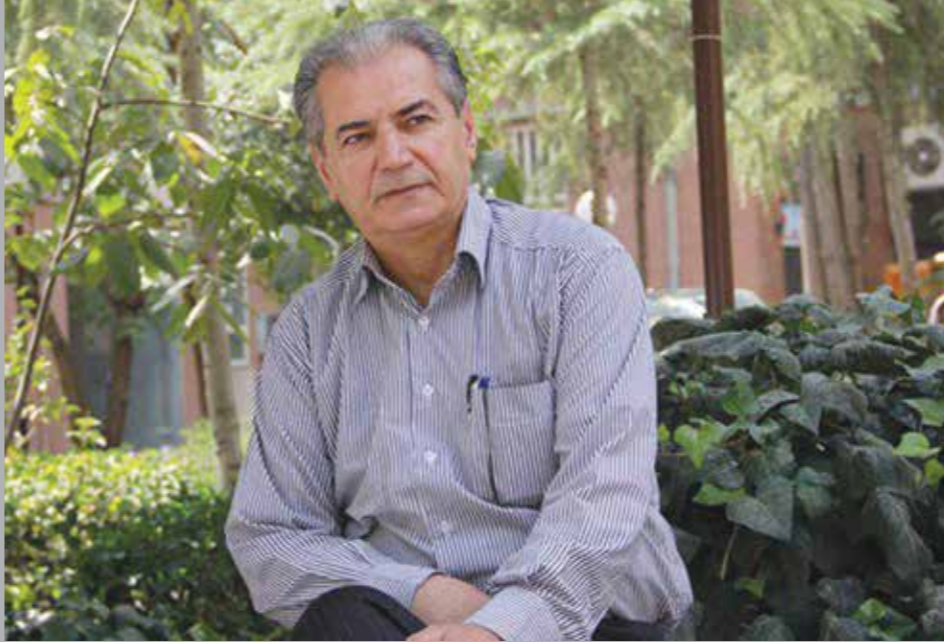
میلیارد دلار بود، این در حالی است که درآمد امسال ۱۸ میلیارد دلار است. به این معنی که یک‌چهارم آن زمان هم درآمد نداریم. این در حالی است که دولت سکوت اختیار کرده و رئیس‌جمهور که با رای مردم روی کار آمده و مایل است با رای مردم دوباره بر مسند کار قرار گیرد، باید برای ملت توضیح بدهد در حال حاضر شرایط پرداخت نقدی به مردم وجود ندارد و باید با کمک ثروتمندان، فقر را برطرف کند تا فقر برای همیشه ریشه‌کن شود. به عبارتی پرداخت نقدی یارانه‌ها، ضد توسعه است و مانع از شکل‌گیری توسعه در اقتصاد کشور می‌شود زیرا که آن منابعی که می‌خواهیم در اختیار توسعه قرار دهیم، توزیع می‌شود.



محمد قلی یوسفی در گفت و گو با «افق تازه» مطرح کرد

رفراندوم یارانه‌ها بزرگ‌ترین اشتباه

گفت و گو: سمیه ستایش



اولین طرح برنامه دولت نهم جهت اصلاحات ساختار اقتصاد ایران با عنوان طرح «هدفمند کردن یارانه‌ها» معرفی شد. با توجه به روشی که برای اجرای این طرح انتخاب شده است، می‌توان آن را طرح «نقدی کردن یارانه‌ها» نامید که معنی و مفهوم آن، پرداخت ریالی معادل یارانه‌ها به مصرف‌کننده و آزادسازی قیمت کالا و خدمات مشمول یارانه‌ها و رهایی دولت از مطالبات دائمی رشد یابنده مردم در تامین و توزیع به موقع کالاهای یارانه‌ای است. پرداخت یارانه‌ها از جمله زیر مجموعه سیاست‌های انبساطی مالی (افزایش مخارج) دولت‌ها است. روش پرداخت یارانه‌ها اصولاً متناسب با تعریف و اهداف هر دولت از یارانه‌ها، طراحی یا انتخاب می‌شود. طرح «هدفمند کردن یارانه‌ها» به دلیل نقش و جایگاه یارانه‌ها در اقتصاد ملی و زندگی آحاد مردم، حساسیت‌همگانی را برانگیخته است. ابتدایی‌ترین و مهم‌ترین سوال هر شهروند ایرانی این است که آیا طرح چه آثار و نتایجی بر اقتصاد ملی برجا خواهد گذاشت. آیا اجرای طرح می‌تواند آثار و نتایج مثبت مورد ادعای مدافعان آن را بر اقتصاد ملی و سطح رفاه مردم نسبت به شرایط موجود در پی داشته باشد یا احتمال دارد اوضاع را از آنچه هست بدتر کند؟ لذا در همین راستا ماهنامه «افق تازه» طی گفت و گویی با محمد قلی یوسفی - عضو هات علمی و استاد دانشگاه علامه طباطبایی - به تشریح طرح هدفمند کردن یارانه‌ها پرداخته است.

است و تهیه این منابع کار بسیار سختی محسوب می‌شود. ضمن اینکه معنایی ندارد شما مقداری پول را بی دلیل بین همه افراد جامعه توزیع کنید.

دولت چه برنامه‌ای را در ادامه هدفمندی یارانه‌ها و پرداخت یارانه نقدی به مردم مدنظر قرار دهد بهتر است؟

آیا راه جایگزینی وجود دارد؟
اشتباه دولت فعلی این بود که اگر چه به نوعی تلاش کرد جلوی این پرداخت‌ها را بگیرد اما توان اصلاح این مسئله را نداشت. کشور، هیچ روشی برای شناسایی اقشار ثروتمند از اقشار فقیر نداشت و تمام مباحث دیگری که مربوط به ضرب جینی، نابرابری‌ها و... هستند مسائلی کلی بوده و مشخص نمی‌کنند که چه کسانی جزء ثروتمندان هستند. یعنی ما نمی‌توانیم این افراد را شناسایی کنیم. ضمن اینکه با توجه به تورمی که وجود دارد به مرور اهمیت و ارزش این پول پرداختی در حال کاهش است.

به نظر من، دولت روحانی در موضوع یارانه‌ها سیاست خوبی راندنial کرد منتهی اشکالی که در این سیاست وجود دارد این است که دولت رفرا ندمی انجام داد و در این رفرا ندم از عموم ملت خواست که مشارکت کنند و به دریافت یارانه " نه " بگویند. با وجود اینکه دولت، مسئولین، رسانه‌ها و... از مردم خواستند که در صورت امکان و عدم نیاز از دریافت یارانه انصراف دهند ولی دیدیم که رای مردم ادامه دریافت

به یارانه ندارد. باید به صورت یک مجموعه به مشکلات بنگاه‌های تولیدی نگاه کنیم، بعضی از مشکلات آن‌ها به فضای کسب و کار، فساد، بروکراسی عریض و طویل اداری، تقاضای داخلی و رقابت نابرابری که در بازار داخلی وجود دارد، برمی‌گردد. بخشی از آن هم مربوط به نبود تکنولوژی و کالای واسطه وارداتی است. همچنین شوک‌های اقتصادی که دولت مردان به بنگاه‌های تولیدی وارد می‌کنند از مشکلات مهم بنگاه‌های تولیدی است. هیچ کدام از این موارد مستقیماً به یارانه مربوط نیست. اگر منظور از یارانه، میزان پرداختی است که از طریق ارزان کردن انرژی یا دادن انرژی به بنگاه‌ها با قیمت پایین‌تر صورت می‌گیرد تا بنگاه‌ها بتوانند هزینه‌های خود را پایین بیاورند، تنها بخشی از مشکلات آنها حل می‌شود.

با توجه به استدلال‌هایی که مطرح گردید، آیا حتی اصلاح یارانه‌ها را نیز دارای ضرورت نمی‌بینید؟

نه من معتقد هستم که خیلی مسائل دیگری وجود دارد که دولت باید در زمینه آنها تصمیمات جدی بگیرد. دولت باید استراتژی بلند مدتی را تدوین کند. هدف‌های خود را مشخص کند که آیا واقعا می‌خواهد از بخش تولید حمایت کند یا خیر؟ آیا می‌خواهد کشور توسعه پیدا کند یا می‌خواهد یک کشور واردت‌کننده کالاهای خارجی و صادرکننده نفت باشد دولت باید بازگرد و سیاست‌های جدیدی راندنial کند. در حال حاضر نیز شرایط خوبی فراهم شده است و سیاست‌های خوب خارجی دولت نباید تحت تاثیر سیاست‌های بد اقتصادی داخلی قرار بگیرد. باید سیاست‌های داخلی را اصلاح کنند و سیاست‌هایی را تبیین کنند که رشد خوب را جایگزین رشد بد کند و به بخش‌های تولیدی بیشتر توجه کنند نگاه توسعه‌ای به اقتصاد داشته باشند و نه حفظ وضع موجود.

پرداخت یارانه به بخش تولید از زمان اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها، تاکنون چه تاثیری بر اقتصاد کشور گذاشته است؟

نمی‌توان اظهار نظر دقیقی در خصوص پرداخت ناچیز یا عدم پرداخت یارانه تولید کرد زیرا دولت بارها اعلام به پرداخت یارانه تولید از محل درآمدهای حاصل از هدفمند کردن یارانه‌ها کرده است. برخلاف اظهار نظر دولت مبنی بر پرداخت یارانه به تولید، تولیدکنندگان به صورت مکرر اعلام کرده‌اند که یارانه‌ای در راستای اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها به آن‌ها پرداخت نشده است. با تاکید بر اینکه یکی از وظایف دولت حمایت از بخش‌های تولیدی است، باید گفت به‌میزانی که دولت برای بنگاه‌های تولیدی هزینه ایجاد می‌کند، حمایت از این بنگاه‌ها نیز ضرورت دارد. به دلیل اینکه پرداخت یارانه تولید از سوی دولت به چشم مردم نمی‌آید، دولت‌مردان منابع مالی را به پروژه‌هایی با تاثیر تبلیغاتی بیشتر برای ملوس شدن و ارزیابی توسط مردم هزینه می‌کنند، که در این راستا به مردم اعلام کنند که تاکنون دستاوردهای بسیار خوبی داشته‌اند. همچنین دولت‌مردان ممکن است تحت تاثیر سیاست‌های دیگر درآمدی و هزینه‌ای این میزان یارانه را قربانی اهداف کوتاه مدت کنند. تمام کشور‌های پیشرفته دنیا برای توسعه هر چه بیشتر اقتصاد کشور خود، ابتدا نهاد

سازی کرده و سپس به سمت بخش‌های تولیدی، صنعتی و کشاورزی حرکت کرده‌اند.

ولی متأسفانه تا به امروز بی‌توجهی به نهادها، بی‌توجهی به بخش‌های تولیدی و به هدر دادن منابع در بخش‌های تجاری، بازرگانی و خدماتی در کشور همچنان تداوم دارد. و نتیجه این است که کشور همیشه با بیکاری، فقر، نابرابری و عقب‌ماندگی اقتصادی مواجه است و بخش‌های غیرضروری بودجه بخش‌های ضروری را می‌بلعد منابع اقتصاد کشور، به همه بخش‌ها تعلق دارد. اما بودجه باید زمینه ساز اهدافی باشد که دولت مشخص کرده است. **اگر ما اول سال ۸۹، از زمان شروع اجرای هدفمندسازی یارانه‌ها بدانیم این طرح پنج ساله باید در پایان سال ۹۳ به اتمام برسد. اگر ۲۸ آذر ۸۹ را زمان شروع فرض کنیم زمان پایان اجرا اواخر آذر ۹۴ می‌شود. آیا برای فعالان اقتصادی حیاتی و مهم هست که بدانند برنامه هدفمندسازی یارانه‌ها و آزادسازی قیمت‌ها در چه زمانی تمام می‌شود یا اصلاً مهم نیست که این طرح در چه ماه و سالی تمام می‌شود؟**

فعالان اقتصادی به تجربه دریافته‌اند که در ایران، قوانین از ثبات لازم برخوردار نیستند. ضمن اینکه شرایط اقتصادی راهم خوب‌درک می‌کنند. حتی خانوارها هم می‌دانند. یکی از دلایل هجوم مردم برای خریدن دلار نیز، همین بی‌ثباتی‌هایی است که در جامعه وجود دارد و ناامنی‌هایی که مردم احساس می‌کنند. تجربه نشان داده است که قوانین ما شفاف نیستند و اجرای آنها هم به موقع صورت نمی‌گیرد. به همین دلیل تبعات بسیار مخربی را بر اقتصاد می‌گذارند همان‌طور که اگر مجلس جلوی اجرای مرحله دوم قانون هدفمندی یارانه‌ها را نمی‌گرفت بحران اجتماعی، خیلی عمیق می‌شد.

ارتباط هدفمندی یارانه‌ها با تورم از نظر شما چیست؟
تورم، خودش یک نوع بی‌ثباتی بسیار عمده‌ای است که در جامعه به وجود آمده است. ما می‌گوییم این پولی که به مردم می‌دهند و این نقدینگی منجر به تورم می‌شود و در این شکی نیست. در سال‌های مختلف قیمت‌ها دست به دست هم داده و منجر به این تورم بالا شده است و همین تورم باعث بالا رفتن هزینه‌های دولت شده است. چون ۸۰ درصد اقتصاد ما در اختیار دولت است. وقتی قیمت‌ها بالا بروند، دولت باید هزینه‌های بیشتری پرداخت کند. به همین دلیل می‌بیند هزینه‌ها بالا رفته است و نمی‌تواند یارانه‌ها را پرداخت کند. از سوی دیگر دلار باید در بازار عرضه بشود ولی دولت قادر نیست این کار را انجام دهد و نتیجه این است که قیمت دلار، بالا می‌رود و معلوم است که دولت می‌خواهد از این میان سودی ببرد. در حال حاضر ۴۵ هزار تومان به هر نفر یارانه پرداخت می‌کنیم و به حدود ۱۵ قلم کالا یارانه می‌دهیم. قیمت این اقلام بالا رفته است. اگر قیمت آنها بالا نمی‌رفت، پولی که مردم از طریق عدم افزایش قیمت‌ها دریافت می‌کردند، ده هزار تومان بیشتر از ۴۵ هزار تومان بود. یعنی یارانه نقدی، بیش از ۵۵ هزار تومان به هر نفر هزینه تحمیل کرده است.

قصد من این نیست که بگویم این پول را به مردم ندهند.

به هر حال این یارانه یک مقدار فشار بر اقشار ضعیف را کم می‌کند. کشور‌های نفت‌خیز دیگر چه کار می‌کنند که مردم آنها بی‌نیاز هستند و فضای کسب و کار را مساعد کرده‌اند؟ چه شده است که کشور‌های نفت‌خیز دولت خود را چابک کرده و هزینه‌ها را کاهش داده و اشتغال ایجاد کرده است؟ اینها باید تبیین شود. ما وقتی که این موفقیت‌ها را نداریم، طبیعی است که برای خود خلق مشکل می‌کنیم و بعد از آن سعی می‌کنیم با مسکن‌های موقتی دردها را تسکین بدهیم. نباید فراموش کنیم که این یارانه دادن، به هیچ عنوان نمی‌تواند حل‌کننده این مشکلات باشد. بعد هم درآمدهای ارزی در اختیار دولت است. بازار زمانی بازار است که در آن عرضه‌کننده و تقاضاکننده، مستقل باشند. عرضه‌کننده اینجاست دولت است من معتقدم که مسائل کوتاه مدت را باید کنار گذاشت. ریاست جمهوری، مسئول مملکت است و باید چاره‌اندیشی کند و بلندمدت فکر کند. در حقیقت اقتصاد مملکت را به سمتی ببرد که بدون نیاز به دولت یا یک گروه سیاسی، بتواند خودش را اداره کند. دولت با این کار، سیاست‌هایی راندنial می‌کند. یکی اینکه دارد به مردم این طوری القا می‌کند که من تنها قهرمانی هستم که این کشور به خود دیده است.

دولت به جای اینکه تولید را تشویق کند، مصرف را تشویق می‌کند و این مصرف، اثرات بلندمدت ندارد. ضمن اینکه به گونه‌های تشریح می‌شود که با ۴۵ هزار تومان زندگی مردم از این روبه‌آن رومی‌شود. این توهم کامل است و هیچ دردی را از مشکلات مردم کم نمی‌کند. چه بسا ممکن است نسل‌های آینده با مشکلات بیشتری روبه‌رو شوند. راه بهتر این بود که تولید تشویق می‌شد و دولت، فضای کسب و کار را فراهم می‌کرد و مداخله نمی‌کرد و از این بحث‌های تبلیغاتی خودش کم می‌کرد. مردم خیلی خوب تشخیص می‌دهند که اگر اشتغال ایجاد شود و رفاه بالا برود مناسب‌تر است ولی با این وضعیت به نظر می‌رسد دولت، سیاست دیگری را دارد دنبال می‌کند.

نکته دیگر این است که زمانی که آقای احمدی‌نژاد آمد بحث‌هایی را مطرح کرد و همه مردم فکر می‌کردند ایشان به‌طور کامل تلاش می‌کند که از مسائل سیاسی، خودش را به کنار بزند و بیاید به معنای واقعی جلوی خیلی خرابکاری‌ها را بگیرد و جهت برقراری عدالت، سینه سپر کند. اما با توجه به هزینه‌های دولت و تورمی که ایجاد شده است و وضع دست‌مزد‌ها را بررسی می‌کنیم، متوجه می‌شویم که وضعیت اقتصادی ما در حال افت است و بخش عمده آن به خاطر بی‌ثباتی‌ها و این صحبت‌هایی است که مسئولان علیه همدیگر می‌کنند. در حالی که دولت باید حقیقت را به مردم بگوید و آنچه را که می‌تواند و آنچه را که نمی‌تواند!

من معتقدم که همه نهاد‌های قدرت و دولت، باید چاره‌اندیشی کنند و با این بحث‌های سیاسی‌زودگذر کشور را به لبه پرتگاه نبرند. چون لطمه‌ای که مردم عادی می‌خورند جبران‌ناپذیر خواهد بود.

دکتر محمد خوشچهره در گفت و گو با «افق تازه» مطرح کرد

یارانه دارویی موقت

گفت و گو: فرشته نصیری



یارانه یکی از مقوله های اجتماعی بحث برانگیز در حوزه اقتصاد است که در سال های اخیر در ایران روند رو به بحرانی شدن به خصوص در حوزه اقتصاد را در پیش گرفته است. بر پایه اظهارات مقامات رسمی دولت در مصاحبه ها و ارائه ارقام هزینه های دولت در سال های اخیر، ابعاد پولی و سهم یارانه ها در اقتصاد ایران و بودجه دولت به طرز نگران کننده ای در حال بزرگ شدن است؛ شناسایی جامعه ی هدف و پرداخت هدفمند یارانه فقط به دهک های محروم جامعه یکی از مهمترین الزام هایی است که کارشناسان برای اجرای موفق یارانه ها بر آن تاکید می کنند. ناتوانی پایگاه های اطلاعاتی اقتصادی کشور در شناساندن گروه های هدف به سیاستگذاران موجب شد که در این قانون، یارانه ی نقدی به صورت فراگیر به همه ی ایرانی ها پرداخت شود؛ همین امر مقوله ی هدفمندی را زیر سوال برد، زیرا نه تنها نتوانست به توزیع عادلانه ی امکانات و ثروت و کاهش فاصله ی طبقاتی در جامعه کمک کند، بلکه اقتصاد کشور را با مشکلاتی چون افزایش نقدینگی و تشدید تورم رو به رو کرد. در همین زمینه دکتر محمد خوشچهره در گفتگو با افق تازه هدفمندی یارانه ها همانند باروتی برای اقتصاد کشور تشبیه کرد. به گفته این کارشناس مسایل اقتصادی قانون هدفمندی یارانه ها به توزیع پول در بین مردم تبدیل شد تا اقشار فقیر جامعه از این راه قدرت خرید بیشتری پیدا کردند اما به دلیل عدم اعمال کامل طرح، افزایش هزینه زندگی سبب شد تا اقشار فقیر محتاج یارانه نقدی بیشتری شوند. مشروح این مصاحبه را در ذیل می خوانیم.

■ طی سالهای اخیر در بحث هدفمندی یارانه انتقادات بسیاری در موضوع یارانه و همچنین در نحوه پرداخت نقدی به مردم صورت گرفته است از نظر شما این پرداخت های نقدی به مردم صحیح می باشد؟

در یک تحلیل استراتژیک از محیط کلی ایران با تاکید بر حوزه اقتصاد در چند سال پیش و در زمان طرح لایحه تحول اقتصادی (هدفمندی یارانه) دولت نهم و مجلس هشتم مسئول تبدیل این لایحه به قانون هدفمندی یارانه بود در آن زمان اشاره داشتیم مبنی بر اینکه هدفمندی یارانه ها را باید به مثابه یک چاشنی باید تلقی کرد که در کنار انبار باروتی بنام تولید بی رمق ملی و بیکاری و فقر گسترده ناشی از کم توجهی به تولید ملی مسئله قابل تامل و در عین حال خطر ناک است. اجرا شدن قانون هدفمندی یارانه در بهترین تفصیر می تواند به مثابه یک مسکن برای مقابله با فقر گسترده یا جبران برخی از تورم های پیش آمده برای گروههای مختلف

در آمدی باشد چنانچه که همراه با یک برنامه جامع در مان اقتصادی که در آن رفع موانع از سر راه تولید ملی در بر نداشته باشد منجر به تنش های گسترده اجتماعی می شود و ابعاد آن در آن صورت غیر قابل پیش بینی خواهد بود و فشار جدی آن به گروههای محروم و مستضعف که حامیان اصلی نظام و انقلاب هستند، وارد می شود. آثار پیامدهای ناشی از اجرای طولانی این قانون فقط یک بحث صرف اقتصادی نیست، بلکه به لحاظ ملاحظات اجتماعی و امنیتی آن می تواند یک چاشنی در یک محیط متراکم شده ملی عمل کند. بنابراین مردم باید به گونه ای آگاه شوند و جلب مشارکت آنها ایجاد شود که با صبر و متانت و به تعبیر برخی صاحب نظران با ایثار و ریاضت این دوره کوتاه برای درمان تولید ملی را بگذرانند.

■ اینگونه اجرای طرح هدفمندی و پرداخت یارانه ای کمکی به توسعه اقتصادی کشور خواهد کرد؟

دلیل اجرای قانون هدفمندی یارانه ها از دید قانون، اصلاح

روش تخصیص یارانه در اقتصاد کشور، اصلاح الگوی مصرف سوخت و تغییر مسیر هزینه کردن یارانه ها است، در بخش مصرف بنزین سالانه شش میلیارد دلار واردات بنزین داشتیم و این باید اصلاح می شد اما نباید تمام ساختار نظام را در گیر این پروژه می کردیم، نباید اجازه می دادیم اصلاح الگوی مصرف انرژی بر کل اقتصاد سایه افکند.

قانون هدفمندی یارانه ها به توزیع پول در بین مردم تبدیل شد و اقشار فقیر جامعه از این راه قدرت خرید بیشتری پیدا کردند اما به دلیل عدم اعمال کامل قانون، افزایش هزینه زندگی سبب شد تا اقشار فقیر محتاج یارانه نقدی بیشتری شوند. یارانه با یک نگاه خیر خواهانه به عنوان یک مسکن به کمک فقرا آمد، اما این مسکن اثر خود را به مرور زمان از دست داد و اکنون دولت به فکر ۲ یا ۳ برابر کردن میزان مسکن است؛ اما این کار ممکن است اقتصاد کشور را به فریسن محتاج کند. هدفمندی یارانه ها قبل از آنکه یک



تصمیم باشد، یک طرح جامع است اما به دلیل محدودیت عملکرد این طرح به شکست رسید و هیچ کمکی به توسعه اقتصادی کشور نمی کند.

■ از نظر شما پرداخت اینگونه یارانه نقدی چه مضراتی برای کشور در بی دارد؟

تغییراتی که در هزینه های تولید پیش آمده مانند هزینه سرمایه، نرخ سود بانکی، هزینه های مربوط به مواد اولیه، هزینه های مربوط به انرژی و هزینه هایی که در پروسه تولید قرار دارند در ایجاد تورم سهیم هستند.

مادر شرایط فعلی در یک رکود تورمی هستیم که مانند حالت تب و لرز یک بیمار است. اگر بخواهیم در بیماری که تب و لرز دارد، تب را کم کنیم لرز بالا می رود و بالعکس. اکنون نباید تنها به تورم بپردازیم و باید شرایط رکودی و تورمی را با هم مد نظر داشته باشیم.

اولا استمرار این قانون منجر خواهد شد که یک رویه رفتاری ایجاد بشود که خیلی ها این دریافت ها را به عنوان دریافت های حقیقی خود تلقی کرده و قطع آن عوارضی را به همراه داشته باشد. خود این تعدیل ها پیامدهایی را خواهد داشت.

این در حالی است که بسیاری از کارشناسان معتقدند دولت نباید این گروه ها را وصل می کرد که اکنون بخواهد آنها را حذف کند. ثانيا استمرار این طرح با توجه به کاهش قیمت نفت، مخصوصا کاهش درآمدها و بالا رفتن هزینه های دولت به خاطر آثار تورمی که تاکنون در اقتصاد به وجود آمده است یک عدم تعادل را برای دولت در بودجه ایجاد می کند. بنابراین پرداخت سنگین یارانه در چارچوبی که پیش بینی می شد، نمی تواند تلاوم داشته باشد و بنابراین استمرار این قانون می تواند به چالش های امنیتی، اقتصادی و اجتماعی برای دولت منجر شود.

■ دولت آقای روحانی در حذف یارانه «پر درآمدها» با مشکلات بزرگی روبه رو شده است. راه حل این مساله چیست؟

هدفمند کردن یارانه ها از سطح پرداخت های پولی نزول کرده است؛ این نوع عدالت به منزله تزییق پول به عنوان یک اقدام تاکتیکی و اقدامی ابزار برای رسیدن به اهداف اصلی است. یعنی معمولا در جوامعی که انقلاب می شود مثل تجربه کشورهای آمریکای لاتین و موارد دیگر در ابتدا برای پر کردن شکاف طبقاتی و درآمدی یا برای مقابله با بیماری به نام فقر یک اقداماتی انجام می دهند که این اقدامات در پرداخت های نقدی به فقرا و محرومان است و به آنها پرداخت هایی صورت می گیرد که اصطلاحا از دید آسیب شناسی یا روش های پزشکی اقدامات اولیه و مسکن وار نامیده می شوند. دلایل ایجاد هدفمندی برای مقابله با بی عدالتی بود اما دیدیم که گروه های مرفه انرژی بیشتری مصرف می کنند و از یارانه نان بیشتر بهره می برند که هر دو به اصطلاح قابل ایراد بوده است و از آن سو، این مسائل به این مفهوم نبود که به روش های دریافت مالیات از گروه های مرفه اقدام شود. به نظر من باور لازم برای اصلاح هدفمندی یارانه ها در دولت آقای روحانی به وجود نیامده است. اشکال مهم در این زمینه عدم باور مسئولان دولت است. در این زمینه هم بین مسئولان اقتصادی کشور اختلاف نظر وجود دارد. بنده به برخی از مسئولان در جلسات خصوصی نیز این مساله را تذکر دادم که اصلاح مساله یارانه ها امری «شدنی» و تحقق پذیر است. اگر پرداخت یارانه ها با همین شرایط ادامه پیدا کند امکان استمرار آن وجود نخواهد داشت و یک چالش بزرگ اقتصادی برای دولت خواهد بود. بنده اشکال را در عدم اراده لازم و تصحیح بنیادی یارانه ها در بلندمدت می دانم.

■ پرداخت اینگونه یارانه به مردم چه لطماتی و آسیب هایی را به اقتصاد کشور وارد می سازد؟

افزایش قیمت ارز متعاقبا موجب افزایش هزینه تولید شده و بنابراین مجموعه اقداماتی که در شرایط کنونی اقتصاد یعنی شرایط رکود تورمی صورت گرفته، باعث شده است که طرح هدفمند کردن یارانه ها که برای آن قلمروهای مختلفی را در تحولات اقتصادی تا مرز حرکت به سمت انقلاب اقتصادی متصور شده بودند، چیزی جز افزایش حامل های انرژی و قیمت نان و آثار تورمی به بار نیاورد.

بر اساس مطالعاتی که انجام شده است اصلاح الگوی مصرف هم که گفته می شد از نتایج این طرح خواهد بود، متاسفانه صورت نگرفته و مثلا در مورد بنزین ما شاهد کاهش مصرفی که پیش بینی می شد و اصلاح الگوی مصرف در این زمینه نبوده ایم. گفته می شد پرداخت نقدی می تواند جبران فشارهای آزادسازی قیمت ها را بکند، متاسفانه با توجه به سبقت میزان تورم پرداخت های نقدی کم اثر شده و به سمت محو شدن می روند. «ریشه اوضاع ناگوار اقتصاد ایران در مجموع سیاست های اقتصادی نهفته است، اما اگر بخواهیم شرایط را رکود تورمی حاکم بر اقتصاد ایران را که حالت قابل تامل و شکننده به آن داده است را دنبال کنیم، تنها نمی توان به هدفمندی یارانه ها پرداخت.

مشکلات جدی دولت در تامین منابع مالی



موسی الرضا ثروتی عضو کمیسیون برنامه و بودجه

برنامه ریزی های صورت گرفته، اقتصاد ایران نتوانسته از وابستگی به نفت رهایی یابد و اکنون بخش عمده ای از درآمدهای دولت از طریق فروش نفت و اخذ وجوه حاصل از آن تامین می شود.

کاهش قیمت جهانی نفت میزان درآمدهای دولت را کاهش می دهد و در روند اجرای پروژه های عمرانی تاثیر گذار خواهد بود. تجربه سال های اخیر نشان می دهد هر گونه کاهش قیمت نفت در کسب درآمدهای دولت موثر بوده و در چگونگی اجرای پروژه های عمرانی نیز تاثیر دارد.

در سال جاری کاهش قیمت نفت سبب شده تا دولت با کسری بودجه مواجه شود و این مساله در طرح های عمرانی و روند تولید کشور موثر بوده است.

درآمدهای دولت از راه فروش نفت آنچنان کاهش یافته که اکنون دولت مجبور است بیش از این درآمدها هر ماه یارانه نقدی پرداخت کند؛ در حالی که ادامه این روند برای دولت در سال ۹۵ امکان پذیر نخواهد بود و دولت را با مشکلات جدی در تامین منابع مالی مواجه خواهد ساخت.

در مقابل نیز دولت اصلا قادر به پرداخت سهم بخش تولید و صنعت از راه هدفمندی یارانه ها و اجرای طرح های عمرانی از طریق اخذ وجوه حاصل از فروش نفت نخواهد بود.

با توجه به وضعیت فعلی اقتصاد، دولت باید از افزایش بودجه برخی از دستگاه های دولتی بپرهیزد و آن را متعادل تر کند. از دیگر راه های کسب درآمد دولت در بودجه اخذ مالیات و عوارض از شرکت های دولتی و بانک ها است. کاهش قیمت نفت فرصتی برای کاهش وابستگی بودجه به درآمدهای نفتی است، بنابراین باید از این فرصت به خوبی استفاده کنیم و هرچه بیشتر وابستگی اقتصاد را به صادرات تک محصولی کاهش دهیم.

نداشتن وابستگی به اقتصاد تک محصولی حاصل از صادرات نفت و همچنین تقویت صادرات محصولات غیر نفتی را در سال ۹۵ باید سرلوحه خود قرار دهیم تا بتوانیم از کاهش چشمگیر قیمت نفت به عنوان یک تهدید، فرصت طلایی برای کشور بسازیم.

معزل پرداخت یارانه و عدم صراحت دولت



مجید سلیمی بروجنی

دولت یازدهم طی دو سال اخیر به واسطه اعمال تحریم‌های بین‌المللی و همچنین کاهش درآمدهای نفتی با کسری بودجه درگیر بوده است. همه بحث‌ها با موضوع یارانه‌های نقدی به این ختم می‌شود که دولت نگرانی‌های سیاسی از حذف یارانه‌ها را کنار بگذارد و یارانه‌های نقدی را به دهک‌هایی بدهد که نیازمند واقعی یارانه باشند، نه به همه دهک‌ها.

دولت مطابق قانون موظف است که سالانه ۴۲ هزار میلیارد تومان یارانه نقدی پرداخت کند. البته نباید فراموش کنیم که دولت در بخش انرژی نیز تمهید پرداخت یارانه ۳۰۰ هزار میلیارد تومانی را همچنان در برنامه‌های خود دارد. براساس گفته‌های وزیر رفاه، تاکنون یارانه نزدیک به ۳ میلیون نفر قطع شده است.

طی چند ماه گذشته دولت‌مردان از یک سو تحت فشار اقتصاددانان و نمایندگان مجلس بوده‌اند که چرا یارانه تمدد بیش‌تری را حذف نمی‌کند و از طرف دیگر، نگران فشارهای سیاسی و اجتماعی همان افرادی است که یارانه‌شان حذف شده است.

با نگاهی به اطرافمان در سطح جامعه به راحتی خواهیم فهمید که ثروتمندان بخش کوچکی از جامعه امروز ایران را تشکیل می‌دهد، بنابراین به نظر می‌رسد که شناسایی و حذف آنها کار سختی برای دولت نباشد.

طی چند دهه گذشته روش‌های متفاوتی برای اجرای طرح‌های حمایتی در کشورهای مختلف عملیاتی شده است؛ از پرداخت یارانه بر روی حامل‌های انرژی تا پرداخت‌های نقدی. بررسی عملکرد همه این روش‌ها گویای این است که بهترین روش، پرداخت‌های انتقالی مشروط و با هدف مشخص هستند. متأسفانه در بحث یارانه‌ها از ابتدای اجرایی شدن، به جای شناسایی افراد واقعی نیازمند و پرداخت یارانه نقدی به آنها در جهت افزایش رفاهشان، یارانه به عنوان یک وظیفه برای دولت و یک حق برای همه مردم تعریف شد.

باید بپذیریم تازمانی که این فرهنگ در مورد یارانه در بین مردم وجود دارد، دولت هم در حذف آن با ترس و وسواس عمل خواهد کرد و اعتراض مردم به حذف یارانه هم همچنان ادامه خواهد داشت. به اعتقاد گروهی از کارشناسان بهتر این است که در شرایط موجود، دولت بیاید و مردم را در شرایط دشوار اقتصادی شریک کند و واقعیت‌های موجود را به آنها بگوید. مردم باید بدانند چرا قیمت بنزین بالا می‌رود، چرا دولت یارانه‌ها را حذف می‌کند و این یارانه اندک ۴۵ هزار تومانی ماهانه هر فرد چه مشکلی از مشکلات فعلی دولت را می‌تواند حل کند. دولت باید به صراحت به کسری بودجه و شرایط نامساعد اقتصادی اعتراف کند. باید به همه مردم بگوید که سیستم بانکی به دلیل معوقات سنگین در شرایط احتضار است. مردم می‌دانند که قیمت نفت سقوط کرده، اما نمی‌دانند هر یک دلار سقوط قیمت نفت چه مشکلاتی برای دولت خواهد داشت. می‌دانند دولت از بابت پرداخت یارانه‌ها در فشار است، اما نمی‌دانند حذف یارانه‌ها و تقویت خزانه دولت چه تاثیر مثبتی بر اقتصاد کشور خواهد داشت.

دولتمرد موفق کسی است که با صداقت بتواند مردم را در حل مشکلات یا خودش همراه کند. دولتمردان هر چقدر هم که توانمند و باتجربه باشند، نمی‌توانند بحران‌های بزرگ را به تنهایی حل کنند و باید مردم را در جریان قرار دهند تا هر کسی در حد و وسع خود کمک کند.

در سال‌های گذشته تجربیات خوبی در کشور‌های در حال توسعه در نظام پرداخت نقدی یارانه به دست آمده است که تمامی آنها از انواع روش‌های شناخت دهک‌های ضعیف و فقر استفاده کرده‌اند. بدون شک هر گونه حرکتی از سمت دولت برای هدفمند کردن یارانه‌ها و هدف‌گیری درست نیازمندان، قابل ستایش است؛ منوط به این‌که تحت‌تاثیر هیاهو و اعتراض‌ها قرار نگیرد و کار خود را اجرایی کند.

مسعود خوانساری، رییس اتاق بازرگانی مطرح کرد:

لطمه به اقتصاد با پرداخت یارانه به تمامی مردم

گفت و گو: مریم فکری

پرداخت یارانه به همه اقشار جامعه طی دو سال اخیر از جمله حاشیه‌های مهم طرح هدفمندی یارانه‌ها به شمار می‌رود و بسیاری از اقتصاددانان و حتی دولتمردان یارانه سخن از لزوم حذف یارانه افراد پردرآمد سخن به میان آورده‌اند. هر چند تا به حال نیز دولت اقدام به حذف بخشی از یارانه پردرآمدها کرده اما به نظر می‌رسد که این حذف نسبت به جمعیت خانوارهای پردرآمد شتاب کمتری داشته است.

مسعود خوانساری رییس اتاق بازرگانی تهران معتقد است که پول یارانه‌ها در حالی به سمت جامعه می‌رود که تولید کشور بی‌بهره از منابع کافی است و دولتمردان باید بخشی از این مبلغ را روانه تولید کشور کنند. آنچه در ادامه می‌خوانید، مشروح گفت‌وگو با مسعود خوانساری، رییس اتاق بازرگانی و صنایع و معادن تهران است.

■ به نظر شما در شرایط کنونی تقاضا در اقتصاد کشور را چطور می‌شود تحریک کرد؟

باید پول در دست مردم باشد، یعنی قدرت خرید آنها افزایش پیدا کند. اگر ما دو مرتبه بخواهیم پمپاژ پول در جامعه کنیم، این باعث می‌شود که اتفاقاتی مشابه سال‌های گذشته بیفتد و پول‌دارها پول‌دارتر تر شوند و فقرا فقیرتر شوند. علت آن هم این است که چاپ اسکناس صورت می‌گیرد یا پول بدون پشتوانه وارد بازار می‌شود، بنابراین هر تصمیمی باید با این پیش‌فرض اجرایی شود که حجم نقدینگی از اندازه طبیعی آن بالاتر نرود. راه‌حل این است که بتوان تولید را به حرکت در آورد. برای این کار، ما باید پول‌هایی که در جامعه هزینه می‌شود، مثل پرداخت یارانه به بیش از ۷۰ میلیون ایرانی، را به سمت تولید هدایت کنیم. سوال این است که آیا ما واقعا ۷۰ میلیون آدم نیازمند به یارانه در کشور داریم؟! پول یارانه‌ها به جامعه تزریق می‌شود، اما به هیچ‌وجه به سمت تولید نمی‌رود. این پول اگر به چرخه تولید بیفتد، هم اشتغال ایجاد می‌کند و هم این که پولی که معلوم نیست در کجا حرکت می‌کند، به سمت بخش تولید می‌رود. توجه داشته باشید در همین دوره زمانی ۲۰ هزار میلیارد تومان هزینه انواع یارانه‌ها مانند یارانه نقدی و یارانه حامل‌های انرژی کرده‌ایم، ولی تنها ۸ هزار میلیارد تومان بودجه پروژه‌های عمرانی محقق شده است.

از سوی دیگر، در حال حاضر سوبسیدی که روی سوخت داده می‌شود، دود شده و به هوا می‌رود. اگر به جای این سوبسید، بدهی دولت به پیمانکاران و صنایع پرداخت شود، با این کار پیمانکاران و صنایع بدهی خود را به بانک‌ها می‌پردازند و در نهایت دوباره بانک‌ها تسهیلات به صنعتگران می‌دهند. در این چرخه افراد متنوعی از این

منابع بهره‌مند می‌شوند و تقاضا حرکت می‌کند. بالاخره در یک‌سری از جاها می‌شود اقتصاد را تحریک کرد.

در عین حال، با واقعی کردن قیمت ارز و واگذاری طرح‌های نیمه‌تمام به بخش خصوصی، می‌توان بخش تقاضا در اقتصاد را تحریک کرد.

■ آقای خوانساری، شما یک راه‌حلی را که برای حل مشکل سمت تقاضا در اقتصاد پیشنهاد کردید و آن هم، قطع پرداخت یارانه نقدی بود. برخی از کارشناسان معتقدند که حذف یارانه‌های نقدی و صرف این پول‌ها برای پرداخت بدهی‌های دولت نیز می‌تواند در خروج از رکود موثر باشد.

بله، در قانون هم پیش‌بینی شده است که درصدی از درآمد حاصل از افزایش قیمت حامل‌های انرژی به تولید پرداخت شود، اما تولید در سال‌های گذشته مورد حمایت قرار نگرفت. یعنی ما افزایش قیمت حامل‌های انرژی را داشتیم، اما درآمد حاصله را به صورت نقدی بین اقشار مردم توزیع می‌کردیم، نکته اصلی این است که دولت باید در مورد دو حوزه تصمیم‌گیری قاطع داشته باشد. اول اینکه موضوع ادامه پرداخت یارانه‌ها را مشخص کند و دوم هم در مورد نرخ ارز تصمیم‌گیری قاطعانه‌ای برای واقعی‌سازی نرخ ارز صورت گیرد. ما می‌گوییم نرخ ارز واقعی و تک نرخ می‌شود.

■ امسال باید ۶ میلیون نفر از دریافت یارانه نقدی حذف شوند. به نظر شما، آیا می‌شود یارانه نقدی ۷۰ میلیون نفر را حذف کرد؟

من نمی‌گویم یارانه نقدی ۷۰ میلیون نفر باید حذف شود. می‌گویم که آیا واقعا از جمعیت ایران، ۷۰ میلیون نفر نیازمند هستند؟ به هر حال اگر صادقانه به مردم توضیح داده شود که با هزینه کردن این یارانه‌ها می‌توانیم چرخه‌های تولید را به حرکت درآوریم و نرخ بیکاری را کاهش دهیم، به طور حتم مردم هم می‌پذیرند. امروز یکی از مشکلات بزرگ اقتصادی و اجتماعی کشور ما بیکاری است. با توجه به وضعیت رکود اقتصادی این بیکاری هم تشدید می‌شود و بیش از هر گروه دیگری، خانواده‌ها باید نگران وضعیت فعلی باشند. بنابراین اطمینان دارم که با تشریح وضعیت کشور و تفسیر نفع واقعی مردم می‌توانیم با همین درآمدها نیز تصمیمات بهتری بگیریم.

■ با انتظاری که در میان مردم به وجود آمده، می‌شود این کار را کرد؟

باید افراد نیازمندان را از غیر نیازمند شناسایی کنیم. ببینید، اگر ما با مردم صریح صحبت کنیم و بگوییم مشکل در کجاست، آنها با موضوع کنار می‌آیند. در حال حاضر در خصوص رکود، همه اقشار، لطمه می‌بینند. شما هر خانواده‌ای را که ببینید، متوجه می‌شوید یک یا دو نفر فارغ‌التحصیل دانشگاهی بیکار دارد. بالاخره مردم باید انتخاب کنند و به همین دلیل باید با مردم با صراحت صحبت کنیم که این پول را در جهت تولید و بدهی دولت

به پیمانکاران هزینه می‌کنیم.

■ این عدم داشتن صراحت در بیان مسایل مهم اقتصادی، چه آسیب‌هایی به اقتصاد کشور می‌زند؟

این موضوع سابقه تاریخی دارد. حدود ۸۰ سال قبل گفتند از محل افزایش قیمت قند و شکر بودجه مورد نیاز برای تأسیس راه‌آهن یا گسترش آن را تأمین می‌کنند. نتیجه بلندمدت این اقدام هم به نفع اقتصاد ملی کشور تمام شد. حالا اگر ما بگوییم که یارانه را پرداخت نمی‌کنیم، اما طرح‌های عمرانی را اجرا می‌کنیم، مردم می‌پذیرند. مردم نگران این هستند که اگر یارانه‌ها پرداخت نشود، پول یارانه‌ها کجا هزینه می‌شود. اگر به مردم به صراحت بگوییم که یارانه‌ها را قطع و صرف یک پروژه خاص می‌کنیم و بعد از یکی دو سال هم مردم ببینند پروژه‌ها اجرایی شده، مردم از عدم دریافت یارانه‌ها راضی خواهند بود. من فکر می‌کنم این که مردم ببینند اقتصاد کشورشان رونق پیدا کرده و توسعه اقتصادی به وجود آمده، با دولت همراهی می‌کند.

■ بحث دیگری که در شرایط کنونی مطرح است، اقتصاد پس از تحریم است. شما فکر می‌کنید با لغو تحریم‌ها چه اتفاقی در اقتصاد کشور رخ می‌دهد؟

به نظر من آفتی که تحریم‌ها داشت، فقط اقتصادی نبود. برای مثال، اخلاق و سرمایه‌ی نیروی انسانی کشور لطمه دید. حالا با برداشته شدن تحریم‌ها، امیدواریم در درازمدت بسیاری از مشکلات اقتصادی بهبود پیدا کند.

در ارتباط با بحث اقتصادی، به طور طبیعی امسال لغو تحریم‌ها آن چنان تاثیری نخواهد داشت، اما صرف این هم که فکر کنیم تحریم‌ها برداشته شود، اقتصاد ایران رونق می‌گیرد، درست نیست. ما اگر سازوکارهای داخلی کشور و ساختار اقتصادی را اصلاح نکنیم، به نظر می‌رسد بعید خواهد بود که بتوانیم نظر سرمایه‌گذاران خارجی را به اقتصاد کشور جلب کنیم.

■ اصلاح زیرساخت‌ها در کدام بخش‌ها اولویت دارد؟

بالاخره باید مشخص باشد که حجم نقدینگی در سال‌های آینده به چه صورت خواهد بود، قیمت ارز و حامل‌های انرژی مشخص و قابل پیش‌بینی باشد. اما مهم‌ترین بحث، امنیت برای سرمایه‌گذاری است. از سوی دیگر، ثبات در قوانین اهمیت ویژه‌ای دارد. این که هر روز تعرفه‌ها بالا و پایین رود، به سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی لطمه می‌زند. اگر این مسایل را حل نکنیم، به نظر من نمی‌توانیم نظر سرمایه‌گذاران خارجی را برای سرمایه‌گذاری در کشور جلب کنیم و حتی سرمایه‌گذاری داخلی نیز با مشکل مواجه خواهد شد. موضوع اصلی این است که فضای کسب و کار در کشور بهبود پیدا کند و قانون بهبود مستمر فضای کسب و کار به صورت دقیق اجرایی شود.

ایران خودرو در راستای افزایش کیفیت محصولات، گارانتی رانا را افزایش داد

رانا در مسیر ارتقا

سمند از زمان متولد شدنش تاکنون با تیپ‌های مختلف روانه بازار سدان‌های متوسط کشور شده و به عنوان یک خودروی خانوادگی، در میان رقیبان جا باز کرده است. اما ایران خودرو به تولید سمند به عنوان اولین گام در مسیر خودروساز شدن اکتفا نکرد و دومین خودروی خود را با نشانی ایرانی به نام رانا راهی بازار کرد.

تولید سمند به عنوان اولین خودرو با نشان ایرانی توسط بزرگ‌ترین خودروساز خاورمیانه (ایران خودرو) نشان داد که می‌توان در صنعت خودروی کشور، گام‌هایی فراتر از مونتاژ برداشت. ساخت این خودرو در اوایل دهه ۸۰ شمسی، آغازی برای ایران خودرو بود که این شرکت را از فاز مونتاژ کاری به سمت خودروسازی با ظرفیت‌های طراحی و تولید پیش برد. سمند از زمان متولد شدنش تاکنون با تیپ‌های مختلف روانه بازار سدان‌های متوسط کشور شده و به عنوان یک خودروی خانوادگی، در میان رقیبان جا باز کرده است. اما ایران خودرو به تولید سمند به عنوان اولین گام در مسیر خودروساز شدن اکتفا نکرد و دومین خودروی خود را با نشانی ایرانی به نام رانا راهی بازار کرد.

این خودرو که بر پایه پلتفرمی از پژو ۲۰۶ اس.دی. بنا شد، با چهره‌ای جدید و به روز شده به بازار آمد تا سرباز جدید ایران خودرو در پیکار با حریفان باشد. طراحان ایران خودرو در شکل دادن به نمای ظاهری رانا، همه

سعی خود را به کار بردند تا خودرویی با سیمای جدید و شخصیتی تازه طراحی کنند که زیبایی و پویایی را به طور همزمان القا کند. در نماهای رو به رو و عقب تفاوت‌های طراحی این خودرو با ۲۰۶ کاملاً مشهود است. در واقع ایران خودرو با ساخت دومین خودروی ملی خود، نشان داد که در حال رسیدن به نقطه‌ای است که می‌توان کم‌کم گفت، به زودی دارای سبک مختص به خود در طراحی محصولات می‌شود. بر اساس نظرات مشتریان باید رانا را در رده خودروهای محبوب برای همه سنین قرار داد. زیرا تقریباً خریداران از هر طیف و سنی از طراحی رانا استقبال کرده‌اند و باید این خودرو را محبوب همه سنین نامید. طراحان بدنه رانا فقط سادگی و پویایی را مد نظر داشتند و در بخش ایمنی نیز سعی کرده‌اند تا به نقطه ایده‌آل برسند. از این رو نقاط مختلف بدنه با

توجه به رعایت اصول فنی و مهندسی و به کارگیری ورق‌های فولادی مستحکم در تولید بدنه یک پارچه با شاسی، در رانا به شکلی انجام شده که می‌تواند تنش‌های بالایی را تحمل کند.

رانا توانسته استانداردهای ۵۵ گانه در مورد خودروهای بازار کشور شامل شاخص‌های ایمنی فنی، راننده، سرنشین و عابر پیاده را کسب کند. ایمنی مختص به عابر پیاده در رانا با توجه به استانداردهای سخت‌گیرانه موسسه ایمنی راه‌های اروپا EuroNCAP طراحی شده و اصطلاحاً Pedestrian Impact نام دارد. استانداردهایی که در بخش ایمنی فعال بسیار سخت‌گیرانه است و کمتر خودروی داخلی در کشور توانسته آن‌ها را کسب کند. در بخش ایمنی حرکتی هم، رانا با داشتن ترمزهای مجهز به ABS+EBD می‌تواند اطمینان خاطر مناسبی در قدرت توقف برای راننده ایجاد کند. ایموبیلایزر، سیستم عیب‌یابی هوشمند (مالتی پلکس)، قفل مرکزی با ریموت رادیویی، کمربندهای ایمنی جلو با قابلیت تنظیم ارتفاع، سیستم کنترل بخار بنزین و دو کیسه هوای ایمنی را نیز به کابین بیفزاید تا جنس رانا در بخش ایمنی جور شود.

شاید یکی از دلایل موفقیت این خودرو در بازار، پیش‌رانه ۱,۶ TU۵، لیتری آن باشد؛ پیش‌رانه‌ای که بدون شک باید آن را از موفق‌ترین و باکیفیت‌ترین پیش‌رانه‌های تولید شده با حجم کم در کشور نامید. در واقع نصب این پیش‌رانه در سینه رانا با توجه به موفقیت‌ها و ظرفیت‌های این پیش‌رانه در بازار کشور است. جالب آن که پتانسیل

بالای این پیش‌رانه باعث شده تیونرهای بازار ایران بعد از گذشت مدت زمانی کوتاه از به بازار آمدن رانا، به ارتقای سطح فنی و تیونینگ این پیش‌رانه و در کل خودروی رانا اقدام کنند.

در راستای افزایش رضایت مشتریان ارتقای کیفیت رانا طبق دستور مدیرعامل گروه صنعتی ایران خودرو در دستور کار قرار گرفت و خریداران رانا به زودی، خودروهایی را تحویل خواهند گرفت که به جای ۴۰ هزار کیلومتر گارانتی، ۵۰ هزار کیلومتر گارانتی دارند و بخش مهم‌تر آن افزایش مدت گارانتی این خودرو از دو به سه سال است. حالا رانا می‌رود تا در دسته باکیفیت‌ترین تولیدات داخلی جای بگیرد. از مزایای دیگر این خودرو باید به کارت طلایی سه ستاره امداد خودرو اشاره کرد. هم‌چنین شبکه گسترده خدمات پس از فروش رانا بعد از گذشت حدود سه سال از ورود این خودرو به بازار، دیگر جای نگرانی برای پیدا کردن قطعات یدکی آن باقی نمی‌گذارد.

ایران خودرو برای رانا لیست بلند بالایی از تجهیزات سفر شمی را از طریق نمایندگی‌های شرکت آپکو (شرکت خودروهای سفر شمی ایران خودرو) نیز در نظر گرفته که از جمله می‌توان به ست کامل اسپرت بدنه، سامانه رهیاب آپکو، دزدگیر تصویری، دوربین دید عقب، سیستم صوتی HENZA، کروزر کنترل، کیت فیلتر هوای ویژه تا شمع‌های اورجینال ایریدیوم اشاره کرد.

بازار خودروی ایران بعد از تغییرات سیاسی ماه‌های اخیر و شل شدن گره تحریم‌ها، می‌رود تا در مسیری رقابتی تر قرار بگیرد. از این رو ایران خودرو، رانا را برای رقابت با حریفان مختلف آماده می‌کند.

شایان ذکر است این خودرو با پیش‌رانه ۱۰۵ اسب بخاری و با میانگین مصرف سوخت ۶,۹ لیتر در صد کیلومتر و رنگ‌های متنوع راهی بازار شده است. با این حال اندکی زمان نیاز است تا رانا بتواند سهم بیشتری از بازار را به خود اختصاص دهد؛ سهمی که بی‌شک بخشی از آن را چینی‌ها به رانا واگذار خواهند کرد.





کارخانه آرد آسیابان

نگین طلایی آرد سازی ایران در هرمزگان



دو بندرعباس، خوشه های طلایی گندم را تبدیل به آردهایی مرغوب و باکیفیت می کند و این کارخانه توانسته است نامی پرآوازه از هرمزگان و بندرعباس را در بخش تولید آرد مرغوب در کشور معرفی نماید. هادی دادگر رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل شرکت آرد آسیابان با بیان تاریخچه کارخانه آرد آسیابان در بندرعباس گفت: کارخانه آرد آسیابان از سال ۱۳۷۷ در بندرعباس فعالیت خود را آغاز نموده است و در حال حاضر این کارخانه، بزرگترین کارخانه آرد کشور به شمار می رود.

تجهیز کارخانه آرد آسیابان به ماشین آلات بولر آلمان و سوئیس

«هادی دادگر» گفت: کارخانه آرد آسیابان به تکنولوژی روز دنیا و صنعت بولر آلمان و سوئیس مجهز می باشد و ماشین آلات کارخانه آرد آسیابان از این نوع صنعت که معتبرترین ماشین آلات آرد سازی دنیاست را تولید می کند، می باشند.

دادگر افزود: حجم سرمایه گذاری در این کارخانه با محاسبه امروزه بالغ بر صد میلیارد تومان می باشد و این مجموعه توسط بخش خصوصی راه اندازی و اداره می شود. وی گفت: در کارخانه آرد آسیابان بندرعباس ظرفیت تولید بهترین نوع آرد و با هر نوع آنالیز برای قنادی، ماکارونی، فانتزی و سنتی و صنعتی با مناسب ترین شرایط بهداشتی وجود دارد و بدون دخالت دست، انواع آرد تولید می شود.

مدیرعامل شرکت آرد آسیابان با بیان اینکه کارخانه ظرفیت تولید ماهیانه ۲۱ هزار تن آرد را داراست، گفت: اما در حال حاضر به دلیل کمبود تقاضا فقط سه هزار تا چهار هزار و ۵۰۰ تن آرد تولید می کنیم و حتی توانایی تبدیل گندم به آرد سایر استان ها را نیز داریم. وی گفت: توانایی تولید آرد ماکارونی را داریم، اما کارخانه تولید ماکارونی در استان هرمزگان وجود ندارد و اجازه خروج این آرد از استان را نداریم. همچنین ظرفیت تولید آرد قنادی و ستاره ۲۳ درصد برای نان های فانتزی را داریم، اما قنادی ها و نان فانتزی بزی ها از آرد سایر استان ها استفاده می کنند. دادگر گفت: انتظار داریم که اجازه ورود این نوع آرد

کارخانه آرد آسیابان یک گروه بزرگ صنعتی در جنوب ایران است که فعالیت خود را در زمینه تولید انواع آرد گندم (با ظرفیت بالقوه ۸۳۰ تن در روز ، واقع در بندرعباس) متمرکز نموده است، و با بهره گیری از مدرن ترین و برترین تکنولوژی و ماشین آلات روز دنیا بولر آلمان (سوئیس) و دارا بودن تجربه طولانی در صنعت آرد با یک تیم مجرب و فعال امکان تولید انواع بهترین آردها (نول ، ماکارونی ، نول قنادی ، ستاره ، سبوس گرفته) را داشته و بزرگترین و مجهزترین مجموعه تولیدکننده در ایران و خاورمیانه می باشد. شرایط استراتژیک کارخانه از لحاظ موقعیت جغرافیایی به جهت قرار گرفتن در مسیر ترانزیت و نزدیکی به خطوط راه آهن و بنادر مهمی چون بندر شهید رجایی، بندر امام خمینی و ... امکان برآوردن نیازهای مشتریان را در سراسر خاورمیانه و حوزه خلیج فارس و آفریقا فراهم نموده است.

به داخل استان داده نشود تا زمینه استفاده آردهای تولیدی توسط کارخانجات آرد استان فراهم شود که تصمیماتی توسط مسئولان استان در این بخش اخذ شده است و امیدواریم زودتر اجرایی گردد. به گفته وی ۴۰۰ تن آرد ستاره مرغوب در کارخانه ذخیره سازی شده است و هنوز اتحادیه نانویان این آرد را خریداری نکرده است. وی گفت: نیاز ماهانه آرد یارانه ای شهرداری بندرعباس سه هزار تن است که بر اساس سهمیه بندی صورت گرفته، بایستی این آرد توسط اتحادیه از کارخانه آرد آسیابان تامین و در اختیار نانویان سطح شهر قرار گیرد که در حال حاضر حدود نیمی از این میزان از کارخانه خریداری می شود. مدیرعامل شرکت آرد آسیابان گفت: همچنین ماهیانه ۱۵۰۰ تا ۲۰۰۰ تن آرد به تعاون روستایی جهت توزیع در روستاها تحویل می دهیم. وی قیمت کیسه های ۴۰ کیلویی آرد یارانه ای را ۳۲ هزار و ۲۰۰ تومان اعلام کرد. وی با قدردانی از حمایت های شرکت غله و خدمات بازرگانی منطقه شش کشور در راستای اجرای طرح سهمیه بندی عرضه آرد توسط کارخانجات آرد به نانویان در راستای کنترل و سالم سازی شبکه توزیع آرد گفت: از ماه گذشته با اجرای این طرح، وضعیت توزیع آرد بهبود یافته است و امیدواریم که سهمیه بندی براساس میزان سرمایه گذاری کارخانه ها، نوع تکنولوژی و ظرفیت تولید آرد انجام شود.

حمایت شرکت غله از کارخانجات آرد

دادگر گفت: مهندس «دشوارگر» مدیرعامل شرکت غله و خدمات بازرگانی منطقه شش از زمان انتصاب، برنامه های حمایتی از کارخانه های آرد را دارد که از ایشان قدردانی می شود. وی گفت: تلاش می کنیم ظرفیت ذخیره سازی گندم را در این مرکز از ۱۵ به ۳۰ هزار تن برسانیم. دادگر گفت: شرایط اقلیمی استان باعث افزایش استهلاک کارخانه، هزینه حامل های انرژی، خرید و نگهداری قطعات و ... شده است. وی حمایت دکتر «قنبری» معاون محترم وزیر جهاد کشاورزی و مدیرعامل شرکت مادر تخصصی بازرگانی دولتی ایران، دکتر «جادری» استاندار محترم و دلسوز هرمزگان، مهندس « دریا

نورد» رئیس محترم سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان هرمزگان، دکتر «دالمن» معاونت محترم امور عمرانی استانداری هرمزگان، مهندس «دشوارگر» مدیرعامل محترم، ساعی و دلسوز شرکت غله و خدمات بازرگانی منطقه شش کشور، «قاسمی» رئیس محترم سازمان صنعت، معدن و تجارت هرمزگان، «پویافر» فرماندار محترم بندرعباس، مهندس «حیدری پوری» رئیس محترم سازمان جهاد کشاورزی استان و «دولتی» در سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان را از شرکت آرد آسیابان بندرعباس قابل تقدیر خواند و اظهار داشت: با اعطای تسهیلات سرمایه در گردش توسط بانک ها به کارخانه جات آرد در استان، از این صنعت حمایت شود تا اینکه کارخانجات بتوانند گندم آزاد بیشتری بخرند و به آرد آزاد تبدیل کنند. وی بابیان اینکه ماهیانه ۴۰۰ تن سبوس این کارخانه براساس تصمیم سازمان حمایت از تولید کننده و مصرف کننده به استان بزد تحویل داده می شود، خواستار اعطای مجوز جهت فروش سبوس در استان به دامداری ها و ... با قیمت مناسب شد که این موضوع باعث تامین بخشی از هزینه های کارخانجات شود که مسئولان استان در حال پیگیری هستند و امیدواریم سریعتر محقق شود. وی گفت: اگر کارخانجات آرد استان حمایت نشوند، این کارخانجات به سمت بحران و خاموشی و بیکاری کارکنانش می شوند. در حال حاضر کارکنان کارخانه آرد آسیابان از روستاهای ایسین، سرخون، روستاهای اطراف و بندرعباس می باشند، زیرا سیاست این کارخانه اشتغال زایی برای بومیان است. وی گفت: در حال حاضر یکی از مهندسان شرکت بولر آلمان دو روز در ماه به کارخانه آرد آسیابان می آید و تلاش می کنیم آرد باکیفیت را تولید کنیم تا رضایت شهروندان و مصرف کنندگان را فراهم کنیم. این مهندس از ناوایی های سطح شهر هم بازدید می کند تا نوع آرد مورد نیاز نانویان را جویا شود تا همان آرد را تولید کنیم. وی گفت: در آزمایشگاه کارخانه آرد آسیابان، کنترل کیفیت از مرحله ورود گندم به کارخانه تا خروج آرد از کارخانه در چندین مرحله صورت می گیرد و آردها از لحاظ بهداشتی و میکروبی کنترل کیفیت می شوند. وی گفت: در کارخانه آرد آسیابان ۸۰ نفر بصورت دائم مشغول بکار هستند که در برخی

فصول تعداد کارگران به بیش از ۲۰۰ نفر می رسد و نیاز است که صنعت آرد استان مورد حمایت قرار گیرد. وی گفت: از اتحادیه نانویان انتظار داریم که از آردهای تولیدی استان بیشتر استفاده کنند. دادگر گفت: توقع داریم با بحران موجود در صنعت و تولید، از صنعت آرد استان حمایت بیشتری شود. وی از حضور یکی از معروفترین کارشناسان آرد سازی سوئیس به زودی در کارخانه آرد آسیابان خبر داد و گفت: این کارشناس از کارخانه هایی که ماشین آلات بولر در آنجا نصب شده اند، بازدید می کند.



دادگر مدیرعامل شرکت آرد آسیابان:

حمایت دکتر «قنبری» معاون محترم وزیر جهاد کشاورزی و مدیرعامل شرکت مادر تخصصی

بازرگانی دولتی ایران، دکتر «جادری» استاندار محترم و

دلسوز هرمزگان، مهندس «دریا نورد» رئیس محترم

سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان هرمزگان، دکتر «دالمن»

معاونت محترم امور عمرانی استاندار هرمزگان، مهندس

«دشوارگر» مدیرعامل محترم، ساعی و دلسوز شرکت غله و

خدمات بازرگانی منطقه شش کشور، «قاسمی» رئیس محترم

سازمان صنعت، معدن و تجارت هرمزگان، «پویافر» فرماندار

محترم بندرعباس، مهندس «حیدری پوری» رئیس محترم

سازمان جهاد کشاورزی استان و «دولتی» در سازمان مدیریت

و برنامه ریزی استان را از شرکت آرد آسیابان بندرعباس قابل

تقدیر است.

■ **گندم و آردها کنترل کیفی می شوند**
«حسین صادقی» کارشناس مهندسی علوم صنایع غذایی و مدیر کنترل کیفیت و مسئول فنی شرکت آرد آسیابان نیز گفت: گندم های ورودی به کارخانه قبل از تخلیه نمونه برداری شده و در صورت تایید، اجازه تخلیه داده می شود. صادقی گفت: گندم های ذخیره شده نیز مورد ارزیابی قرار می گیرند. همچنین آرد تولیدی در چندین مرحله مورد کنترل کیفیت قرار می گیرند و با استانداردهای لازم مورد مطابقت داده می شود. وی افزود: ارتباط با مشتریان توسط بخش کنترل کیفیت انجام می شود و بصورت برنامه زمان بندی فرم های نظرسنجی مشتری ارسال می شود و بازدهی های ادواری از ناوایی ها داریم. گفتنی است مسئولان مختلف از جمله مدیرعامل شرکت مادر تخصصی بازرگانی دولتی ایران، استاندار هرمزگان، فرماندار بندرعباس، مدیرعامل شرکت غله و خدمات بازرگانی منطقه شش، رئیس سازمان صنعت، معدن و تجارت از این کارخانه بازدید کرده اند.



نجات لپ تاپ از مرگ آب

ترفند

لپ تاپ‌ها علاوه بر ویژگی‌های بسیاری که دارند، معایب بسیاری را نیز ناخواسته به خود افزوده‌اند. نوع معماری این وسایل، طوری است که می‌تواند با یک اشتباه کوچک ضرر بزرگی را به آن وارد نماید. ریختن مایعاتی نظیر آب، چای، قهوه و حتی شیر، بر روی لپ تاپ بر اثر یک اشتباه ساده می‌تواند شمارا برای همیشه از لپ تاپ محبوبتان دور کند. پس مراحل زیر را انجام دهید:

❖ **لپ تاپ را سریعاً خاموش کنید.**
باتری را از جای درآورده و آداپتور A/C را نیز از لپ تاپ‌تان جدا کنید. انجام سریع و به موقع این عمل، لپ تاپ را از خطر ایجاد اتصال کوتاه در اثر تماس مایع با مدارهای لپ تاپ، نجات خواهد داد.

❖ **جدا کردن کابل ها و پورت ها**
هر گونه کابل USB و دستگاه‌های اکسترنال که به لپ تاپ‌تان متصل هستند، را از پورت مربوطه بیرون بکشید. بلافاصله لپ تاپ را کج کرده تا مایع نتواند به داخل لپ تاپ نفوذ کند.

❖ **پاک کردن رطوبت ها**
هر گونه رطوبتی که بر روی لپ تاپ مشاهده می‌شود را، با یک دستمال کاغذی یا هر ماده جاذب و بدون پرز دیگری خشک کنید. صفحه کلید را بررسی کنید. بعضی از صفحه کلیدهای به کار گرفته شده در لپ تاپ‌ها طوری طراحی شده‌اند که از قسمت‌های داخلی لپ تاپ در برابر مایع محافظت می‌کند. اگر بر روی صفحه کلید اثراتی از مایع مشاهده می‌شود، کی‌بورد را از محافظه‌اش جدا کرده و آن را کج کنید تا مایع از آن، خارج شود. هر چیز چسبیده‌ای که بر روی لپ تاپ‌تان ریخته را، تمیز کنید. این مایع ممکن است بر روی نمایش گر، کلیدهای کی‌بورد و هر دکمه دیگری از لپ تاپ‌تان ریخته باشد. برای تمیز کردن چنین مایعی، از یک پارچه نرم، مرطوب و بدون پرز استفاده نمایید. از خود در برابر ترشحات الکترواستاتیک، محافظت کنید. الکتروسیسته ساکن می‌تواند به ولتاژ بسیار بالایی تبدیل شود. الکتروسیسته ساکن موجود در دست و بدن، می‌تواند به لپ تاپ آسیب جدی وارد کرده و سبب نابودی اجزای سخت افزاری آن، شود. تجهیزات سخت افزاری لپ تاپ را خارج کنید. اگر شما نمی‌توانید تمام اجزای سخت افزاری لپ تاپ را از آن جدا سازید، باید لپ تاپ را باز کرده و سپس قسمت‌های حیاتی لپ تاپ‌تان را خارج کنید. برخی از موادی که سهواً بر روی لپ تاپ ریخته‌اند، می‌تواند به اجزای سخت افزاری آسیب جدی وارد نمایند. اگر شما با باز و بسته کردن لپ تاپ آشنایی ندارید، این عمل را به دست یک فرد متخصص و با تجربه بسپارید.



مترو تهران

معرفی اپلیکیشن

برای اینکه در ترافیک سرسام آور تهران گرفتار نشوید، یکی از بهترین راهکارها سفر با مترو است. متروی تهران مشکل رفت و آمد بسیاری از کارمندان، دانشجویان و دانش آموزان را حل کرده و تا حد زیادی از بار ترافیکی این کلان شهر کاسته است. برای مسیریابی بهتر و اطلاع از وضعیت ایستگاه‌ها، می‌توانید از اپلیکیشن "مترو تهران" استفاده کنید. مترو تهران از چهار بخش مجزا تشکیل شده است: فهرست ایستگاه‌ها، مسیریابی، نزدیک ترین ایستگاه و نقشه. در بخش نخست قادرید کلیه ایستگاه‌های مترو در خطوط ۱ تا ۵ مترو را مشاهده کنید. با اشاره روی نام هر ایستگاه، صفحه مخصوص به آن باز خواهد شد. در این صفحه قادرید از اطلاعاتی مثل آدرس دقیق ایستگاه، زمان بندی حرکت قطار، مراکز مهم اطراف و خطوط اتوبوس و تاکسی مربوط به هر ایستگاه با خبر شوید. پایین همین صفحه هم امکانات هر ایستگاه ذکر شده، مثلاً با مراجعه به منوی ایستگاه صادقیه می‌توانید از وجود سرویس بهداشتی، پارکینگ، دستگاه خود پرز، فوریت های پزشکی، غرفه غذایی و امکانات دیگرش مطلع گردید. قابلیت دیگر مترو تهران مسیر یابی است.

«بیپ تونز» یکی از اولین و البته کامل ترین مجموعه های موسیقی کشور است که آرشیوی جامع از آثار فارسی را در خود جای داده. این سرویس که با شعار "رعایت دانهلود قانونی" ایجاد شده، بستری را فراهم آورده تا کاربران آثار فارسی مورد علاقه خود را جستجو کنند، به آنها گوش فرا دهند و در صورت تمایل نسبت به خریدشان اقدام کنند. اپلیکیشن بیپ تونز از ظاهری زیبا و مدرن برخوردار است که همین باعث شده گشت و گذار در آن بسیار لذت بخش باشد. به کمک این برنامه می‌توانید از داغ ترین آهنگ ها مطلع شوید و همچنین جدیدترین آثار ارائه شده به بازار را پیدا کنید. سیستم فروش بیپ تونز به صورت تک آهنگ و آلبومی است. به این شکل کاربر همیشه مجبور به خرید کل آلبوم نمی‌شود و در صورتی که تنها یک یا چند آهنگ خاص را مد نظر دارد، می‌تواند نسبت به خرید غیر آلبومی اقدام نماید. اپلیکیشن بیپ تونز برای انجام تراکنش مالی خود، از سیستم پرداخت درون برنامه ای کافه بازار بهره می‌برد؛ یعنی شما می‌توانید برای خرید آهنگ‌ها از اعتبار کافه بازاری خود استفاده نمایید و البته هر گاه تمایل داشته باشید، خرید از طریق کارت های متصل به شبکه شتاب میسر است.

بیپ تونز

مترجم گوگل یا همان Google Translate را بی شک می‌توان یکی از بهترین و مفید ترین ابزارهای این غول دنیای تکنولوژی دانست. این مترجم در دل خود زبان های متعددی را جای داده و می‌تواند تمام آن‌ها را به یکدیگر ترجمه نماید. اپلیکیشن این سرویس برای موبایل های هوشمند موجود است و مترجم گوگل را به جیب شما می‌آورد تا همواره آن را در اختیار داشته باشید و هر گاه که خواستید از آن بهره ببرید. این اپلیکیشن از امکانات جالبی برخوردار است که به نوعی آن را تبدیل به بهترین دیکشنری موجود برای فارسی زبانان می‌کند. در ادامه سعی می‌کنیم مروری داشته باشیم بر ویژگی های این اپلیکیشن جذاب و کاربردی. با دیجیاتو همراه باشید. گوگل ترنسلیت یک سرویس آنلاین است، اما خوشبختانه گوگل قابلیت ترجمه آفلاین را برای اپلیکیشن آن فراهم کرده است. برای استفاده از این موضوع، ابتدا باید مجموعه زبان مورد نظر خود را دانهلود نمایید تا اطلاعات آن بر روی دستگاه شما ذخیره شود.

Google Translate

۵ کاربرد جالب کلید Alt

- ❖ **Alt**، این کلید کوچک که در سطر آخر کیبورد که در میان دو کلید ویندوز و Space جا خوش کرده است را چندان دست کم نگیرید! چرا که کلید بسیار کارآمد و با استفاده ای برای حرفه ای‌ها است. در این جا قصد داریم شما را با ۵ کاربرد جالب کلید Alt آشنا کنیم تا شما نیز به اهمیت آن پی ببرید.
- ❖ برای رسیدن به Properties کافیسیت Alt را نگه داشته و روی فایل مورد نظر دوبار کلیک کنید.
- ❖ کلید Alt در هر پنجره ای، با یک فشار منوهای پنجره را فعال می‌کند و با ترکیب آن با هر کدام از حروف منوها، که زیر آن خط کشیده شده است، پنجره مربوط به آن منو را باز میکند.
- ❖ در مرورگر اینترنت اکسپلورر، ترکیب Alt و End شما را به آخرین صفحه ای که مشاهده کرده اید خواهد برد.
- ❖ در مرورگر اینترنت اکسپلورر، ترکیب Alt با یکی از دو کلید جهت راست و چپ، عمل Back و Forward را انجام می‌دهد.
- ❖ با ترکیب Alt و Tab شما می‌توانید به سهولت پنجره های فعال ویندوز را جابه جا کنید.

فایلهای PDF را به حرف در آورید!

مطمئناً شما نیز نرم افزار Adobe Reader که برای اجرای فایلهای PDF استفاده میشود را میشناسید. اکنون قصد داریم یک ترند جالب را به شما معرفی کنیم که با استفاده از آن میتوانی فایلهای PDF خود را که توسط این برنامه اجرا کرده اید، با صدای نرم افزار گوش بدهید. یعنی برنامه متون انگلیسی شما را به سادگی برای شما میخواند و شما گوش میکنید! برای این کار دقت کنید همان طور که گفته شد Adobe Reader تنها متون انگلیسی را برای شما میخواند. دیگر اینکه فایلهای PDF را پشتیبانی میکند که از صفحات زیاد ساخته نشده باشند. در غیر صورت لام تا کام حرف نمیزند!
بدین منظور:
فایل PDF مورد نظر را توسط نرم افزار Adobe Reader اجرا کنید.
سپس با استفاده از کلیدهای ترکیبی کیبورد اعمال زیر را انجام دهید:
کلیدهای Ctrl + Shift + B = خواندن کل متن شما
کلیدهای Ctrl+ Shift + V = خواندن صفحه ای که در آن هستید
کلیدهای Ctrl + Shift + E = متوقف کردن عمل خواندن نرم افزار
کلیدهای Ctrl + Shift + C = ادامه دادن عمل خواندن نرم افزار

اخبار فناوری



Huawei P9

هوآوی از جدیدترین پرچمدار خود با نام P9 رونمایی خواهد کرد و باعث شگفت همگان خواهد شد. گفته می‌شود این گوشی مجهز به ۶ گیگابایت فضای رم است که تاکنون در هیچ گوشی هوشمند دیگری شاهد این حجم فضای رم نبوده ایم. همچنین پیش از این در ماه اکتبر سال ۲۰۱۵ طی خبرهایی که منتشر شده بود مشخص گردید که دوربین ۱۳ مگاپیکسلی این گوشی از لنزهای چند تکه بهره برده است و برای ثبت تصاویر بهتر با جزئیات بیشتر از دوربین دوگانه برای این گوشی استفاده شده است. گویا برای بهینه سازی تصویربرداری این گوشی از چندین الگوریتم بهینه سازی عکاسی نیز استفاده شده است.



Sharp Aquos Xx

شارپ در سری تلفن های هوشمند Aquos خود، تمرکز زیادی بر روی بدون حاشیه بودن نمایشگر خود دارد و یکی از بهترین های شارپ در این زمینه هم. این تلفن است که ما آن را ۶ گیگابایت فضای رم است که تاکنون در هیچ گوشی هوشمند دیگری شاهد این حجم فضای رم نبوده ایم. همچنین پیش از این در ماه اکتبر سال ۲۰۱۵ طی خبرهایی که منتشر شده بود مشخص گردید که دوربین ۱۳ مگاپیکسلی این تلفن دارای وضوح ۱۹۲۰ در ۱۰۸۰ پیکسل بوده و دارای تراکم ۲۸۶ پیکسل در اینچ است. این تلفن دارای پردازنده قدرتمند ۶۴ بیتی اسنپدراگون ۸۱۰ است که با ۳ گیگ رم همراهی می‌شود. دوربین این دستگاه هم در عقب ۱۳.۱ مگاپیکسلی بوده و این دستگاه از یک دوربین جلوی ۲.۱ مگاپیکسلی نیز بهره می‌برد.



One Touch Fierce XL

در حالی که پیش از این نسخه اندروید گوشی میان رده Alcatel One Touch Fierce XL در چهار توسط MetroPCS و T-Mobile معرفی و عرضه شده بود اخیراً نسخه ویندوز ۱۰ این گوشی نیز به صورت رسمی توسط T-Mobile عرضه شده است. گفتنی است اپراتور T-Mobile این گوشی را با رنگ فیروزه‌ای در دسترس کاربران خود قرار داده است. گوشی فوق با صفحه نمایش ۵.۵ اینچی و رزولوشن ۷۲۰p به چیپست اسنپدراگون ۸۲۰ با پردازنده گرافیکی آذر نو ۵۳۰ مجهز است. همچنین براساس تصویر منتشر شده گوشی فوق دارای چهار گیگابایت فضای رم، یک دوربین اصلی ۱۲ مگاپیکسلی و یک دوربین سلفی ۵ مگاپیکسلی است.



Galaxy S7 Edge

سامسونگ در نظر دارد از جدیدترین پرچمدارش با نام گلکسی اس ۷ در چهار مدل رونمایی کند که احتمالاً دو مدل دارای صفحه نمایش عسادی و دو مدل دارای صفحه نمایش خمیده (Edge) خواهند بود. این گوشی با صفحه نمایش ۵.۷ اینچی QHD به چیپست اسنپدراگون ۸۲۰ با پردازنده گرافیکی آذر نو ۵۳۰ مجهز است. همچنین براساس تصویر منتشر شده گوشی فوق دارای چهار گیگابایت فضای رم، یک دوربین اصلی ۱۲ مگاپیکسلی و یک دوربین سلفی ۵ مگاپیکسلی است.



Xperia 15

نسخه صورتی رنگ گوشی سونی اکسپریا Z5 معرفی شد. طی چند روز گذشته خبرهایی مبنی بر تصمیم سونی برای عرضه نسخه‌ی صورتی پرچمدار سال ۲۰۱۵ خود شنیده می‌شد. حال سونی به طور رسمی از این رنگ جدید برای Z5 پرده برداشت. با ما همراه باشید.



Xiaomi Redmi 3

سرانجام کمپانی چینی شیائومی جدیدترین گوشی میان رده خود را با نام Redmi 3 معرفی کرد. گوشی فوق با چیپست جدید اسنپدراگون ۶۱۶ دارای صفحه نمایش ۵ اینچی با رزولوشن HD است. این گوشی با دو گیگابایت فضای رم، ۱۶ گیگابایت حافظه داخلی قابل افزایش است.



S7 - G930A

تیم AnTuTu در حساب کاربری Weibo خود تصویری از بررسی گوشی سامسونگ گلکسی S7 با نام کد SM-G930A منتشر کرده اند که به صفحه نمایش ۵.۱ اینچی مجهز است. Samsung Galaxy S7 در سه اندازه ۵.۱، ۵.۵ و ۶ اینچی و در دو مدل ساده و Edge در دسترس خواهد بود.



Mi 5

پرچمدار کمپانی چینی شیائومی با نام Mi 5 یک گوشی فوق با چیپست اسنپدراگون ۸۲۰ احتمالاً به چهار گیگابایت فضای رم، دوربین اصلی ۱۶ مگاپیکسلی، دوربین سلفی ۱۳ مگاپیکسلی و صفحه نمایش ۵.۲ اینچی QHD و باتری ۳۶۰۰ میلی آمپر ساعتی مجهز خواهد بود.



Karalux

شرکت معروف Karalux که مقر آن در ویتنام قرار دارد جدیداً اقدام به لوکس سازی گوشی نوکیا ۲۳۰ کرده است. این گوشی که امروزه بیشتر به عنوان گوشی دوم از سوی کاربران مورد استفاده قرار می‌گیرد به عنوان یک گوشی ساده مطرح است و در زمره گوشی های هوشمند قرار نمی‌گیرد.



Vivo

کمپانی آمریکایی BLU در نمایشگاه CES ۲۰۱۶ از دو گوشی جدید خود با نام های Vivo 5 و Vivo XL رونمایی کرد. هر دو گوشی به صفحه نمایش ۵.۵ اینچی SuperAMOLED با رزولوشن ۷۲۰p و چیپست MediaTek با پردازنده هشت هسته ای مجهز است.



Lumia 650

لومیا ۶۵۰ یکی از جدیدترین اعضای خانواده مایکروسافت لومیا است. این گوشی که بیشتر به عنوان یک گوشی پایین رده مطرح است از مدت های پیش در خبرها و شایعات حضور دارد اما با نزدیک شدن به زمان عرضه رسمی گوشی فوق تصویر جدیدی از این گوشی فاش شده است که آن را با فریم فلزی نشان می‌دهد.



غول‌های گوشی در راهند

۴۰۰۰ امپیر ساعت، افزایش چشمگیری داشته است. انتظار می‌رود که باتری‌ها به صورت وایرلس شارژ شوند.

❖ **سرفیس فون (Microsoft Surface Phone)** شایعات به گوش رسیده از گوشی سرفیس بسیار محدود و پراکنده اند و حتی برخی فکر می‌کنند اصلاً چنین گوشی وجود نخواهد داشت. شایعات به گوش رسیده از گوشی سرفیس بسیار محدود و پراکنده اند و حتی برخی فکر می‌کنند اصلاً چنین گوشی هوشمندی وجود نخواهد داشت. اما اخیراً خبرگزاری Wired اعلام کرد که معاون رئیس مایکروسافت، پائوس پنی در حال تلاش روی مدل‌های اولیه‌ی یک گوشی است. احتمالاً این گوشی ساخته خواهد شد و باید در سال ۲۰۱۶ منتظر آن باشیم. ویژگی‌های احتمالی این گوشی عبارتند از: نمایشگر ۵.۵ اینچ کواد اچ دی، ۴ گیگابایت رم، ۶۴ گیگابایت حافظه داخلی، ۱۲۸ گیگابایت حافظه‌ی خارجی با پشتیبانی میکرو SD کارت، پردازشگر ۶۴ بیت اینتل، ۱۲ مگاپیکسل دوربین پشت، ۸ مگاپیکسل دوربین سلفی. این گوشی‌ها احتمالاً قلم مخصوص سرفیس و پورت USB مدل C را دارند.

❖ Nextbit Robin

معمولاً کمپنی‌های کیک استارت حرف زیادی برای گفتن ندارند، اما Nextbit Robin از این قاعده مستثنی است و امیدواریم محقق شود. این شرکت در سال ۲۰۱۲ تاسیس شد. معمولاً کمپنی‌های کیک استارت حرف زیادی برای گفتن ندارند، اما Nextbit Robin از این قاعده مستثنی است و امیدواریم محقق شود. این شرکت در سال ۲۰۱۲ تاسیس شد. تمام کارکنان اصلی آن از آغاز با اندروید همکاری نزدیک و همیشگی داشته‌اند. این گوشی مجموعه‌ای از ویژگی‌های گوشی‌های عرضه شده از جمله HTC One M8 و M8 را جمع‌آوری کرده است. انتظار می‌رود این گوشی در فوریه (بهمن) ۲۰۱۶ با قیمت مناسب ۳۹۹ دلار آماده‌ی فروش باشد. اولین گوشی تولیدی این شرکت، نسبت به سایر گوشی‌های اندرویدی بازار یک ویژگی متفاوت دارد. با وجود حافظه‌ی داخلی گوشی، برای ایجاد فضای بیشتر و کاربری بالاتر، عکس‌ها و اپلیکیشن‌های باز بدون استفاده از بر روی حافظه کلود قرار می‌دهد.

این فیلت با نمایشگر بزرگ آن (از عدد ۶ در نام گوشی) چنین برداشتی شده است، پورت USB مدل C را در گوشی‌های اندرویدی برای انتقال اطلاعات و شارژ گوشی، پشتیبانی می‌کند.

❖ اچ تی سی وان ام ۱۰ (HTC One M10)

با اینکه شاهد عرضه‌ی HTC One M9 در ماه اکتبر (مهر) بوده‌ایم، اما انتظار داریم که شرکت HTC از گوشی جدید خود با نام HTC One M10، در کنفرانس جهانی موبایل در ماه مارس ۲۰۱۶ (اسفند) رونمایی کند. با اینکه شاهد عرضه‌ی HTC One M9 در ماه اکتبر (مهر) بوده‌ایم، اما انتظار داریم که شرکت HTC از گوشی جدید خود با نام HTC One M10، در کنفرانس جهانی موبایل در ماه مارس ۲۰۱۶ (اسفند) رونمایی کند. این شرکت معمولاً گوشی‌های تولید خود را در کنفرانس جهانی موبایل به نمایش می‌گذارد و این بار مدیر عامل این شرکت، خانم شر ونگ وعده داده است که نوآوری و طراحی‌های چشمگیری را در گوشی پرچمدار HTC خواهیم دید. تنها مسأله‌ای که گوشی‌های HTC را از رقبایش عقب می‌اندازد، نمایشگرهای آن هستند. گوشی‌های M9، به جای نمایشگرهای کواد اچ دی، از رزولوشن فول اچ دی بهره‌مند شده‌اند؛ با اینحال امیدواریم تغییری در جهت بهبود این قسمت و سایر قسمت‌های اجرایی این گوشی را شاهد باشیم.

❖ ال جی جی ۵ (LG G5)

از زمان عرضه‌ی ال جی G4 زمان زیادی نگذشته است، با اینحال ال جی G5 تا پایان بهار ۲۰۱۶ آماده‌ی فروش خواهد بود. از زمان عرضه‌ی ال جی G4 زمان زیادی نگذشته است، با اینحال ال جی G5 تا پایان بهار ۲۰۱۶ آماده‌ی فروش خواهد بود. اطلاعات موجود از گوشی پرچمدار بعدی ال جی بسیار اندک است. شایعات بر این مبناست که شرکت ال جی برای تعبیه‌ی اسکنرهای ایریس در گوشی‌های ال جی G5 با شرکت Irience همکاری می‌کند. این مسأله کمی شگفت‌انگیز است چرا که گوشی‌های ال جی G4 حتی از ویژگی اسکنر اثر انگشت برخوردار نیستند. این تکنولوژی جدید نیست و ما در گوشی‌های UMI Iron شاهد آنها بوده‌ایم، اما این اولین بار است که تکنولوژی ایریس به کاربران بریتانیایی معرفی می‌شود. باتری احتمالی ال جی G5 با ظرفیت

سال ۲۰۱۵ هم تمام شد، سالی که در آن گوشی‌های هوشمند بسیاری معرفی گردید و دیگر قرار نیست شاهد عرضه پرچم دار جدیدی در این سال باشیم. اکنون تمام نگاه‌ها به سال ۲۰۱۶ و گوشی‌هایی که قرار است در این سال رونمایی گردد دوخته شده. کمپانی‌های بزرگی همچون سامسونگ، اپل، سونی، ال جی، اچ تی سی و... محصولات جدیدی در راه دارند و تکنولوژی گوشی‌های هوشمند در این سال یک قدم دیگر رو به جلو بر خواهد داشت. در این مطلب می‌خواهیم شما را با بهترین گوشی‌هایی که انتظار داریم در سال ۲۰۱۶ معرفی گردند آشنا کنیم:

❖ اپل آیفون ۷ (Apple iPhone 7)

آیفون ۷ گوشی پرچمدار جدید اپل در سال ۲۰۱۶، طبق معمول همیشه در ماه سپتامبر (شهریور) معرفی می‌شود. آیفون ۷، گوشی پرچمدار جدید اپل در سال ۲۰۱۶، طبق معمول همیشه در ماه سپتامبر (شهریور) معرفی می‌شود. اگرچه تا ماه عرضه‌ی این محصول مدت زیادی باقی مانده است، اما شایعات مربوط به آیفون ۷ سر زبان‌ها هستند. شایعاتی از قبیل تغییرات بزرگ در طراحی آنها مانند جک هدفون، قابلیت ضد آبی و eSIM، همچنین شایعات مربوط به تغییرات صفحه نمایشگر را شنیده‌ایم. کمی دقیقاً نمی‌دانیم که آیا اندازه، انحنا، قدرت لمس و سایر ویژگی‌های آنها متفاوت خواهد بود یا خیر. تنها از یک چیز مطمئن هستیم، آیفون ۷ با پردازشگر A10، کمک پردازنده‌ی M10 و رم ۲ گیگابایتی، قطعاً عملکرد سریعتری خواهد داشت.

❖ نکسوس ۶ گوگل (Google Nexus 6)

بهره‌مندی از تراشه‌ی اسنپ دراگون ۸۲۰، این گوشی را قدرتمند تر کرده است. شایعات حول نکسوس ۶ خیلی زود منتشر شده‌اند، گوشه‌ای از آن بدین شرح است: تولید این گوشی هوشمند را شرکت هواوی در دست دارد. بهره‌مندی از تراشه‌ی اسنپ دراگون ۸۲۰، این گوشی را قدرتمند تر کرده است. قابلیت شارژ سریع ۳۰ و بهره‌وری موثر انرژی را می‌توان از ویژگی‌های دیگر نکسوس ۶ سال ۲۰۱۶ نام برد. علاوه بر تمام موارد ذکر شده، این گوشی‌ها سیستم عامل اندروید N را پشتیبانی می‌کنند و احتمالاً در ماه اکتبر آماده می‌شوند.



زیر ذره بین

International CES

برترین‌های



۲۰۱۶ CES نیز با تمام اتفاقات و حواشی که داشت به پایان رسید. از میان محصولات معرفی شده، لپ‌تاپ‌ها مانند تلویزیون‌ها از تنوع بیشتری برخوردار بوده و محصولات قدرتمندی نیز معرفی شد. حال نوبت آن رسیده که شما برترین لپ‌تاپ معرفی شده را انتخاب کنید. در ادامه با ما همراه باشید.

Lenovo Thinkpad X1

لنوو توانست محصولات قدرتمندی را در رویداد CES ۲۰۱۶ معرفی کند. در کنار یک لپ‌تاپ گیمینگ حرفه‌ای، لپ‌تاپ Thinkpad X1 yoga نیز رونمایی شد که دارای نمایشگر QHD با قابلیت چرخش ۳۶۰ درجه‌ای است. رزولوشن این نمایشگر ۲۵۶۰ در ۱۴۴۰ بوده و پنل OLED دارد. جالب است بدانید که کمپانی اعلام کرده این لپ‌تاپ جدید قرار است همراه با پردازنده‌ی کم مصرف سری U نسل ششم اینتل Core iV به همراه یک ترابایت حافظه‌ی داخلی SSD عرضه شود.

Acer Aspire Switch 12.5

لپ‌تاپ جدید ایسر یک تبدیل شونده‌ی ۲ در ۱ است که تنها ۷.۸۵ میلی‌متر ضخامت دارد. در زیر قاب این لپ‌تاپ فوق باریک از یک پردازنده‌ی نسل ششم اینتل Core M استفاده شده. جالب است بدانید که این لپ‌تاپ دارای درگاه USB-C بوده و از انتقال سریع اطلاعات پشتیبانی می‌کند. اگر قصد خرید چنین لپ‌تاپی را داشته‌اید، بهتر است بدانید که در مدل ۴K و Full HD عرضه می‌گردد که هر دو دارای شیشه‌ی محافظ گوریلا ۴ خواهند بود.

LG Gram 15

جدیدترین لپ‌تاپ ال جی دارای یک صفحه‌ی ۱۵.۶ اینچی بوده و قرار است که از پردازنده‌ی اینتل Core i5 یا i7 استفاده کند. محصول جدید ال جی فقط ۱۶.۷ میلی‌متر ضخامت دارد و وزن آن نیز تنها ۹۸۰ گرم است. این لپ‌تاپ به صورت از پیش نصب شده دارای ویندوز ۱۰ بوده و ۸ گیگابایت رم خواهد داشت. همچنین برای حافظه‌ی ذخیره‌سازی نیز می‌توانید بین ۲۵۶ یا ۵۱۲ گیگابایت حافظه‌ی داخلی حق انتخاب داشته باشید.

HP EliteBook Folio

در کنار Spectre X360 اچ پی از یک الیت بوک جدید به نام EliteBook Folio پرده برداری کرده که ظاهری شکیل و طراحی زیبایی دارد. این لپ‌تاپ که ۱۲.۴ میلی‌متر ضخامت و کمتر از یک کیلوگرم وزن دارد، می‌تواند تا ۱۰ ساعت بی‌نیاز به شارژ مجدد باشد. جالب است بدانید که این لپ‌تاپ نیز از صفحه‌ی ۴K استفاده می‌کند.

HP Spectre X360

اچ پی تاپ‌های جدیدی را معرفی نمود که Spectre X360 یک نمونه‌ی تکمیل شده با امکانات جدید از مدل قبلی در سال ۲۰۱۵ است. در مدل جدید از صفحه‌ی ۱۵.۶ اینچی ۴K با رزولوشن ۳۸۲۰ در ۲۱۶۰ پیکسل استفاده شده است. در این لپ‌تاپ تکنولوژی صدای Bang & Olufsen به کار رفته تا ۴ بلندگوی آن بتواند صدای بی‌ظنیری را تولید کند.

ورزشی-هنری

آخرین سلفی



فریدون آسرای در گفت و گو با

«افق تازه»

**خوانندگان
زیر زمینی به روی
زمین بیایند!**



جواد خیابانی:

**از شوخی های
مردم
ناراحت نمی شوم!**



METRO LAST LIGHT

مترو: آخرین نور

بازی مترو: آخرین نور (Metro: Last Light) بر اساس رمان مترو، اثر دیمیتری گلوخوفسکی نویسنده روس ساخته شده است که یک بازی اکشن ماجراجویی در ژانر ترسناک است.

نسخه جدید Redux بازی مترو ۲۰۳۳ شامل ویژگی های جدیدی می باشد. در این نسخه از بازی، گرافیک های بصری بازی بازسازی شده، فریم ریت بازی به ۶۰ افزایش پیدا کرده و اجزاء و ویژگی های بازی بهبود چشمگیری داشته است. نسخه Redux بازی، چیزی بیشتر از آپدیت یک بازی به نسخه HD می باشد! داستان بازی در بیست سال بعد از جنگهای اتمی به وقوع می پیوندد. زمانی که روسیه به علت عوامل شیمیایی و انواع بمب ویران شده است. فضای شهر کاملا فاسد و مخروبه شده و حتی تنفس هم در آن ممکن نیست و ناچاراً مردم به کانال ها و ایستگاه مترو پناه آوردند و اکنون زیرزمین ها و تونل ها هستند که ایالت های روسیه را شکل میدهند. شما در این بازی باید سربازی به نام آرتیوم را کنترل کنید که همراه با دوستان و سربازان دیگر وظیفه آزاد سازی افراد و نجات جان مردم باقیمانده و نیز پاکسازی تونل ها و مترو ها را بر عهده دارد. شما در این مکان تنها نیستید گروه های خرابکار و گروه هایی که نگرش نئونازیسیم دارند و موجودات جهش یافته در جای جای تونل ها و مترو ها پراکنده هستند. بین این گروه ها درگیری های زیادی شکل گرفته که با گذشت هر روز به وضع وخیم روسیه می افزاید و کنترل این گروه ها لحظه به لحظه سخت تر و دشوار تر میشود. شما باید در حکومت مطلق این گروه ها و موجودات، اولاً زنده بمانید دوماً وظیفه ی خود را به درستی انجام دهید. بسیاری از بازیباز ها و منتقدان داستان بازی را بر مبنای کمیک نوشته شده توسط دیمیتری گلوخوفسکی (Dmitry Glukhovsky) میدانستند اما اینگونه نشد و سازندگان اعلام کردند که داستان MLL دارای داستانی جداگانه نسبت به کمیک ۲۰۳۴ میباشد.



ناشر Metro: Last Light

سازنده 4A Games

پلتفرم ها PS۳ . PC . Xbox۳۶۰

ژانر اکشن ماجراجویی

امتیاز ۱۰

آخرین سلفی

رضا عبدی



بود. اما تلاش های علی پروین و بسیاری دیگر نیز چندان افاقه نکرده و خبرها همچنان حکایت از بازداشت سوشا و انتقال به زندان داشت. وکیل سوشا مکانی نیز اتهام اصلی سوشا و جزئیات پرونده را مطرح کرد. بهنام علی محمدی در گفت و گو با باشگاه خبرنگاران جوان عنوان کرد: اتهام اصلی سوشا مکانی انتشار عکس های خصوصی است و این مهمترین بخش پرونده است و البته در این چند روز اخیر شایعات زیادی در این باره شنیده شد که صحت نداشت. وی ادامه داد: هفت روز قبل هم گفتم حکم قرار بازداشت بدون وثیقه از دیدگاه من قانونی نیست و بیشتر قضات و دوستانم هم با من هم عقیده بودند و می بایستی همان روز با وثیقه آزاد می شد و خوشحالم که بالاخره بعد از هفت روز این اتفاق افتاد و سوشا آزاد می شود. علی محمدی ادامه داد: من در طول این مدت با سوشا حرف زدم و البته قبول دارم که سوشا کمی شیطنت می کرد، اما این اتفاق یک تلنگر برای سوشا بود و چه بسا اگر نمی افتاد اتفاقات بدتری در راه بود و تاثیر این اتفاق تا حدی بود که سوشا گفته است «بعد از آزادی اول سر قبر جهان پهلوان تختی میروم و توی زندان هم فقط کارم شده ذکر و دعا». سوشا چوب کارش را بیدجوری خورد و ما باید کمک کنیم تا به فوتبال برگردد. وی گفت: امروز قرار بود سوشا آزاد شود، اما کارشناس مرخصی بود و فردا این اتفاق می افتد و آن شالله پس از آزادی به این بابویه می رود و امیدوارم درس بزرگی گرفته باشد. به هر حال با گذشت چندی از این پرونده سوشا مکانی با قید وثیقه از زندان آزاد شد. پس از آزادی وی نیز شاهد اظهار نظر های فراوانی از این بازیکن بودیم. سوشا زمانی که راهی زندان شد در گفت و گویی اعلام کرده بود که تلگرامش هک شده است. اما مدیر عامل تلگرام می گوید که این شبکه اجتماعی هک نمی شود. روزنامه خبر ورزشی نقل قولی از مدیر عامل تلگرام را روی جلدش برده است با این مضمون: «هر کسی بتواند این کار را انجام بدهد ۳۰۰ هزار دلار به او جایزه می دهم». همچنین از زمانی که سوشا به زندان اوین رفته، شایعات مختلفی درباره او ساخته شده است. یکی از بدترین شایعات درباره سوشا، شایعه خودکشی او در زندان بود که اصلا مشخص نشد شایعه سازان به چه دلیل این شایعه را بر سر زبان ها انداختند. اما حالا این شایعه هم تکذیب شده تا مشخص شود که در مورد سوشا نباید خبری را به جز



آن هایی که از منابع رسمی اعلام می شوند، جدی گرفت. از طرفی بهنام علی محمدی وکیل سوشا مکانی که به جرم انتشار عکس های خصوصی اش و جوی که به خاطر آنها در فضای مجازی به وجود آمده اوین شده، از نوجوان ۱۶ ساله ای به عنوان متهم نام می برد که تلگرام این دروازه بان ملی پوش را هک کرده و تصاویر خصوصی او را در فضای مجازی منتشر کرده است. گرچه رئیس پلیس فتای تهران بزرگ سرهنگ محمد مهدی کاکوان این مسأله را رد می کند: «آنچه در برخی از رسانه ها و مطبوعات از قول بنده درباره جزئیات این پرونده یا ماجرای هکر ۱۶ ساله ای که گوشی این بازیکن فوتبال را هک کرده منتشر شده، کذب بوده و مورد تأیید نیست.» محمد حمیدی مسوول حراست فدراسیون فوتبال هم درباره پرونده این بازیکن فوتبال می گوید: «سوشا که برای ارائه توضیحات به حراست فدراسیون مراجعه کرده بود اصرار زیادی داشت که تلگرامش هک شده و ما هم از کارشناسان آی تی که سوال کردیم گفتند امکان هک تلگرام وجود دارد و احتمالا این بازیکن درست می گوید.» اما در نگاهی دیگر باید گفت هرچه سوشا مکانی، گلر قرمز پوشان پایتخت در یکی دو فصل حضور خود در تیم پرسپولیس تلاش کرد تا با حراست در مستطیل سبز به تیتیر رسانه ها تبدیل شده و به اصطلاح به چشم بیاید، به تازگی با اتفاقاتی به خبر داغ رسانه های مختلف تبدیل شد که بیرون زمین فوتبال رقم خورده بود. سالهای سال است که این سوال مطرح می شود و هر کس به فراخور حال و احوال خود به آن پاسخی متفاوت می دهد و پس از آن استدلال و توجیهات خود را بر بنای آن استوار می سازد. آن هم به شیوه ای که سرانجام مشخص نمی شود مشهور بودن برتر است یا محبوب بودن چرا که میان این دو، ارتباطی غیر قابل انکار وجود دارد و راه رسیدن به آنها چندان مشخص هم نیست. به عبارت بهتر، معلوم نیست که چه فردی مشهور است و چه فردی محبوب و از آن مهم تر، مشخص نیست که راه سر راست رسیدن به شهرت یا محبوبیت چیست. ابهامی که موجب می شود این سوال کماکان پابرجا بماند که شهرت برتر است یا محبوبیت و پیرو آن سلسله سوالاتی مطرح شود که بی پاسخ دادن به آنها نمی توان به جواب نهایی رسید. به عنوان مثال باید پرسید که اصلا مگر می شود فردی محبوب باشد اما مشهور نباشد؟ یا مگر ممکن است فردی مشهور شود و به محبوبیت نرسد؟ آن هم در روزگاری که ارتباطات و شبکه های ارتباطاتی مجازی نبض جامعه را در دست گرفته اند و ممکن نیست بدون خواندن رویدادها و دیدن تصاویر افراد، درباره

محبوب یا مشهور بودن فردی قضاوت کرد. این در حالی است که فراگیر شدن ارتباطات مجازی موجب شده برخی افراد بیشتر در معرض دیده شدن یا شنیدن نظراتشان باشند و پلکان رسیدن به شهرت و محبوبیت را سریع تر از دیگران طی کنند. امثال ورزشکاران، بازیگران و سیاستمداران این دسته هستند که به نسبت اساتید دانشگاه ها، نویسندگان و مولفان کتاب های مختلف شانس به مراتب بیشتری برای رسیدن به محبوبیت و شهرت دارند. البته این روند به نوعی در قدیم نیز به همین صورت بوده و کمتر رخ داده که فردی از دایره شهرت بیرون مانده باشد و به محبوبیت فراگیر رسیده باشد، هر چند بوده اند افرادی که که منش رسیده و در اوج محبوبیت قرار بگیرند. مثل پوریای ولی. اکنون بیایید به داستان اصلی برگردیم. به دستمایه ای که موجب نگارش این متن شد و به بهانه آن به یاد آوردیم که سوال بی پاسخ شهرت یا محبوبیت را بازخوانی کنیم. داستان سوشا که حالا در شهرت به نوعی به اوج رسیده است ولی احتمالا هواداران پرسپولیس تأیید می کنند تلاش بسیاری برای محبوبیت از خود نشان می داد. نیم نگاهی به اظهار نظر ها، تمرینات سخت، پست های منتشر شده توسط این گلر در دنیای مجازی و حتی جدیدی که در تصاویر او سوشا به ثبت رسیده کافی است تا دریابیم که او به شدت علاقمند بوده فوتبالیست محبوبی باشد و مورد تحسین هواداران سرخ پوشان یا حتی دیگر تماشاگران فوتبال در کشورمان قرار گیرد اما خواسته یا ناخواسته به دلیل دیگری به شهرت رسید و همه چیز برایش تغییر کرد. حالا او در اوج شهرت است. شهرت به معنای واقعی کلمه و بدون سخن گفتن درباره خوب یا بد بودن این شهرت، آن هم در شرایطی که نمی دانیم در محبوب شدن توانسته بود به کجا برسد و آیا شهرت اخیرش به آن جایگاه لطمه وارده کرده یا خیر. وضعیتی که نمی دانیم برای این فوتبالیست رضایت خاطری به همراه داشته یا به عکس، موجب رنجش خاطرش شده است اما برای اندیشیدن در خصوص سوال قدیمی شهرت و محبوبیت مناسب ارزیابی می شود. با این رویکرد که مثالی ناب برای بررسی این موضوع که کدام یک از دو مولفه شهرت یا محبوبیت بر دیگری برتری دارند، در اختیار داریم که می توان به نتایج بررسی آن اتکا کرد و آن را الگو قرار داد. چه برای مایی که دوست داریم طعم شهرت و محبوبیت را بچشیم و چه برای آنهایی که در آغاز راه شهرت یا محبوبیت هم قرار دارند و نمی دانند که چه کنند و چه نکنند. نظر شما چیست؟

به بهانه داستان سوشا مکانی؛ الزامات شهرت و محبوبیت و تکلیف ما



رضا حسن زاده کارشناس حقوقی فوتبال

صرفنظر از موضوع پرونده مطروحه و احتمالات حقوقی و قانونی آن که به جهت ملاحظه قانونی و اخلاقی از ذکر آن پرهیز می شود، دو نکته قابل تامل است.

اول

شناخت و رعایت الزامات اولیه و ضروری هر جایگاهی به اندازه خود آن جایگاه و حتی بیش از آن اهمیت دارد. به طور مثال ۵ سال قبل پیش از همه گیر شدن تلفن همراه در کشورهای اروپایی و آمریکا، آموزش و فرهنگ سازی وسیعی در خصوص باید ها و نبایدهای این تکنولوژی آغاز شد و نتیجه این اقدام، آگاهی، آسایش و امنیت عموم جامعه بوده است ولی در کشور ما هنوز هم شاهد بعضی نمادهای بی فرهنگی در خصوص استفاده از این وسیله هستیم و تازه پس از گرفتار شدن در مشکلات، به فکر راه حل، قانون و... می افتیم. یقیناً شهرت، محبوبیت و عضویت در پرطرفدارترین باشگاه ایران، آسیا و تیم ملی، آموزش و آگاهی و الزاماتی را طلب می نماید که نتیجه فقدان آن، همانی می شود که می بینیم. به تبع تاثیر گذاری فراوان پوشش، کلام، رفتار و ادبیات چهره های خاص و شان الگویی شان، طلب می نماید چنین افرادی ضمن پرهیز از بسیاری اقدامات، مراقبت های فراوانی از تصمیمات تاثیر گذار خود به عمل آورند. متأسفانه در بسیاری موارد تعادلی میان سطح شهرت و آگاهی هایی از این دست وجود ندارد. نهایتاً این مسئله به ضرر خود فرد و مهمتر از آن، جامعه و طرفداران و الگوپذیران می شود.

دوم

بسیار تأسف بار است که بعضی در این چند روز بسیار حریصانه به دنبال رقابت در کسب خبر جدید و انتشار دیوانه وار مستندات در خصوص سوشا دادگاه، دادسرا و همینطور اتفاقات آن، بعضاً به بیراهه رفته و ضمن دامن زدن به مشکلات موجود، به چهره ورزش و امنیت روانی جامعه چنگ زده اند. علاوه بر آموزهای دینی در خصوص حرمت تحقیق و انتشار اینگونه موارد و زیان به جامعه و آبروی افراد، در قوانین موضوعه کشور هم اینگونه اقدامات و تجسس های اخبار آن منع گردیده است و این بخشی از واقعیت زشت جامعه ورزش ماست. در نهایت قانون و منطق حکم می کند که ضمن احترام و اعتماد کامل به دستگاه قضایی و مقامات مربوطه و اجتناب از تلاش برای تحت تاثیر قرار دادن مقامات قضایی، اجازه داد تا اتهامات وارده در قضایی آرام و منطقی بررسی و اعلام نتیجه گردد که این موضوع به نفع فرد و جامعه به ویژه جامعه ورزشی است.

جواد خیابانی:

از شوخی های مردم ناراحت نمی شوم!

ثبت نام جواد خیابانی برای انتخابات مجلس، یکی دوروزی سوژه ورزش ایران بود. خیابانی که مدت هاست گزارش های فوتبالی با انتقادات زیادی مواجه شده، این بار می خواهد از سازمان صدا و سیما به مجلس کوچ کند تا در این نهاد قانون گذار ایفای نقش داشته باشد. جواد خیابانی در این مصاحبه درباره دلایل حضور در انتخابات مجلس حرف می زند.

سعيد اکبری



■ چی شد اصلا به این فکر افتادید که در انتخابات شرکت کنید؟

کاملا مشخص است. احساس کردم شاید با حضور خودم بتوانم با ارتباطاتی که می توانم برقرار کنم و اتفاقاتی که در این ۲۰ سال گذشته رخ داده و نگاه مثبتی که همه به خصوص مسئولان رده بالای شهرها استان ها و دولت به من دارند و اعتمادی که به من وجود دارد، بتوانم کمک خوبی به شهرم داشته باشم.

■ احساس وظیفه کردید؟

من فکر می کنم همه احساس وظیفه می کنیم از شمایی که قلم به دست می گیرید و می نویسید تا منی که یک مدت با میکروفون این کار را می کردم و فراتر از میکروفون با عنوان و قانون گذاری و ارتباطاتی که برقرار می شود این کار را انجام می دهم.

■ فکر می کنید چقدر شانس دارید که رای بیاورید؟

هیچ کس ناامید نیست هیچ مربی فوتبالی تیمش را رنج نمی کند که برود و در زمین بسازد همه برای پیروزی به زمین می روند ما هم امیدواریم با کمک مردم پیروز شویم.

■ چقدر شما در این سالها با سیاست آشنا بودید و چقدر اطلاعات دارید؟

من تحصیلات خودم جامعه شناسی است و نمی توانم دور از سیاست باشد. کلا من فضا را سیاسی نمی بینم و فکر می کنم نماینده مجلس خصلتی که دارد این است که از نظر اجتماعی، فرهنگی، ورزشی، ایجاد امکانات و... بیشتر یک پست قانونگذاری است و من خیلی فضای آن را سیاسی نمی بینم. سیاست متعلق به دولت و حکومت و خط فکری کلی کشور است.

■ نماینده های مجلس در این سالهای گذشته همیشه در گیر سیاست بوده اند؟

من خودم را درگیر نخواهم کرد. سیاست ما همان چیزی است که ولایت کشور و مقام معظم رهبری تعیین می کند و رئیس جمهور تعیین می کند. سیاست ما منطبق با سیاست های وزارت امور خارجه و کاملاً تبیین شده است. من موظف نیستم راجع به سیاست های کشور حرف بزنم اما می توانم راجع به رفاه مردم شهرم، اجتماع شهرم، امکاناتی که بای در شهرم برقرار شود و قوانینی که در شهرم برای بهبود وضعیت معاش مردم شهرم و کشورم باید وضع شود صحبت کنم.

■ یک سوالی که وجود دارد این است که وضعیت معاش مردم شاید خود شما هم احساس کرده باشید یک مقدار مردم مشکل پیدا کرده اند. شاید یک نمونه اش را خودتان هم آشنایی داشته باشید همین بحث استاد یوم رفتن مردم است. بعضی ها شاید همان ۱۵ هزار تومان پول بلیط را هم نداشته باشند که به استاد یوم بروند؟

به هر حال ما در کشور دچار مسائلی بودیم که خوشبختانه با تدبیر مسئولان حکومتی آن مسائل دارد برطرف می شود و بارف کامل آن مسائل و مشکلات وضعیت اقتصادی مردم بهتر خواهد شد. این اتفاق در حال رخ دادن است و من فکر می کنم آینده خوبی را برای کشور هم از نظر اقتصادی و هم از نظر معیشتی خواهیم دید. من خودم از خانواده خیلی معمولی هستم، پدرم کارگر جهاد کشاورزی و مادرم خانه دار بود زندگی آنچنان معمولی نداشتم و زندگی خیلی معمولی

تقریباً مثل ۸-۵۸ درصد مردم داشتم و خیلی کامل مردم را درک می کنم و می دانم مسائل و مشکلاتی دارند و وظیفه ما همین است که وقتی می توانیم به عنوان خدمتگزاران و نمایندگان آنها این کارها را بکنیم چرآن کنیم؟ من دیروز هم در یک مصاحبه گفتم اگر تغییری در رفتار من دیده شده اگر بعد از این اتفاق حساب بانکی همیشه خالی من پر شد و اگر اتفاقات دیگری در زندگی من افتاد مردم حق دارند هر چه دلشان می خواهد بگویند. اما به من این اجازه را بدهند تا بتوانم به عنوان کسی که می تواند کمکشان کند کمک کنم. مردم همه جلو و در صف هستند نماینده همیشه نباید جلودار باشد می تواند از پشت سر نگاه کند آنها را حمایت کند. من اعتقاد ندارم که نماینده باید رهبر مردم باشد یا من جلو بروم آنها پشت سر من بیایند. مردم همه باید بروند که راه را بلدند و می توانند بروند ما هم آن گوشه کنار در آن صفی که وجود دارد می توانیم برای آنها کارهایی را انجام بدهیم. من مطمئن می توانم و توانایی این را دارم که در حد قانونی خودم کاری کنم. الان اینها را به عنوان یک کاندیدا نمی گویم به عنوان یک شهروند می گویم چون الان تبلیغات ممنوع است و من حق ندارم درباره کاندیداتوری حرف بزنم. الان به عنوان یک مخاطب و چون شما زحمت کشیدید تماس گرفتید حرف می زنم. همیشه احساس من این است که همه باید کنار هم باشیم چون خدا وقتی انسان را خلق می کند همه یک جور آفریده می شوند و همه انسان هستند. هیچ جا به انسان چیز دیگری نمی گویند. انسانیت همه جا هست. و ما هم در ایران همه یک جور آفریده شدیم و امیدوارم این تساوی، یک جور بودن و... برسد به هر حال تفاوت هایی هست نمی گویم همه باید یک جور باشند. ولی امیدوارم فاصله ها و تضاد طبقاتی یک مقدار کمتر شود و همه مردم بتوانند از همه امکانات کشور استفاده کنند.

■ مستقل شرکت کردید؟

بله. من اصلا هیچ موضع سیاسی ندارم و احساس می کنم فقط برای تعیین منطقه و مرتبه اجتماعی، سیاسی، رفاهی، ورزشی و فرهنگی شهرم شرکت می کنم.

■ گزارشگری را چه می کنید؟

الان هم گزارشگر می شوم فرقی نمی کند. آن موقع گزارش فوتبالی داخلی یا خارجی را به گوش مردم می رساندم الان گزارش عملکردم را به سایر نماینده ها یا دولت محترم می رسانم.

■ پس اگر رای بیاورید با دنیای گزارشگری خداحافظی می کنید.

طبیعی است اگر بشود و مردم محبت کنند به من اعتماد کنند این اتفاق بیافتد حداقل این است که به مدت چهار سال نخواهم بود.

■ اگر رای نیاورید ادامه می دهید؟

بله.

■ کاندیداتوری شما خیلی در فضای مجازی سر و صدا کرده در جریان هستید؟

کم و بیش دوستانی هستند که کمک می کنند و مشاوره می دهند و به من می گویند خودم خیلی ندیدم اما دوستانم گفتند چه اتفاقاتی می افتد. دیروز هم گفتم خیلی از این موضوع خوشحال هستم و به همه آنهايي که چه خوب چه

بد می گویند یا می نویسند احترام می گذارم.

■ در همین فضای مجازی بعد از یک سری از گزارش های تان انتقادهایی از شما شد. مثلاً در بازی استقلال و صبا شما حتی نمی دانستید آقای پورحیدری در بیمارستان است؟

من فقط صدای تماشاگران را شنیدم و اطلاع نداشتم که ایشان بیمارستان است. فکر نمی کنم خیلی مورد مهمی بوده باشد یعنی واقعا من منصور پورحیدری را نمی شناسم؟ من فقط صدای تماشاگران را شنیدم و گفتم بله تماشاگران منصور پورحیدری را تشویق می کنند یک باره یادم افتاد که ایشان در بیمارستان است. در آن وضعیت و شرایطی که ما داریم نمی شود همه چیز را دید. یک لحظه احساس کردم دارند منصورخان را تشویق می کنند همان لحظه یادم آمد و عذرخواهی هم کردم. موضوع را کتمان نمی کنم. بله اشتباه کردم اما همان لحظه عذرخواهی کردم. اما متأسفانه آن لحظه که به دو ثانیه هم نکشیدم من عذر خواستم را کسی نمی بیند فقط نیمه خالی لیوان را می بینند. ۹۴ دقیقه حرف می زنی در این تایم ۱۰ ثانیه اشتباه می کنی و فقط همان ده ثانیه بولد می شود به آن ۹۳ دقیقه و ۵۰ ثانیه توجه نمی کند.

■ یا در مورد صادقی شما در گزارش گفته بودید سمت نیمکت نرفت ولی در عکس ها آمده بود که کنار پرویز مظلومی با دسته گل ایستاده بود.

من اول بازی را اصلا ندیدم دوستان به من آن طور اطلاع دادند. اگر این جور می بوده آفرین به امیرحسین صادقی که رفته من همیتجا از او عذرخواهی می کنم. امیرحسین یکی از باخلاق های فوتبال ما است.

■ احساس می کنید این جو اینطور به وجود می آید که یک عده منتظر هستند شما در گزارشتان یک اشتباه کنید این فضا را به وجود بیاورند؟

دیگر که قرار نیست گزارش کنم ولی خب فکر می کنم محبت مردم است. دوست دارند با من بیشتر شوخی کنند من از شوخی های آنها ناراحت نمی شوم و فکر می کنم اینها اشتباهاتی است که همه دارند. خوددوستانی هم که این شوخی ها را با من می کنند میکروفون دست بگیرند من در نود دقیقه ده ثانیه اشتباه می کنم مطمئن باشید آنها ۹۸ دقیقه و ۵۰ ثانیه اشتباه می کنند. هیچ کس بی ایراد نیست همه ایراد دارند این هم ایراد من است به خاطر این ایراد از همه شما و مردم عذرخواهی می کنم.

■ منظور تان گزارشگرهای دیگر که نیست؟

دوستانی که این شوخی ها را با من می کنند را می گویم. اولاً من از شوخی های مردم در فضای مجازی ناراحت نیستم، همه را هم حلال می کنم. چون می بینم بعضی جاها می گویند خیابانی شما را حلال نمی کند نه اصلا همه حلال تازه دو برابر هم حلال من هم آنها را بیشتر دوست دارم.

چون باعث می شوند این فضا ایجاد شوند و من بیشتر متوجه خودم باشم و به خودم برسم. راجع به نمایندگی مجلس هم فقط این را بگویم واقعا از دوره قبلی یعنی ۴ سال پیش به اینطرف فقط دارم مطالعه می کنم و تاریخ و جغرافی می خوانم اتفاقات مختلف سیاسی را دنبال می کنم و الان فکر می کنم اگر بخواهید از من یک امتحان تاریخ سیاسی یا تاریخ اجتماعی یا جغرافی بگیرید من مطمئنم که بیست می گیرم چون کاملاً همه این موارد را دنبال می کنم.

فریدون آسرایی در گفت و گو با «افق تازه»

خوانندگان زیرزمینی به روی زمین بیایند!

گفت و گو: مریم نجفی

عکس: تینا رحیمیان



فریدون آسرایی خواننده خوش آوازه‌ی کشورمان ۱۷ مرداد ۱۳۳۵ در شهر آسرا به دنیا آمد، با آلبوم «سرگذشت» در سال ۱۳۷۷ و «اولین سلام» در سال ۱۳۷۹ در لس آنجلس حرفه‌ی خوانندگی را آغاز نمود. وی در سال ۱۳۸۳ با آلبوم مجاز «غریبه» فعالیتش را بصورت رسمی و حرفه‌ای تر ادامه داد. آلبوم «از تو دورم» را در سال ۱۳۸۶ و آلبوم «ریمیکس» را در سال ۱۳۸۷ منتشر نمود. همچنین آلبوم «خاطرات گمشده» در سال ۱۳۹۰ با صدای وی روانه‌ی بازار موسیقی شد. آخرین آلبوم آسرایی «عشق یعنی» است که یک سال از انتشار آن می‌گذرد.

این روزها آسرایی مشغول کار بر روی آلبوم جدید خود می‌باشد، از این رو تصمیم گرفتیم که گفت و گویی با وی ترتیب بدهیم. گپ و گفت فریدون آسرایی را با «افق تازه»، می‌خوانید:

«عشق یعنی» فریدون آسرایی با گذشته‌ی کاریش متفاوت بود و تغییر چشمگیری را در این آلبوم شاهد بودیم، عکس العمل مردم چگونه بود با توجه به بروز آن همه تغییرات؟

موسیقی باید به روز باشد و کاری که ساخته می‌شود باید متناسب با زمان و سلیقه و خواست مردم تغییر کند و نباید در گذشته باقی بمانیم.

آیا چهره من و خلق و خویم همانند ۱۰ سال گذشته است؟ قطعاً اینطور نیست و تغییراتی در من ایجاد شده است و همین تغییرات باید در همه چیز وجود داشته باشد من جمله موسیقی.

از همکاریتان با رسول یونان اندکی بگویید؟

رسول یونان از ترانه سرهای خوب کشورمان است که متفاوت ترین قطعه آلبوم به نام «قهوه خونه‌ها» را رسول یونان سرود، که برترین ترانه پاپ در سال ۹۳ اعلام شد. و امید داریم که در آلبوم جدید هم بتوانیم همکاری یخوبی داشته باشیم.

من به شخصه کارهای اجتماعی را دوست دارم و سعی دارم که در آلبوم جدید کارهای اجتماعی بیشتری را منتشر نمایم.

از آلبوم جدیدتان برایمان بگویید؟

چند ملودی جدید در اختیار من قرار داده اند که در حال کار بر روی آنها هستم، همچنین تعدادی هم ملودی ساخته شده توسط خود من قرار است در آلبوم جدید باشد.

آیا در آلبوم جدید با بهروز صفاریان هم مجدداً همکاری خواهید داشت؟ ایشان خیلی درگیر کار هستند، اما اگر فرصت داشته باشند حتماً، چرا که نه!

در آلبوم «عشق یعنی» از هنرمندان جوانی برای ساخت کارهایتان استفاده کرده بودید، آیا دلیل خاصی برای این کار داشته اید؟

من با هر کسی که ترانه یا ملودی خوبی متناسب با فضای کاری خودم داشته باشد همکاری می‌کنم، و به جوان‌ها همیشه این فرصت را می‌دهم، و کار با جوان‌ترها را دوست دارم. من هرگز به دنبال اسم و شهرت ترانه سرا یا آهنگساز نیستم و کار خوب را اجرا میکنم حتی اگر ترانه سرا یا آهنگساز شناخته شده نباشند. در آلبوم عشق یعنی ۱۱ ترانه‌ای که اجرا شد، ۱۰ ترانه سرا داشت! که همگی جوان و با استعداد بودند.

◀ در جشن سالانه موسیقی ما چه تندیس‌های به شما تعلق گرفت؟

در سومین جشن سالانه موسیقی ما، تندیس‌های بهترین آلبوم پاپ و بهترین قطعه پاپ سال ۹۳ از نگاه کارشناسان و اهالی موسیقی برای آلبوم «عشق یعنی...» و قطعه «عشق یعنی...» به بنده تعلق گرفت. همچنین «بهروز صفاریان» برای تنظیم‌هایش در این آلبوم به عنوان بهترین تنظیم‌کننده پاپ انتخاب شد. و خب همان «قهوه خانه‌ها» که تندیس بهترین ترانه سال ۹۳ را نیز به خود اختصاص داد.

◀ کمی از کنسرت‌های سال ۹۴ برایمان توضیح دهید؟

برای یک خواننده کنسرت باعث ماندن و بودن بیشتر خواننده می‌شود، پس از «عشق یعنی» کنسرت را جدی تر دنبال کردیم، و خب در شهرستان‌ها نیز اجراهای زنده‌ای برگزار نمودیم کاری که شاید پیش از آن به ندرک انجام می‌دادیم و خب با استقبال مردم خوبمان در شهرهای دیگر نیز مواجه شدیم. در بهمن ماه هم کنسرتی خواهیم داشت که امکان دارد ۱ الی ۲ قطعه از قطعات جدید و منتشر نشده ام را اجرا نمایم.

◀ در حال حاضر فقط در تهران قصد برگزاری کنسرت را دارید؟

خب در شهرستان‌ها هم قصد برگزاری را داریم. که خب هنوز برنامه و تاریخ قطعی آن‌ها به دلیل انتخابات خبرگان مشخص نشده است.

◀ قشنگ‌ترین خاطره‌ای که از کنسرت‌هایتان دارید؟

بصورت کلی حس خوب زمانی حاصل می‌شود که بعد از پایان کنسرت رهبر گروه می‌گوید خسته نباشید و همگی عالی بودید. در این صورت خستگی ماه‌ها تمرین از بین می‌رود و حس خوبی به ما دست می‌دهد و در واقع کنسرت‌هایی که این اتفاق برایش می‌افتد، خاطره‌ی خوبی می‌شوند. البته از حس خوب مردم هم نمی‌شود چشم‌پوشی کرد که بخش زیادی از خاطرات خوب کنسرت به استقبال و هیجان حاضرین در کنسرت برمی‌گردد.

◀ اولین کنسرت شما چگونه برگزار شد؟

دوستش نداشتم! خودم و اعضای گروه رضایت نداشتیم و از نظر خودمان خوب برگزار نشد و همه‌ی ما به نوعی خوب نبودیم و شاید حتی بشود گفت بد بودیم! البته خوشبختانه این اتفاق در کنسرت‌های بعدی تکرار نشد.

◀ همکاری شما با خواننده غیر مجاز آرمین، هم جای تعجب داشت و هم جای سوال؟

همکاری من با آرمین در راستای صحبت‌های ایشان مبنی بر مجاز شدن شکل گرفت، آرمین قصد داشت که کار مجازش را



Foreverdown Aserace

◀ با این وجود در ایران کدام سبک موسیقی را بیشتر ترجیح می‌دهید؟

متأسفانه ما در ایران موسیقی سبک‌های خاصی مثل جز، بلوز، کلاسیکال و... را نداریم! در واقع فقط سبک‌های پاپ و سنتی را داریم و ترکیبی از این دو را بصورت تلفیقی. متأسفانه صاحب سبک نیستیم و نسبت به موسیقی عرب و ترک بسیار عقب مانده ایم.

◀ در نهایت کدام یک از قطعات منتشر شده با صدای خودتان را در کارنامه‌ی کاریتان بیش از بقیه کارها دوست دارید؟

کبوتر و بوی سیب و غریبه! شاید مردم توقع داشته باشند که بگویم «خوشگل عاشق» یا «سلام» یا «عشق یعنی» اما من سلیقه ام جور دیگری است.

◀ به نظر شما ویدیو کلیپ چقدر می‌تواند در موفقیت‌های یک خواننده تاثیرگذار باشد؟

بسیار زیاد! چرا که ویدیو در حافظه دیداری مخاطب نیز ثبت می‌شود و یک شیوه معرفی و به نوعی تبلیغی برای خواننده است و تاثیرات بسیار مثبتی می‌تواند داشته باشد که نمی‌توان از آن چشم‌پوشید.

◀ با این اوصاف شما با وجود شبکه‌ای تحت عنوان شبکه موسیقی تحت نظارت مستقیم صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران موافق هستید؟

شاید بشود گفت همچین شبکه‌ای بیشتر یک رویا یا آرزوست و به نظر عملی نمی‌رسد، اما ایده‌ی بسیار خوبی است اگر می‌شد که باشد قطعاً من هم از آن حمایت می‌کردم!

◀ شما از سال‌های نخستین زندگی، خود را خواننده تصور می‌کردید؟

خب، من سال‌ها ساکن کشور فیلیپین بودم و در رشته‌ی مهندسی کشاورزی تحصیل کرده‌ام و مدرک فوق لیسانس‌م را اخذ نموده‌ام، همیشه خودم را یک مدیر تصور می‌کردم در شاخه‌ی کشاورزی.

◀ با این حال برای شما موسیقی شغل است یا تفریح؟

از نظر من شغل نیست، یعنی در واقع هرگز به آن به شکل یک حرفه‌ی مستقل نخواست‌ام که نگاه کنم و با وجود آنکه شغل من شده است ولی برایم حکم تفریح را دارد، و مانند یک سرگرمی است. زمانی که موسیقی برایت می‌شود حرفه و شغل، دیگر نمیتوانی خودت باشی، و خیلی از کارها باید سلیقه مردم باشد نه خودت! باید دید مردم چه می‌خواهند و گاهی ناچاری کارهایی را اجرا کنی که سلیقه و علاقه خودت نیست. خود من هرگز کارهای خیلی شاد و ریتمیک را نمی‌پسندم ولی خب به خاطر مردم و برای برگزاری کنسرت ناچارم کارهای خیلی شاد را هم بخوانم.

◀ ساز هم می‌زنید؟

خب متأسفانه، تنها کار موسیقایی که انجام می‌دهم خواندن است و باعث آرامش‌م می‌شود. هرچند که من معتقد هستم هر انسانی باید سازی را بیاموزد و در اوقات تنهایی و غمگینی و دلگیری برای دل خود بنوازد و به آرامش برسد.

◀ به ورزش علاقه مند هستید؟

بله بسیار زیاد! البته بیشتر ورزش‌هایی که به شکل گروهی هستند را می‌پسندم مانند فوتبال.

◀ تا چه زمانی می‌خواهید که موسیقی کار کنید؟

تا جایی که در توانم باشم و بتوانم بصورت جدی کار کنم، کار می‌کنم. هر خواننده‌ای توانایی‌های متفاوتی دارد. من تا زمانی که نفس دارم و بتوانم کار خوبی را ارائه دهم می‌خوانم.

◀ خودتان را انسان خوشبختی می‌دانید؟

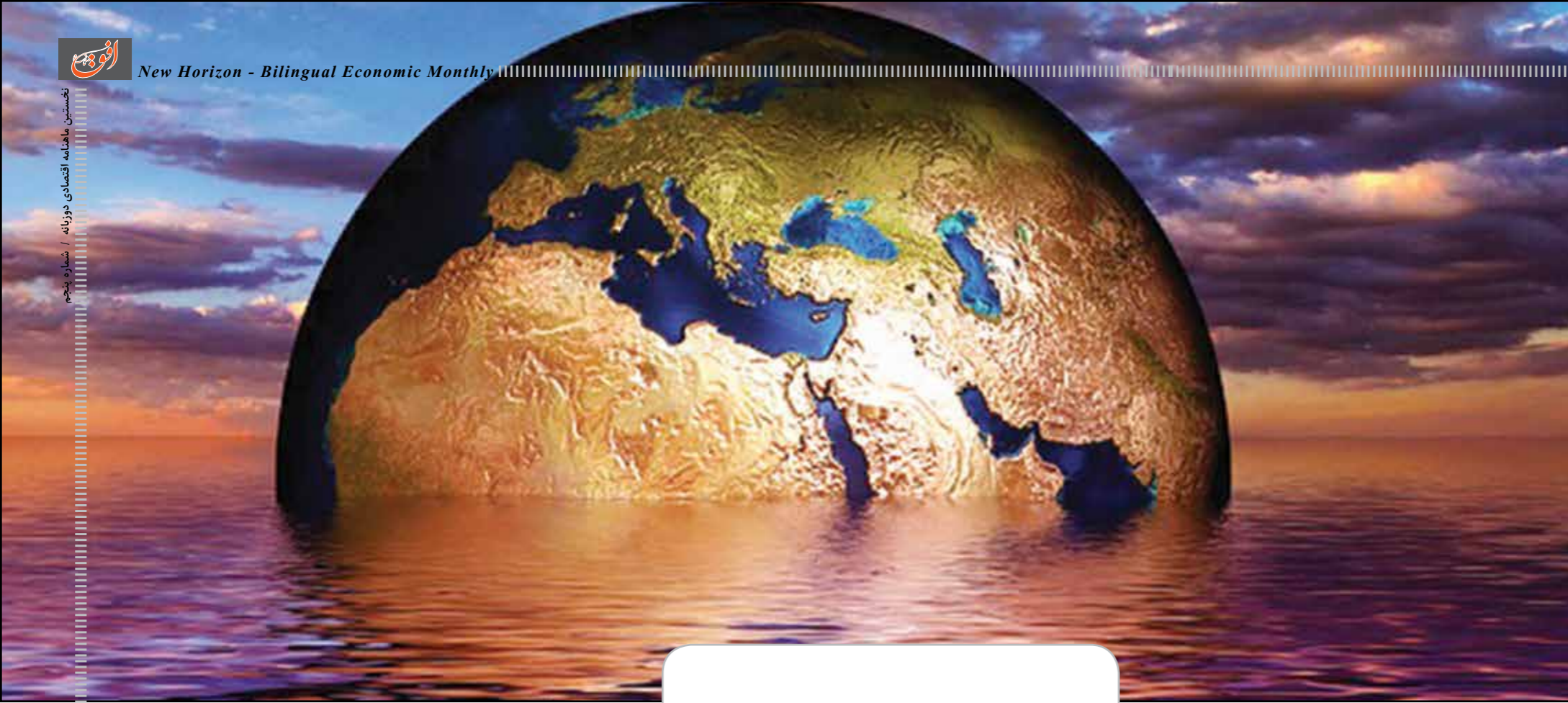
بله! همیشه خداوند را بابت داشته‌هایم شکر می‌کنم و خودم را خوشبخت می‌دانم و هرگز حسرت هیچ چیز را نمی‌خویم.

◀ نزدیک‌ترین سوپرپرایزی که برای هوادارتان دارید؟

کنسرت نهم بهمن ماه امسال اولین شگفتانه‌ی ما برای هواداران عزیز است و شاید تا پایان سال هم تک‌آهنگی را منتشر نمایم.

◀ آخرین حرف شما با خوانندگان این مصاحبه؟

همیشه مهربان باشید و مهربان بمانید!



World Economic Forum names the global risk in 2016

Shadow of immigration and climate change on global economy

Forced migration and climate change are the biggest risks facing the global economy this decade, according to 750 experts surveyed by the World Economic Forum.

The warning was published in the 11th edition of WEF's Global Risks Report and in advance of the annual gathering of global leaders at Davos . More than 60m people are displaced worldwide, compared with 40m at the end of the second world war. Last year 1m migrated to Europe. The majority of the world's forced migrants are internally displaced within Africa and the Middle East.

"The world's risks are becoming increasingly interconnected," says Margareta Drzeniek-Hanouz, head of global competitiveness and risk at the WEF, pointing to the links between climate change, forced migration and political instability. Drought and famine caused by climate change can lead to political conflict and forced migration, says Cecilia Reyes, chief risk officer at Zurich Insurance Group, a partner of the Global Risk Report.

Ms Reyes referenced a paper published last year

in the Proceedings of the National Academy of the Sciences, an American journal, which argued that the Syrian drought of 2007-10 increased internal migration and political unrest, contributing to the outbreak of civil war in 2011. A report commissioned by the G7 industrialised countries in 2015 found that climate change overburdens fragile governments through local resource competition, economic insecurity and forced migration. Last year was the warmest year on record, and saw the start of one of the strongest El Niños yet leading to unseasonably warm temperatures in the northern hemisphere winter. Other features of the weather phenomenon included rising rainfall levels in Brazil, while Southeast Asia faced severe droughts. However, Ms Reyes saw a silver lining of opportunities. "The world now needs green technology and infrastructure. Private investors and governments have a role to play in financing green investments. \$40bn

of green bonds were issued in 2015, and we project this will double in 2016."

Climate change was identified as a big risk in previous editions of the Global Risks Report but this year it has risen to the top of the list. John Drzik, president of Marsh Global Risk and Specialties, an insurance broker, said this was due to the emergence of new data, and the consensus in government and academia that climate change is largely driven by human activity. China's slowdown and rising volatility in emerging markets are two of the top global economic risks International Monetary Fund chief economist Maury Obstfeld is watching out for in 2016. Global stocks took a hit on the first trading day of the new year following a rout in Chinese markets, fueled by another bout of disappointing data in the world's second-largest economy. Growth challenges in China and other emerging markets are expected to force the IMF to downgrade its global economic forecast for the year when the fund posts its latest outlook in January. Global growth will be "disappointing and uneven," IMF Managing Director Christine Lagarde said recently. Beijing is facing critical decisions in the coming months on how to overhaul the economy. Leaders are trying to wean the economy off of credit-driven, export-reliant policies and foster more domestic demand. Aside from shifting the country from an industrializing nation into a middle-income economy, that restructuring is required to ensure sustainable long-term growth and avoid a financial maelstrom amid overinvestment and meager global demand. But it is a massive political and economic undertaking. And any missteps are likely to send shockwaves around

the globe.

The spill overs of China's faster-than-expected slowdown—largely through falling demand for commodities and other imports—have been larger than the IMF expected. "Serious challenges to restructuring remain in terms of state-owned enterprise balance sheet weaknesses, the financial markets, and the general flexibility and rationality of resource allocation," Mr. Obstfeld said in an IMF blog post .

Growth below the authorities' official targets could again spook global financial markets, he said. At the same time, if China relies too heavily on "time-honored methods of enforcing growth targets" such as credit-stimulate growth, Beijing "could simply extend economic imbalances, spelling possible trouble down the road."

Among the IMF's recommendations are tax cuts or more state benefits for the poor to drive consumption. China's growth problems are just one of many headwinds buffeting other emerging-market economies around the world. Weak commodity prices, high debt levels and rising borrowing costs are also taking their toll, helping to push some of the largest economies into sharp slowdowns or contractions. Mr. Obstfeld warns their troubles are likely not yet over. "The year will offer an abundance of challenges.... Emerging markets will be at center stage," he said. Investors have grown increasingly wary of emerging markets. Further sharp falls in commodity prices could lead to even more problems for exporters, "including sharper currency depreciations that potentially trigger still-hidden balance sheet vulnerabilities or spark inflation," Mr. Obstfeld said. Sources :Financial Times, WSJ



Iran heads toward economic boom

International firms rush to Iran market

The United Nations Security Council and Western sanctions on Iran are set to be lifted. Not only Asian, European and Russian firms are lining up, but also American giant corporations including Apple, Dutch Shell, General Electric are waiting behind the door to reap significant economic and financial benefits from the nuclear deal. If smaller firms know the process, where to start, how to connect and communicate, they can potentially have a better shot at achieving the benefits of the Iranian economy.

Iran possesses the world's largest untapped emerging market in the world, worth over \$1 trillion. There exist opportunities in almost every sector, and the economy desperately needs new capital. After Implementation Day, Iran's global legitimacy will rise, and foreign businesses will be permitted to operate in the country.

Iran will reenter the international community, rejoin the international banking and financial system as well as the open market for oil, affecting global markets. Tehran plans to increase its oil sales to 1 million barrels per day, and the 2016 budget is based on \$35 - \$40 per barrel.

More fundamentally, under the terms of the nuclear deal, the United States

will lift its laws punishing third parties for doing business with Iran. Sanctions on dozens other industries besides oil and gas- such as metal and gold- will be lifted.

European investors and businesses have a close eye on Iran in 2016, attempting to profit from Iran with the second-largest population in the Middle East, sizable, educated, and savvy middle class, as well as the world's second- and fourth-largest gas and oil reserves respectively.

In order not to fall behind European companies, U.S. firms will either push the State Department to grant them licenses to operate in Iran, or they will utilize subsidiaries to trade indirectly. For example, Apple products are already present in Iran.

As the country comes out of economic sanctions, Tehran will attempt to attract foreign businesses and investors in full force

While there is some truth to the idea that U.S. companies will be the largest losers of the nuclear deal while European firms rush to benefit, the State Department will likely begin granting more licenses to U.S. corporations to operate in Iran.

Some American corporations, such as Boeing and Airbus, and some

academic institutions will likely get permission to conduct business or interact with Tehran. More than 190 waivers have already been granted. The World Bank predicted that the Iranian economy is expected to rebound from 1.9% in 2015 to 5.8% in 2016. "...The predominant reason for the improvement is an expected growth spurt in the Islamic Republic of Iran, the largest developing economy in the region, from 1.9 percent in 2015 to 5.8 in 2016 and 6.7 percent in 2017," The WB said in its annual report titled "Global Economic Prospects: Spillovers and Weak Growth". The report added that the potential increase in Iran's crude oil production following the recent nuclear deal between Iran and six world powers and the upcoming removal of anti-Tehran sanctions could help expand exploitation of proven natural gas reserves in the Islamic Republic, which are the largest in the world.

The comprehensive nuclear deal between Iran and the six powers, also known as the Joint Comprehensive Plan of Action (JCPOA), would terminate all nuclear-related sanctions imposed on Iran after coming into force. Experts believe that Iran's economic growth would rise remark-

ably after the final nuclear deal takes effect.

"The release of frozen Iranian assets currently overseas will also boost the economy," it added.

"A rebounding Iranian economy will affect neighboring countries within the Middle East and North Africa to varying degrees. A rapid rise in Iranian oil production would dampen growth prospects in oil-exporting countries and improve them in oil-importing countries."

The report by WB also said that the outlook also reflects slightly higher growth among other oil exporters, especially Iraq and Algeria, and a more modest medium-term improvement among oil importers, from 3.5 percent in 2015 to an average of 4 percent in 2016-18. The forecasts assume stabilization of oil prices and an improvement in the security situation in some countries. Iranian President Hassan Rouhani recently vowed that the next Iranian calendar year (starts on March 21) would be a year of economic prosperity for the nation with the upcoming termination of sanctions based on a nuclear deal with world powers. The president predicted positive economic growth for this year despite all the hardships, vowing that the next year will be a "Year of Economic Boom" given the lifting of anti-Iran sanctions.

He also referred to the inauguration of new phases of the gas field, and highlighted the fulfillment of his government's promises in the fields of energy, oil, gas, and petrochemical industry.

In the next solar year of 1396, all phases of the South Pars Gas Field will be completed, he promised.

Two major development phases of the South Pars gas field in southern Iran were officially inaugurated on Monday morning. They are fully developed and put into operation by domestic experts.

IMF warns over disappointing global growth in 2016

The world watches the coming change in US economy

Economic outlook has deteriorated, with rising US interest rates and Chinese downturn increasing risk of instability

The IMF managing director, Christine Lagarde, said the prospect of rising interest rates in the US and an economic slowdown in China were feeding uncertainty and a higher risk of economic vulnerability worldwide. Added to that, growth in global trade has slowed considerably and a decline in raw material prices was posing problems for economies reliant on commodities, while many countries still had weak financial sectors as the financial risks increase in emerging markets, she said. Writing in German newspaper Handelsblatt, Lagarde said the start of a normalisation of US monetary policy and China's shift towards consumption-led growth were "necessary and healthy" changes but needed to be carried out as efficiently and smoothly as possible. The US Federal Reserve hiked interest rates for the first time in nearly a decade this month and made clear that was a tentative beginning to a "gradual" tightening cycle. There are "potential spillover effects", with the prospect of increasing interest rates there already having contributed to higher financing costs for some borrowers, including in emerging and developing markets, Lagarde said.

While countries other than highly developed economies were generally better prepared for higher interest rates than previously, she was concerned about their ability to absorb shocks, she said.

Emerging market companies with debt in dollars and revenue in sinking local currencies could struggle as the Fed begins what is

expected to be a series of interest rate increases. Lagarde warned that rising US interest rates and a stronger dollar could lead to companies defaulting on their payments and that this could "infect" banks and states.

But she said the risks associated with these changes could be overcome by supporting demand, maintaining financial stability and reforming structures. "Most highly developed economies, except the USA and possibly Britain, will continue to need loose monetary policy, but all countries in this category should comprehensively factor spillover effects into their decision-making," Lagarde said. The Federal Reserve will raise interest rates only three times this year as it faces a more subdued outlook for both the U.S. and world economies, a Reuters poll of economists found. The world's largest economy is a bulwark for an increasingly shaky global one, and has the most immediate positive prospects for generating inflation with a very low unemployment rate and a solid pace of private hiring. But a storm has blown through global markets since the start of this year, hitting stock markets, commodities and oil prices based on renewed worries that China, the world's second largest economy, is struggling. That has already led some to tone down their optimism over U.S. prospects, underscoring the view that the Fed will be forced to follow up last month's interest rate rise, its first in nearly a decade, at an even more gradual pace. The poll of over 90 economists found the U.S. economy will grow 2.5 percent in 2016, the same as predicted for 2015 and down from the 2.8 percent they were

expecting a year ago - a decent pace but not enough to generate a strong rebound in inflation. "U.S. economic growth appears to have shifted to a lower gear in the final months of 2015," noted Northern Trust economists Carl Tannenbaum and Asha Bangalore. "It has left many concerned about the well-being of the economy and raised questions about the Federal Reserve's recent hike of the policy rate," they wrote, stressing that this does not reflect "a widespread deceleration of economic activity." While growth this year is unlikely to be spectacular, respondents only saw a 15 percent chance of the economy sliding into a recession. A majority of those who answered an additional question said they expect the current business cycle to come to an end in the next two to three years. When it raised rates last month, the Fed expressed confidence that inflation would pick up before long. But most analysts, even the ones more optimistic about growth, remain skeptical that will happen. Core PCE inflation, the key inflation indicator monitored by the Federal Open Market Committee, is likely to be just 1.6 percent in 2016. It is expected to pick up to 1.8 percent in 2017, under the Fed's goal of 2.0 percent. Economists polled by Reuters were more cautious than the Fed, forecasting only three hikes this year and a federal funds rate between 1.00 and 1.25 percent by end-2016, similar to what they were expecting last month.

With financial markets having been in turmoil so far this year, several Fed officials have spoken out in recently to express their concerns over how much they may be able to raise rates.